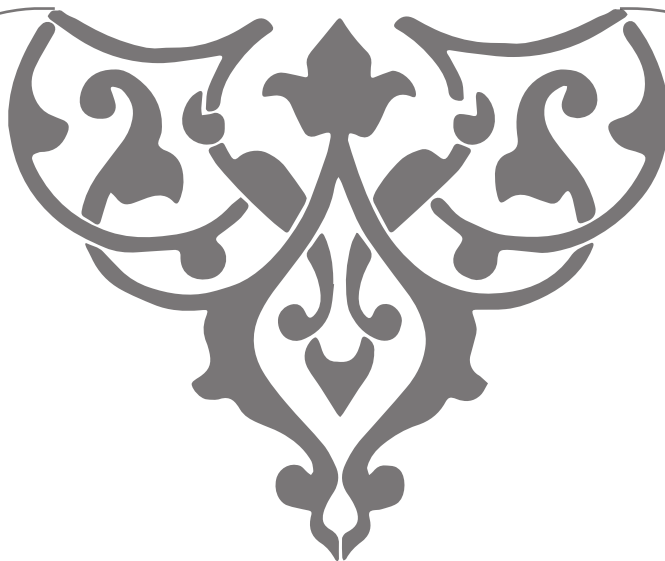


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ







## شناسنامه

نام کتاب: مبلغ مخلص و خادم القرآن حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی  
(طاب ثراه) در نگاه فرهیختگان و همکاران  
به اهتمام: معاونت امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری  
هماهنگ کننده: علی جعفری  
ویراستار: نجمة السادات هاشمی  
صفحه آرا: سید محسن موسوی  
طراح جلد: وحید صادق پور  
سمعی و بصری: سید حسین قریشی و اکبر قربانی  
تیراژ: ۱۰۰۰  
قطع: وزیری  
تعداد صفحه: ۱۸۶  
نوبت چاپ: اول

صحت مطالب مندرج در این کتاب بر عهده نویسندگان مطالب می باشد



# مبلغ مخلص و خادم القرآن

(طاب ثراه)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی

در نگاه فرهیختگان و همکاران

معاونت امور بین الملل  
بعثه مقام معظم رهبری





پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب	
۶ ..... به خانواده حجت الاسلام والمسلمین دکتر مظلومی	
۷ ..... پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت	
۸ ..... مقدمه	

## فصل اول:

### سبک زندگی و خانواده مداری

۱۲ ..... یک دنیا آرامش	
۱۷ ..... حساسیت به حلال و حرام	
۲۰ ..... بهترین معلم	
۲۵ ..... مرد عمل	

## فصل دوم:

### سلوک علمی و اخلاقی

۳۴ ..... متخلق به اخلاق قرآنی	
۳۶ ..... سید بی ادعا	
۴۰ ..... طلبه خستگی ناپذیر	
۴۴ ..... رفیق اعلی	
۴۹ ..... عالم عامل	
۵۲ ..... سید مدرسه	
۵۹ ..... استاد کم نظیر	
۶۳ ..... قدرت تاثیرگذاری	
۶۸ ..... عبد صالح	
۷۱ ..... الگوی روحانیون جوان	
۷۴ ..... جوان وارسته	
۷۶ ..... سلوک مهربانانه	
۷۸ ..... روحانی مقید و دلداده	

## فصل سوم:

### خدمت به اسلام و قرآن با نگاه فناورانه

۸۲ ..... زمینه ساز تحول در حوزه	
۸۹ ..... خدمت از دریچه فناوری	
۹۳ ..... خادم القرآن	
۱۰۰ ..... مبتکر پژوهشی	



۱۰۵	..... مبدع شیوه پژوهشی
۱۰۹	..... عرضه نرم افزاری علوم اسلامی
۱۱۳	..... اندیشه بلند
۱۱۶	..... نگاه فناورانه

#### فصل چهارم:

##### خدمات در حوزه حج و زیارت

۱۲۰	..... مدیر فاضل و تحول‌گرا
۱۲۴	..... بهشتی دوم
۱۲۷	..... نقش ارزشمند
۱۳۱	..... مدیر نواندیش، تحول‌گرا و قانون‌مند
۱۴۶	..... اخلاق مدار و متشرع
۱۴۷	..... روحانی متبخر
۱۴۹	..... حامی حقوق زائر
۱۵۱	..... مدیر بسیجی
۱۵۳	..... سخنران کاربردی
۱۵۵	..... مدیر شایسته
۱۵۷	..... تدبیر هوشمندانه
۱۵۹	..... مدیر آینده‌نگر

#### فصل پنجم:

##### فعالیت‌های تبلیغی و بین‌المللی

۱۶۴	..... حامی مسلمانان میانمار
۱۶۷	..... سفرهای موفق تبلیغی
۱۷۳	..... سخنران جاذب
۱۷۵	..... دغدغه‌مند اسلام و تشیع
۱۷۶	..... روحانی وحدت‌گرا
۱۷۹	..... رسالت واقعی
۱۸۱	..... روضه به زبان انگلیسی
۱۸۳	..... سربازان امام‌زمان
۱۸۵	..... خادم محبوب



پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی  
خطاب به خانواده مرحوم  
حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)



بسم الله الرحمن الرحيم

خانواده محترم جناب حجت الاسلام آقای حاج سید جواد مظلومی رحمه الله علیه  
درگذشت مرحوم حجت الاسلام جناب آقای مظلومی را به همسر مکرمه و فرزندان محترم  
ایشان تسلیت می گویم و برای آن مرحوم رحمت و مغفرت واسعه الهی و برای بازماندگان محترم  
صبر و توفیق مسئلت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۹۹/۱۱/۱۴





پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت  
به خانواده مرحوم  
حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)



باسمه تعالی

هو الحی القيوم  
الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا  
يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا  
(أحزاب ۳۹)

خداوند رئوف روح عبدصالح و دانشمند بسیجی و مبلغ مخلص دین جناب  
حجت الاسلام والمسلمین سید جواد مظلومی طاب ثراه را در منزلگاه عند ربهم پذیرا شد.  
ایشان عالمی پارسا، آگاه به زمان و نیازهای آن، مسلط به لوازم حوار و دلداده معصومین  
(علیهم السلام) و خادم القرآن بود. کلاس‌های درس او، تلاش نورانیش در مرکز تحقیقات  
کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، فعالیت‌های ایشان در فضای مجازی و نقش آفرینی در خدمت  
صادقانه به ضیوف الرحمان و زائران أعتاب مقدسه در بعثه مقام معظم رهبری و همچنین  
تبلیغات بین‌المللی دین، هر کدام ذخیره گرانسنگی است که خواستگاه الطاف الهی است.  
اینجانب با قلبی حزن آلود این ضایعه سنگین را به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف،  
مقام معظم رهبری مدظله، حوزه‌های علمیه، مراجع عظام تقلید خانواده مکرم، والدین، فرزندان،  
همکاران بعثه و سازمان، دوستان و مردم ولایت مدار زنجان تسلیت می‌گویم و از خداوند بزرگ  
رحمت و رضوان الهی را برای این روحانی فرهیخته خواهانم.

سید عبدالفتاح نواب  
نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت  
و سرپرست حجاج ایرانی







## مقدمه

در مکتب تابناک اسلام، علما، صالحان و دانشمندان از مقامی والا برخوردار و با اوصافی متعالی ستوده شده‌اند؛ علمایی که وجودشان سرشار از عشق به پروردگار، خدمت به بشریت و هدایت مردم است و عمل به علم را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. آیات نورانی قرآن و روایات معصومین گویای صادق بر این مدعاست.

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»<sup>۱</sup>؛ خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و دانشمندان را درجات برتری دهد». همچنین امام صادق (علیه‌السلام) در مورد مقام عالمان دین فرمودند: «ملائکه بال‌های خود را برای طالب علم می‌گسترانند و موجودات زمین و آسمان، حتی ماهیان دریا برای او استغفار می‌کنند؛ فضیلت عالم بر عابد همانند ماه شب چهارده بر بقیه ستارگان است»<sup>۲</sup>.

در این میان، زندگی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی طاب‌ثراه که با علم و عمل همراه و با عشق به پروردگار و اهل بیت (علیهم‌السلام) قرین شده بود، مصداق بارز زندگی عالم عاملی است که وصف آن در آیه شریفه‌ای از قرآن کریم آمده است و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا». نگاهی به زندگی با خیر و برکت این مبلغ مخلص، به ویژه در حوزه خدمت به اسلام و اهل بیت (ع) ما را به شناخت ابعاد مختلف خدمات و فعالیت‌های خالصانه اورهنمون می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی در سال ۱۳۴۴ در زنجان و از خانواده‌ای مذهبی و فرهنگی متولد شد و بخشی از دوران تحصیل را در موطن خود سپری کرد؛ رشته تحصیلی او ریاضی و فیزیک بود که نشان از ذهن پویا و آماده ایشان داشت. هر چند استادانش تمایل داشتند به رشته مهندسی وارد شود، اما حوزه را بر دانشگاه ترجیح داد و در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان در مدرسه صدر شد و با گذشت کمتر از یکسال، از اصفهان به قم آمد و در مدرسه امام صادق (علیه‌السلام) مشغول به تحصیل شد.

مدیران مدرسه به دلیل هوش سرشار، در حالی که سال دوم طلبگی اش بود، او را به عنوان استاد انتخاب کردند؛ همان درسی را که آن روز تلمذ کرده بود، می‌توانست در روز بعد تدریس

۱ - سوره مجادله آیه ۱۱

۲ - ثواب العالم و المتعلم

۳ - سوره احزاب آیه ۳۹





کند؛ تدریس ادبیات، فقه و فلسفه در حوزه‌ها تخصص آن مرحوم بود؛ در حقیقت، با استفاده از نبوغ و هوش سرشار که با عشق به پروردگار همراه بود، توانست وجوه تمایز خود را در فراگیری و تدریس نشان دهد. سیدجواد مظلومی به دست امام خمینی (ره) ملبس شد و پس از مدتی در همان مدرسه به سمت معاونت آموزشی مدرسه رسید.

به دلیل علاقه به رشته فلسفه و تفسیر، این دو درس را نزد حضرات آیات جوادی آملی و حسن زاده آملی فراگرفت و حتی در روزهای تعطیل هم مشتاق به تحصیل بود. با آغاز تحصیل در خارج فقه و اصول، از محضر حضرات آیات وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی بهره برد. او از جمله افراد بسیجی بود که به صورت داوطلبانه در دوران دفاع مقدس در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور فعال داشت.

ذهن ریاضی و پر جنب و جوش وی، ایشان را به علوم رایانه‌ای کشاند و از اواخر سال ۱۳۶۹ همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی را آغاز نمود و به واسطه تلاش مستمر در تولید نرم‌افزارهای قرآنی در سال ۱۳۸۰ به عنوان خادم القرآن انتخاب شد. دکتر مظلومی در کارنامه خود محوریت و همکاری در تولید نرم‌افزارهای «نورالحکمه»، «معجم موضوعی بحار الانوار»، «گنجینه روایات»، «نور الولایه» و «دانشنامه علوی» و... را به ثبت رساند و با بهره‌گیری از علم روز و روش‌های نوین توانست کمک شایانی به تحصیل طلاب و تدریس اساتید حوزه‌های علمیه نماید. به دلیل تسلط او بر امور فناوری اطلاعات و فضای مجازی، در سال ۱۳۹۰ همزمان با تشکیل اولین دوره شورای عالی فضای مجازی، با حکم مقام معظم رهبری عضو این شورا شد و برگ دیگری از خدمات خود را در این مجموعه ثبت کرد.

او مدتی به عنوان دبیر کمیته دین و جامعه اطلاعاتی کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت کرد؛ پس از چندین سفر به سرزمین وحی در قالب روحانی کاروان، از سال ۱۳۸۹ و در دوره مسئولیت حضرت حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، به عنوان معاون فرهنگی توفیق خدمت به زائرین بیت الله الحرام و عتبات عالیات را یافت و به مدت حدود ۱۰ در این مسئولیت فعالیت کرد. او طی این مدت توانست خدمات مطلوبی را در سامان دادن به امور روحانیون و آموزش زائران ارائه کند. حجت الاسلام مظلومی همچنین در دوره مسئولیت حضرت حجت الاسلام والمسلمین نواب در بعثه مقام معظم رهبری، به عنوان معاون امور بین‌الملل منصوب و طی مدت کوتاه حضور خود در این مجموعه، زمینه‌ساز برخی از تحولات شد.

تلاش‌های او در حوزه تقریب مذاهب اسلامی در قالب همکاری با مجمع جهانی تقریب به





ویژه در حدود یکسال اخیر نیز بخش مهمی از کارنامه درخشان فعالیت‌های او به حساب می‌آید. فعالیت‌های مرحوم مظلومی در عرصه تبلیغ بین‌الملل نیز بر کسی پوشیده نیست؛ به دلیل علاقمندی به فعالیت‌های تبلیغی و برخورداری از لوازم حوار به زبان‌های عربی و انگلیسی، در جایگاه نمایندگی دفتر مقام معظم رهبری در برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا همچون بنگلادش، تایلند و میانمار در راه خدمت به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و ایجاد وحدت و مودت در بین مسلمانان منطقه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد؛ دوران کمک به آوارگان مظلوم روئینگیا در میانمار، از درخشان‌ترین دوره‌های خدمت ایشان به مردم مسلمان آن منطقه به شمار می‌رود.

این شخصیت ارزشمند در کنار مجاهدت در تمام عرصه‌های فعالیت‌های که با نگاه نوآورانه همراه بود، با برخورداری از سجایای برجسته اخلاقی نظیر اخلاص، نجابت، تواضع و شکیبایی و با عشق مثال‌زدنی به اهل بیت (علیهم السلام)، زمینه‌ساز شجره طیبه‌ای شد که ثمرات آن تا سال‌های مدید کام‌پویندگان راه اسلام و انقلاب را سیراب خواهد کرد.

این عالم فاضل و خادم القرآن، سرانجام در ساعت ۲۲:۳۰ روز جمعه دهم بهمن ماه ۱۳۹۹ مصادف با نیمه جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ به ملکوت اعلی پیوست و در غروب دوازدهم بهمن، پیکرش در رواق آئینه حرم حضرت معصومه (سلام الله علیهم) آرام گرفت و آسمانی شد.

در این کتاب، با تأکیدات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نواب، نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت و به پاس چند دهه مجاهدت و فعالیت ارزشمند و اثرگذار، زندگی مرحوم مظلومی در ابعاد مختلف با کمک و مساعدت ویژه دوستان، همکاران و علاقمندان ایشان، مستندسازی شده است تا با ثبت خاطرات و خدمات آن عزیز سفر کرده، توشه‌ای برای پویندگان راه او فراهم آید.

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات و عنایات همه بزرگواران به ویژه دوستان و همکاران سال‌های مدید ایشان، به ویژه نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت که به انحاء مختلف، معاونت بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری را در جمع‌آوری اطلاعات و تدوین محتوای مناسب مرتبط با زندگی آن مرحوم یاری کردند، صمیمانه تقدیر و تشکر نموده و از خداوند متعال برای آنها سلامتی و طول عمر با عزت و برای این روحانی فرهیخته رحمت و رضوان الهی را مسئلت می‌نماییم.

معاونت بین‌الملل

بعثه مقام معظم رهبری



## فصل اول



### سبک زندگی و خانواده مداری







## یک دنیا آرامش

سرکار خانم موسوی<sup>۱</sup>

خاطرات من، در مدت سی و چهار سال زندگی مشترک با حاج آقا زیاد است، اما نکته مهم، اخلاق و رفتار ایشان در بین خانواده بود. یعنی با بچه‌هایشان خیلی راحت بودند. نمی‌خواهم بگویم که مانند رابطه امروزی‌ها که هر چه بچه‌ها بگویند باید همان باشد، نه اتفاقاً اینطور نبودند، آنچه که صلاح بود، آن را پیشنهاد می‌دادند و خوشبختانه بچه‌ها هم اغراق نکنم، اگر صد در صد موافق نبودند، ۹۸ درصد حرف پدرشان را قبول داشتند. دلیل قبول کردن حرف پدرشان این نبود که چون بابا اینطور گفت، قبول می‌کنیم؛ نه اینطور نبود، چون ایشان از راهی وارد می‌شدند و به نوعی برخورد می‌کردند که بچه‌ها قانع می‌شدند.

با من هم که رفتارشان خیلی با ملایمت بود؛ من باز هم اغراق نکرده‌ام اگر بگویم tendy از ایشان ندیدم؛ اگر هم امکان انجام کاری که باید انجام می‌داد را نداشتند، با آرامش و ملایمت می‌گفتند که نشد این کار را انجام بدهم.

زیاد مأموریت می‌رفتند، سفرهایشان زیاد بود، تقریباً از سال ۱۳۷۰ به بعد دیگر سفرهای ایشان خیلی زیاد شد، اما معمولاً سعی می‌کردند قبل از اینکه به سفر بروند بنا به شرایط، آرامشی را در خانه برقرار کنند. بعد از برگشتشان هم همینطور بود.

با بستگان خیلی با احترام و خیلی با گذشت و صبورانه صحبت می‌کردند. در این ۳۴ سال به یاد ندارم ایشان از یک نفر گلایه کرده باشند و این را می‌توانم صد درصد بگویم که

۱ - همسر مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)





از بستگان و آشنایان هم کسی هیچ گلایه‌ای از ایشان، نشنیده است. اصلاً از ایشان غیبتی نشنیدم، دروغی نشنیدم. دروغ مصلحت‌آمیز و این‌ها نداشتیم. حتی بچه‌ها که کوچک بودند، یک وقت می‌گفتم که سفر می‌روید به بچه‌ها بگویم شما زود می‌آیید؟ می‌گفتند لزومی ندارد، بگو می‌آید؛ حتی برای یک بچه هفت هشت یا شش ساله هم حاضر نبودند که چنین تعبیری به کار رود که ان‌شاءالله بابا زود می‌آید؛ می‌گفتند نه لزومی ندارد که شما زمان بدهید.

خیلی با گذشت بودند؛ اصلاً برایشان فرق نمی‌کرد که این کسانی که ما با آن‌ها در ارتباط هستیم، از یک موقعیت اجتماعی برخوردار هستند یا نیستند؛ شغلشان با ایشان تناسب دارد یا ندارد؛ اگر دعوتی می‌شد، خیلی روی دعوت حساس بودند؛ اگر کسی دعوت می‌کرد، بارها من احساس کرده بودم که خیلی به سختی می‌توانستند وقت برای آن تنظیم کنند، اما حتماً دعوت را قبول می‌کردند؛ حالا خیلی هم فرق نداشت که دعوت از طرف چه کسی است؛ اگر وقت داشتند محال بود که دعوت را قبول نکنند؛ هیچ فرقی هم برایشان نداشت که از بستگان من باشند یا ایشان.

این را من از اول تا آخر زندگی مشترکمان نفهمیدم که فرقی بین بستگان خودشان و من برایشان وجود دارد یا ندارد؛ هیچ وقت این را احساس نکردم؛ حتی بچه‌ها که ازدواج کردند با فامیل‌های دامادها و عروس‌مان هم همین‌طور بودند؛ هیچ فرقی برایشان نداشت، هر جا که احساس می‌کردند وظیفه است، فلان کار را انجام دهند، حتماً انجام می‌دادند، بدون اینکه درباره آن فکر کنند که چکار کنیم؛ می‌گفتند که این کار وظیفه است و باید انجام شود؛ حالا یا وظیفه شرعی است یا وظیفه اخلاقی یا وظیفه رفتاری؛ به هر حال فرقی نمی‌کرد و آن را انجام می‌دادند.

خاطرات مختلفی با ایشان در سفرهای گوناگون دارم؛ سفرهایی که اگر برایشان ممکن بود، من را همراه خودشان می‌بردند، البته با هزینه خودشان، تأکید دارم که با هزینه خودشان. تقریباً دو سال پیش، قبل از کرونا بود، صدا و سیما یک برنامه‌ای ماه رمضان داشت که برای عتبات ایشان را دعوت کرد؛ ایشان به من گفتند که برای شب‌های قدر از من خواسته‌اند، بروم. شما هم می‌آیی؟ با هم به عتبات رفتیم، ایشان





در هتلی که من در نجف مستقر شدم (هتل الرسل) نیامدند، گفتند که من از طرف بعثه نیامدم که اینجا بیایم. بعد ایشان با گروه صدا و سیما یک جای دیگر رفتند، گفتند که من با آن‌ها آمدم، با آن‌ها می‌روم و جایی که آن‌ها اسکان دارند، همان جا هستم، حالا شما اینجا باش، حرمت را برو و بیا و من هم فرصت کردم اینجا می‌آیم.

اگر اشتباه نکنم یک شب با آن‌ها بودند و از بعثه گفته بودند که شما بیایید هتل الرسل. ایشان آمدند و بعد هم متوجه شدم که صدا و سیمایی‌ها خودشان هزینه را تقبل کرده بودند؛ چون حاج آقا به ایشان گفته بود که من با بعثه نیامدم که بخوادم اینجا را اشغال کنم و اینجا بمانم. سفر دیگری هم به سوریه رفتیم این اتفاقات آنجا هم افتاد. هزینه را جدا می‌کردند، هزینه من را که جدا می‌کردند هیچ، خودشان هم با آن گروهی می‌رفتند که دعوت کرده بودند.

یک سفر با بچه‌ها و والدین ایشان و والده من به مکه مشرف شدیم؛ شاید خیلی‌ها باور نکنند ایشان آن سفر عمره را با وجود اینکه معاون فرهنگی بعثه بودند، اما زائر آمدند و خودشان هزینه را پرداخت کردند. چون گفتند آنجا می‌خواهم برای خانواده وقت بگذارم و نمی‌خواهم از وقت و هزینه بعثه گرفته شود.

منبرهایی که می‌رفتند طوری بود که مردم خیلی جذب می‌شدند؛ به یاد دارم که یک سال در ایام فاطمیه ایشان یک جایی در خود تهران منبر دعوت شدند، من همراهشان می‌رفتم، هر جا منبر داشتند من هم همراهشان می‌رفتم. شب‌های اول جمعیت خیلی زیاد نبود، تعداد کم بود؛ به ایشان گفتم که شما خیلی دقیق و عمیق صحبت می‌کنید و وقت می‌گذارید، حالا برای این جمعیت یک صحبت همیشگی که آقایان می‌کنند بکنید کافی است، اینقدر که شما دو سه ساعت مطالعه می‌کنید، نیاز نیست. گفتند من وظیفه خود را انجام می‌دهم؛ برای من مهم نیست که تعداد مستمع من چقدر باشد یا از چه قشری باشند.

معمولاً هم صحبت‌های جدیدی داشتند؛ همیشه روایت هم می‌خواندند؛ صحبت‌هایشان همه متکی بر روایات بود، اصلاً اهل قصه و خواب و داستان نبودند؛ همیشه روایت تعریف می‌کردند. سخنرانی‌شان ده شب بود. شب‌های بعدی جمعیت





خیلی زیاد شد، که من به ایشان گفتم دیگر جمعیت مجلس کامل شده است؛ ایشان گفتند برای من فرقی ندارد، اما انگار دل شما خنک شد که جمعیت زیاد شد. فوق العاده مخلص بودند و فوق العاده در مقابل اهل بیت (علیهم السلام) وظیفه شناس بودند.

ما بارها با ایشان به هیأت رفتیم، ایشان داخل نرفتند؛ ماه محرم هیأت‌های بیت را می‌رفتیم، ایشان همیشه بیرون می‌نشست، حتی جایی نمی‌رفت که یک آشنایی باشد به ایشان بگوید که بیا این طرف بنشین، عین خود مردم، یک سجاده همیشه همراهشان داشتند که وسط خیابان، کوچه و هر جا که بود می‌نشستند. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می‌رفتیم. هیأت آقای میثم مطیعی. کنار درخت، خیابان می‌نشستیم. می‌گفتند منظور این است که ما در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) شرکت کنیم؛ مهم نیست که کجا باشد و کجا بنشینیم.

یک سفر تایلند همراهشان بودم، وقتی رفتم و برگشتم گفتم حاج آقا شاید تا الان خیلی درک نمی‌کردم که شما آنجا چطور اینقدر با اشتیاق می‌روید. رفتم و دیدم که ایشان آنجا در یک شب فقط چندین خطبه عقد خواندند، چند تا مسأله جواب دادند، چندین مشکل حل کردند. اگر با هم سفر می‌رفتیم فقط رفت و برگشتمان با هم بود، آنجا اینقدر کار و جلسه بود که می‌گفت من باید وقت بگذارم، هزینه شده است. همیشه نگران بود که من باید کاری کنم که آن دنیا جوابگو باشم.

ایشان زمان کمی در خانه بودند، اما در همان زمان کم، آرامشی به اهل خانه می‌دادند که با هیچ چیزی در این دنیا عوض نکردم و نمی‌کنم.

نمی‌خواهم بگویم که از آن‌هایی بودند که می‌آمدند خانه کار می‌کردند؛ وقت نمی‌کردند، نه اینکه نخواهند، اما زمان‌هایی که مهمان داشتم خیلی کمک می‌کردند، بارها مادرم به من اعتراض می‌کرد که چرا گذاشتی حاج آقا جارو کند؛ می‌گفتم مگر چه می‌شود؟ یک وقت هم به مزاح می‌گفتم: حاج آقا، بیرون حاج آقا است.

خیلی آرامش می‌دادند؛ این روحیه آرام ایشان ما را از اضطراب‌های زندگی نجات داده بود؛ هم من و هم بچه‌ها و هم خانواده‌شان را، آخرش هم نفهمیدم بین خانواده من و ایشان تفاوتی در مفهوم و ذهن ایشان داشت یا اصلاً فرقی نمی‌کرد.





برای خرید منزل، خودمان اصلاً مایل نبودیم که ایشان خرید کند. نه بچه‌ها و نه من خودم، ایشان می‌گفتند چه اشکالی دارد؟ مگر خلاف شرع است؟ فلان چیز را می‌خواستید می‌گفتید من می‌خریدم و می‌آوردم، ولی من هیچ وقت راضی نشدم که خدای ناکرده به ایشان بی‌احترامی بشود یا برای خرید چیزی معطل شوند؛ ولی هر چقدر وقت داشتند، با آرامش کامل در اختیار خانواده می‌گذاشتند. در این مورد هم می‌توانم بگویم که خستگی‌ناپذیر بودند.

هیچ جمله و هیچ کلمه‌ای را درباره ایشان با اغراق نمی‌گویم، هر چه که می‌گویم کاملاً درباره ایشان صادق است. ایشان یک فرد استثنایی و به قول آسید علی آقا، یک انسان منحصر به فرد بود و فقط تأسف می‌خوریم که این نعمت را زود از دست دادیم.







## حساسیت به حلال و حرام



جناب آقای سید علی مظلومی<sup>۱</sup>

صحبت کردن درباره بابا برای ما سختی ویژه‌ای دارد. وقتی قرار است راجع به بابا حرف بزنم باید به این فکر کنم که از کجا شروع کنم.

اولین چیزی که به ذهن من می‌آید رابطه شخصی خودم و باباست. واقعیت این است که رابطه ما خیلی دوستانه بود. واقعاً با هم دوست بودیم، من سی و چهار سال با بابا رفاقت کردم و این فوق‌العاده بود. همیشه در جایگاه یک رفیق برای فرزندش بود و این خیلی نکته مهمی بود؛ یعنی ما این را می‌دانستیم که هر جا هر اتفاقی می‌افتد، قطعاً یک پناهی وجود دارد و آن پدرمان است.

یکی دو خاطره بانمک به ذهنم می‌رسد، ایشان روی ساده‌زیستی واقعاً تأکید جدی داشت. قصد داشتیم ماشینی که چند سال استفاده شده بود را بخریم، دوستان من مدام می‌گفتند به حاج آقا بگویید که اگر می‌شود صفر بردارد یا یکی دو سال کار کرده بخرد. صحبت‌ها را به بابا منتقل کردم و گفتم که بابا به نظرتان بهتر نیست صفر بخریم؟ بابا گفتند که مثلاً فکر می‌کنی من عقلت نمی‌رسد که ماشین صفر بهتر است؟

این جمله در ذهن ما و زندگی ما به یک رویه تبدیل شد؛ جمله‌ای که من عقلت نمی‌رسد که صفر بهتر است، برای ما دستور کار شد؛ یعنی ما فهمیدیم که ما در مرتبه خاصی هستیم، اول به خاطر شأن لباسی که ایشان نشان است، باید طوری زندگی کنیم که فقط ظاهرش ساده‌زیستی نباشد، یعنی فقط یک نقاب ساده‌زیستی نباشد،

۱ - فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)





واقعاً ساده زیست باشیم، طوری که حداقل بخش زیادی از مردم بتوانند آنگونه زندگی کنند.

یک وقت‌هایی می‌آمدم سازمان با بابا کار داشتم، در دفترشان با یک لیوان آب پذیرایی می‌کردند؛ واقعاً بیش از یک لیوان آب نبود. یا ایشان سفر که می‌رفتند هدیه‌هایی به ایشان می‌دادند؛ بابا هر هدیه‌ای که می‌گرفت، بالای ۹۰ درصد استفاده نمی‌کرد، وقتی می‌گفتم چرا؟ می‌گفت این را به سید جواد مظلومی ندادند، این را به نماینده ایران دادند، این را به معاون بعثه دادند، این را به نماینده فلان جا دادند.

یک بار از اداراتی که بابا قبلاً سال‌ها معاون بود، به من زنگ زدند و گفتند که یک مشکلی داریم. گفتم مشکل چیست؟ گفتند حاج آقا دوسه سال است که از اینجا رفته است، اما یک کمد بزرگ چهار کشو، پر از هدیه‌هایی که به حاج آقا داده‌اند را گذاشته و رفته است؛ شما بیایید ببینیم چکار کنیم که البته من هم قبول نکردم.

یکی از چیزهایی که برای بابا خیلی مهم بود و همیشه برای ما مرز می‌گذاشت حلال و حرام بود؛ چیزی که حرام است، قطعاً راهی به آن نیست و نمی‌شود آن را انجام داد و چیزی هم که حلال است می‌توانی انجام دهی. هیچ وقت یادم نمی‌آید که بابا بگوید یک مقدار می‌شود مرز را از این چپ و راست‌تر کرد.

یک قاعده‌ای هم داشت، می‌گفت هیچ وقت لب پشت بام حرکت نکنید، آدم‌هایی که لب پشت بام حرکت می‌کنند با یک باد می‌افتند و از پشت بام افتادن خیلی بد است. واقعاً یادم نمی‌آید که بابا یک بار گفته باشد که این کار را انجام بده. یعنی حتی در اصول تربیتی، مثلاً نماز خواندن هیچ وقت یادم نمی‌آید که بابا گفته باشد نماز بخوان؛ امکان نداشت. یا در مقوله حجاب. اگر زمانی ذره‌ای این حجاب از مرز حلال و حرام جابه‌جا می‌شد، دیگر بابا آنجا نبود؛ یعنی برای اینکه بابا را از دست ندهی همیشه مجبور بودی که رعایت کنی.

زمانی که می‌خواستم ازدواج کنم، ایشان به من گفت می‌توانی ازدواجی داشته باشی که هفته‌ای یک بار به خانه‌ات بیایم، می‌توانی یک ازدواجی کنی که شش ماه یکبار بیایم، می‌توانی یک ازدواجی هم کنی که سالی یک دفعه عید به عید همدیگر را ببینیم.





نکته دیگر اینکه بی‌نهایت پناه آدم بود؛ زمانی به من می‌گفت اگر اشتباهی می‌کنی بیا به من بگو، تهش توی گوش‌ات می‌زنم، هیچ اتفاق دیگری نمی‌افتد. بعد بزرگتر که شدم فهمیدم جامعه خیلی بدتر با این افراد برخورد می‌کند، فقط با یک می‌زنم توی گوش‌ات حل نمی‌شود.

نکته بعدی اینکه ایشان اصلاً در یک سری مسائل تسامح نمی‌کرد. در نوجوانی یک اتفاقی افتاده بود، که البته مربوط به یکی از دوستان آن موقع من بود، ولی به هر حال بابا متوجه شده بود و به من گفت اگر خطایی کردی، توبه کن و من هم به تو کمک می‌کنم که مشکل حل شود؛ اما اگر احساس کنم که یک روز خطای تو به خطای مردم منجر می‌شود، مطمئن باش که به پلیس زنگ می‌زنم. این تعارف‌ها را حتی با من نداشت.







## بهترین معلم

سرکار خانم نرگس سادات مظلومی<sup>۱</sup>

برخی افراد در زندگی استاد اخلاق دارند، یک مربی ورزش دارند، یک استاد هنر دارند یا یک مرجعی برای حل مسائل عقیدتی، احکام شرعی و... دارند یا در حوزه مسائل کامپیوتری و زبان انگلیسی نیاز به افرادی دارند که برای حل مشکلشان به آن مراجعه کنند؛ یا یک پدر دارند که عزیز است، بزرگوار است، مهربان است، کوه است، پناه است. بابا برای ما تلفیق این‌ها بود، یعنی علاوه بر اینکه یک پدر واقعی بود، یک استاد واقعی، یک مرد واقعی، یک الگوی واقعی هم بود و «پدر» مرجع ضمیر همه جملات ما بود.

ما همانند پدر یاد گرفته بودیم که همیشه در زندگی حد و سقف نداشته باشیم؛ بابا خیلی تأکید داشتند که جلو برویم. همیشه مرجع رفع مشکلات زندگی ما بابا بودند. پدر همیشه می‌گفتند هر چیز جدیدی که می‌توانید یاد بگیرید دنبال آن بروید. من به شخصه اهل هنر بودم، هر بار که تابلوی جدیدی می‌کشیدم، اولین نقاد و تحسین کننده من پدر بودند که خیلی دقیق نگاه می‌کردند و مثلاً می‌گفتند اینجا خوب است، اینجا این ایراد را دارد. پدرم خیلی اهل شعر بودند و گاهی هم شعر می‌گفتند، برای سروده‌های من هم ملاحظات داشتند. مخاطب اولین شعری که گفتم پدر بودند، می‌گفتند خوب است، یاد بگیر، پیشرفت کن، یا مثلاً در مسائل درسی و این‌ها هم همیشه تأکید داشتند تا آنجا که می‌توانی پیشرفت کن و جلو برو.

۱ - فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)





همسر من دانشجوی دکتری هستند، به طبع سرشان خیلی شلوغ است و همیشه مشغول درس هستند، یک وقت‌هایی از باب حرف‌های پدر دختری به پدر می‌گفتند که ما مثل بقیه نمی‌توانیم تفریح کنیم؛ پدر به همسر می‌گفتند به آینده فکر کنید، و اینکه این مملکت به آدم‌هایی که در حوزه خودشان باسواد باشند نیاز دارد؛ به من توصیه می‌کردند هر وقت که می‌بینی همسرت سعی می‌کند در حوزه تخصصی خود عمق پیدا کند، تحسین و تشویقش کن.

بابا برای ما در خانه یک پدر فوق العاده بودند؛ کسی بودند که هیچ چیزی را به ما یاد نمی‌دادند، مگر اینکه خودشان به آن عمل کنند؛ در واقع همیشه با زیستنشان و نوع زندگی‌شان به ما هر چیزی را که می‌خواستند آموزش بدهند، آموزش می‌دادند. یکی از واضح‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی پدر که در ذهن من مانده است، بحث تواضع باباست. بابا بسیار متواضع بودند و این برایم در چند خاطره پر رنگ شد.

یک سال سفر اربعین قسمت شد، متأسفانه فقط یک سال توانستم با پدر به پیاده‌روی اربعین بروم. با هم رفتیم، در مسیر گفتند که می‌خواهم یک سر به موکب دوستان تایلندی بزنم، زحمت کشیده‌اند و آمده‌اند، یک حال و احوالی بکنیم. مشغول صحبت بودیم که رسیدیم به موکب دوستان، دوستان از پشت پیشخوان، پدر را دیدند و از پشت میکروفن شروع به خوشامد گفتن کردند و مدام می‌گفتند آیت‌الله مظلومی خوش آمدید که بابا مضطرب شدند و گفتند به زوار برسید و این حرف‌ها را نزنید.

موقعی بود که دوستان تایلندی می‌خواستند غذا توزیع کنند، دیدیم بزرگوارانی که می‌خواهند غذا توزیع کنند، می‌روند پشت پیشخوان می‌ایستند. برای من خیلی جالب بود که بابا حاضر نشدند پشت پیشخوان بایستند و غذا بدهند که دیده و شناخته شوند. به آشپزخانه رفتند و روی زمین نشستند و شروع به غذا کشیدن کردند.

من همانجا احساس کردم که چقدر یک آدم می‌تواند بزرگ باشد که حتی وقتی می‌داند پشت پیشخوان ایستادن هم خدمت است، اما خدمت در خفا را انتخاب می‌کند.

در مثالی دیگر، در ایام چهارده خرداد که ارتحال حضرت امام (ره) است، همیشه پدر به سبب جایگاهشان کارت ورود به جلسه داشتند؛ گاهی می‌آمدند و می‌گفتند که





مثلاً امسال به من دو تا کارت یا سه تا کارت دادند و می‌توانید با من بیایید. به خاطر دارم که یک سال من و مادر و پدرم برای مراسم رفتیم. بابا پاکت را باز نکرده بودند، فکر کرده بودند که سه تا کارت است، آنجا که رسیدیم ماشین را پارک کردند و پیاده شدند، دیدند که دو تا کارت است، من گفتم که من در ماشین می‌نشینم، شما و مامان بروید، گفتند نه، اصرار کردند که شما و مامان بروید؛ گفتم بابا شما چکار می‌کنید؟ نمی‌شود که، پس شما چه؟ گفتند غرض من شنیدن صحبت‌های حضرت آقااست که اینجا هم می‌توانم بنشینم و بشنوم، و واقعاً در پارکینگ نشستند و یادداشت برداری کردند.

یک خاطره دیگر هم مربوط به اربعین آن سال می‌شود. یکی از دوستانم در یک موکب بین‌المللی فعالیت می‌کردند. با اینکه دیروقت بود گفتم که ما نزدیک فلان عمود هستیم، یکی از دوستان من در آنجا موکبی دارد، دوست دارم بروم و دوستم را ببینم، امکانش هست؟ گفتند که آره بابا، مشکلی نیست و می‌رویم. البته بابا خیلی سعی می‌کردند تا آنجا که از دستشان بر می‌آید، خواسته‌های دل ما را برآورده کنند، این واقعاً جزء خصوصیت‌های بارز پدر بود.

به موکب دوستم که رسیدیم، به من گفتند که ما کنار طریق می‌نشینیم، شما پیش دوستت برو و برگرد. کار طول کشید؛ وقتی برگشتم دیدم چند نفر دور پدر ایستاده‌اند و صحبت می‌کنند، نگو مسئولان موکب بودند که در عرصه بین‌الملل پدر را می‌شناختند و داشتند اصرار می‌کردند که شما تشریف بیاورید موکب و کار ما را ببینید. آمدند داخل و از موکب‌ها بازدید کردند و چند نکته گفتند و در آمدیم.

دوستان خیلی اصرار کردند که حاج آقا جا برای کادر هست، تشریف بیاورید و شب اینجا باشید که گفتند جا هست، خیلی ممنون و آمدیم. یک مقدار جلوتر آمدیم، از بابا پرسیدیم که بابا کجا جا هست؟ گفتند که این همه موکب، حتماً برای ما هم جایی پیدا می‌شود و خلاصه خیلی گشتیم تا بالاخره جایی پیدا کردیم. ما خانم‌ها اسکان پیدا کردیم و پدر گفتند که نگران من نباشید، شما بروید و ما صبح که بابا را در یک حالت سرما خورده دیدیم، متوجه شدیم که جا پیدا نکرده بودند و شب کنار طریق خوابیده بودند.

به نظرم این‌ها ویژگی‌هایی بود که پدر در زندگی‌شان به ما یاد دادند و دوست داشتند





که ما هم یاد بگیریم؛ هر چند هیچ وقت نگفتند که اینطور باشید؛ هیچ وقت بایدی در زندگی نیاوردند به جز مسائل شرعی، اما طوری زندگی می کردند و یک طوری خوب بودند که آدم دوست داشت مانند ایشان باشد، همچنان هم آرزوی ما این است که بعد از پدر حداقل بتوانیم به گونه ای باشیم که فرزندان خلفی برای ایشان باشیم و آن چیزهایی که در این چند سال زندگی خدا لطف کرده است و از پدر یاد گرفتیم در زندگی شخصی خود هم بتوانیم به کار ببندیم.

پدر هیچ وقت به ما باید و نباید نمی گفتند؛ ما سه فرزند بودیم و هیچ وقت نمی گفتند که شما باید با این آدم ازدواج کنید یا همسران باید این ویژگی های اخلاقی را داشته باشند؛ به هر کدام از ما اجازه دادند که متناسب با سلیقه و شخصیت خودمان سراغ آدم های هم تیپ خودمان برویم، اما برایشان خطوط شرعی خطوط پر رنگی بود، و می گفتند کسی که مسائل شرعی او تأیید شده است اگر به لحاظ شخصیتی و اخلاقی و سلیقه ای با شما هم کفو باشد و در کنار همدیگر احساس آرامش کنید، برای ازدواج مانعی ندارد.

بعد از ازدواج جمله ای گفتند که به نظرم جمله درخشانی بود؛ گفتند ازدواج کردن یعنی پذیرش یک سری مسئولیت ها به جای علایق شخصی، اگر هر کدام از شما در زندگی از یکی از علایق شخصی خود گذشتید برای اینکه مسئولیت خود را نسبت به همسر خود بهتر انجام دهید، باید خوشحال باشید از اینکه توانسته اید به نحو احسن آن وظیفه را انجام دهید و خیلی ناراحت آن علاقه ای که از دست رفته است نباشید.

خودشان را هم همیشه مثال می زدند و می گفتند که اگر من در سن پایین ازدواج نمی کردم، شاید می توانستم در درس طلبگی به مراتب بالاتری برسم؛ ولی وقتی ازدواج کردم فهمیدم که من علاوه بر اینکه یک سری مسئولیت ها و علایق شخصی دارم، یک سری وظایفی هم نسبت به همسر و بعد فرزندانم دارم و سعی کردم که باور کنم که هر کاری برای شما انجام می دهم، در زمره علایق خودم است و سعی کردم باور کنم که خوشحال کردن شما و راضی کردن شما از بالاترین علایق من است؛ و البته همیشه این را در سفرهای خود نشان می دادند.





آخرین نکته اینکه، پدر سفر زیاد می‌رفتند و برای همه ما و بویژه مادرم سخت بود. آخرین سفر مکه‌ای که رفتند پیامک‌هایشان را مرور می‌کردم، نوشته بودند که بابا اگر در این سفرها خیر و ثوابی باشد، حتماً شما در آن شریک هستید، اگر من هم کم اخلاصی کنم و توشه‌ای برای خودم بر ندارم، مطمئن باشید که به خاطر صبری که شما می‌کنید و همراهی که شما می‌کنید حتماً متنعم می‌شوید.







## مردعمل

سرکارخانم فاطمه سادات مظلومی<sup>۱</sup>

بابا ویژگی‌هایی داشتند که خیلی‌ها مطرح می‌کنند؛ مانند ساده‌زیستی، واقعاً هم اینطور بود.

زمانی جلسه‌ای بین مسئولان منعقد شده بود که مرحومه خانم دکتر کرمانی که یکی از استادان من بودند، در آن جلسه حضور داشتند و تعدادی از مسئولان و بابا هم بوده‌اند. جلسه که تمام شده بود، به دنبال همه مسئولان ماشین آمده بود که برگردند؛ خانم دکتر می‌گفتند همینطور که نگاه کردم دیدم حاج آقا سمت یک طرف دیگر می‌روند، فهمیدم که حاج آقا با ماشین خودشان آمدند، گفتم تشریف داشته باشید ماشین زیاد است، شما دیگر رانندگی نکنید، بیایید با یک ماشین برویم. به عبارت خودشان، یک دفعه بابا نیست شدند؛ یک مقدار گذشت و همه سوار ماشین‌ها شدند، من دیدم که تازه ایشان آمدند که احیاناً کسی نگوید شما بفرمایید با این ماشین. برگشتند به دوستان گفتند که قدر این حاج آقای مظلومی را بدانید، با این همه توان و مسئولیت و جایگاه علمی، اینقدر متواضعانه رفتار می‌کنند که اصلاً نمی‌فهمیم با ماشین کاری یا با ماشین شخصی آمدند.

ترجیح بابا این بود که هر وقت می‌توانند با ماشین خودشان بروند؛ یک وقت‌هایی که صدا و سیما می‌رفتند، دیر آفیش می‌شد، می‌گفتم بابا جان! اگر با ماشین خودشان بروید اینجور معطل نمی‌شوید، بابا می‌گفتند فرقی نمی‌کند، من در آن فاصله مطالعه

۱ - فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی (طاب ثراه)





خود را می‌کردم، من در آن فاصله برای صحبت‌آماده می‌شدم، مهم نیست، اینطور من راحت‌تر هستم. همیشه هم می‌گفتند که اینطور من راحت‌تر هستم، نمی‌گفتند که این بهتر است، بهتر است اینگونه باشد؛ می‌گفتند که اینطوری برای من بهتر است.

یک بار بابا در یکی از سفرهایشان به آلمان، با یک پروفیسور آلمانی چند ساعتی صحبت داشتند؛ بابا دکترای فلسفه داشتند، مطالعات عمیق فلسفی و علمی داشتند، از آن طرف به علوم کامپیوتر هم خیلی وارد بودند، زمانی که کامپیوتر اینقدر روزمره نشده بود و اینقدر همه‌گیر نشده بود. خودشان تعریف می‌کردند و با خنده می‌گفتند پروفیسور گفته بود که you are new human، شما آدم جدیدی هستی، هم کامپیوتر بلد هستی، هم علم روز را می‌دانی، هم مطالعات اسلامی قوی داری و هم نظریات فلسفی داری، و آن اصطلاحش خیلی برای ما شیرین شده بود و تا مدت‌ها شوخی می‌کردم که you are new human

یک وقت‌هایی حرفی پیش می‌آمد و دوستان من سؤالاتی می‌پرسیدند. می‌گفتم یک روز دیگر نظر نهایی خود را می‌گویم، می‌گفتند چکار می‌کنی؟ می‌گفتم اگر بابا مشورت کنم می‌دانم که پخته‌تر می‌شود و واقعاً هم همینطور بود؛ در هر موردی که مشورت می‌کردیم، می‌دیدم که من چند قسمت را ندیده بودم و بابا به من کمک کردند. یک بار من، مامان و همسرم با بابا به سفر اربعین رفته بودیم. آن سفر خیلی ویژه شد، قبل از سفر، بابا کلی برای بحث اربعین کار کرده بودند، کلی مسئولیت داشتند، ولی از ابتدای سفر مانند یک زائر عادی رفتار می‌کردند. در این مواقع خیلی‌ها بابا را می‌دیدند یا داخل موکب‌های خود دعوت می‌کردند؛ بابا اگر می‌توانستند کمک یا کاری انجام می‌دادند و گرنه می‌رفتند که به سبک همه زائرها باشد.

در موکب خوابیدن‌هایشان بماند؛ یک بار در یک موکب با همسر من خوابیده بودند، صبح که بلند شدند، دیدیم که بابا سخت راه می‌روند، گفتیم که بابا پایتان چه شده است؟ گفتند که هیچی، چیز مهمی نیست؛ گفتیم که معلوم است که پایتان درد گرفته است؛ یک چیزی شده است؛ خندیدند و گفتند که آره درون موکب جا نبود، دم در خوابیدم، یک بنده خدایی آمد رد بشود، روی پای من افتاد، فکر کنم لپ‌تایم هم یک





چیزی شده است.

واقعاً لحظه به لحظه‌اش برای من درس بود؛ ما که به کربلا رسیدیم؛ همسر من خیلی شدید مریض شدند و بهتر نشدند و مجبور بودند که به دکتر بروند، من گفتم که با ایشان می‌روم، لازم بود کسی با ایشان برود، سرما خوردگی ایشان خیلی شدید شده بود؛ بابا گفتند که من می‌روم، گفتم بابا وقت نیست، یکی دو ساعته ما باید برگردیم، شما زیارت نرفتید، می‌خواهید زیارت بروید، دعا بخوانید، کار دارید، حیف است، شما زیارت بروید، من با ایشان می‌روم. بابا گفتند که من می‌روم و تمام. از بابا عذرخواهی کردم و گفتم که ببخشید اینطور شد و شما درست به زیارت و عبادت نرسیدید؛ دیدند که من خیلی اینطور می‌گویم و همسر من هم مدام عذرخواهی می‌کرد که بابا ببخشید، شما اذیت شدید، نهایتاً گفتند مگر عبادت، مگر ثواب، مگر این‌ها فقط به زیارت و عبادت است؟ مهم این است که وظیفه چیست؟ الان من با شما بیایم خیلی بهتر است؛ مطمئن باشید که ثوابش بیشتر است؛ گفتم آخر بابا لذت زیارت یک چیز دیگر است؛ گفتند به لذت عبادت نیست، به کاری است که باید انجام شود. بعد از آن من و همسر من همیشه می‌گوییم به وظیفه است، نه حتی به لذت عبادت.

بابا خودشان یک منبری بودند، اما اگر منبری بود و شرایطش را داشتند می‌رفتند و لذت می‌بردند. مادرم گفتند که برای هر نیم‌ساعتی که می‌خواستند صحبت کنند، بابا ساعت‌ها مطالعه می‌کردند؛ معمولاً من بعد یادداشت‌هایشان را می‌گرفتم که سر و سامانی بدهم و نگاهی می‌کردم، می‌دیدم که برای نیم ساعت چقدر مطالعه، فکر و بررسی می‌کردند که حتماً دقیق بگویند، روایت دست اول بگویند، از دقیق‌ترین منابع حرف بزنند، این‌ها برایشان خیلی مهم بود. فرصت بابا کم بود، به واسطه تعدد مأموریت و سفر و جلسه و مشغولیت‌های زیادی که داشتند، اما در آن زمان کم کیفیت کارشان خیلی بالا بود. از کمترین زمان‌ها استفاده می‌کردند.

این خاطره برای من و دوستانم همیشه مانند یک خاطره ویژه است؛ در دانشگاه، در خوابگاه بودیم، آن موقع بابا قم بودند و من تهران. زنگ زدم و گفتم بابا امتحان داریم، ولی من این نکته فلسفی را یاد نگرفته‌ام؛ بابا گفتند تلفنی به تو می‌گویم؛ گفتم دوستانم





هم هستند، آن‌ها هم اشکال دارند، گفتند اشکالی ندارد ۱۲ شب زنگ می‌زنم بگذار روی بلندگو همه بشنوند؛ از خاطرم آن نمی‌رود که وسط راهروی خوابگاه نشستیم، شاید من و ده تا از همکلاسی‌هایم که خوابگاهی بودند نشستیم و بابا تا نزدیک نماز صبح یک به یک سؤالات من و دوستانم را جواب می‌دادند، دقیق می‌گفتند، بچه‌ها یادداشت می‌کردند. آن امتحان چه امتحان خوبی برای ما شد که هنوز دوستانم خاطره آن وقتی که بابا با علاقه و انرژی و محبت برای ما درس می‌دادند، در یادشان هست.

شاید جالب باشد، خواستگار که برای ما می‌آمد، به واسطه اینکه ما خیلی به بابا اعتماد داشتیم و همیشه می‌گفتیم بابا باید بگویند، اول می‌رفتند با بابا صحبت می‌کردند، همسر که رفته بودند و صحبت کرده بودند، بعد از صحبت، بابا خانه آمدند که توضیح بدهند نظرشان چیست. بابا پسندیده بودند؛ بابا گفتند پسر اهل مطالعه‌ای است، با سواد است و خیلی اهل فعالیت، این خیلی خوب است. برای من هم این‌ها مهم بود، اما فکر نمی‌کردم که اینقدر برای بابا مهم باشد که چه چیزی برای من مهم است.

به ریزترین روحیات ما فکر می‌کردند و حتی به ازدواج‌های ما و آینده ما اینطور نگاه می‌کردند و مسائل این چنینی مثل ایمان، مطالعه، سواد، تواضع و اخلاق برایشان مهم بود.

بابا بسیار به اهل بیت (علیهم السلام) ارادت داشتند و چند جا شاید بروز و ظهورش را بیشتر احساس می‌کردیم، یکی در زیارت‌ها بود؛ به شدت به زیارت‌ها مقید بودند و زیارت‌هایشان را با آداب انجام می‌دادند؛ اوایل که کوچکتر بودیم اول نمی‌دانستیم و به ما هم نمی‌گفتند که باید اینطور زیارت کنید و باید اینطور بگویید؛ اما می‌دیدیم که یک کارهایی را همیشه انجام می‌دادند و چون ما خیلی وابسته بودیم، می‌پرسیدیم که بابا چرا اینجا اینطور گفتید؟ یا از آداب زیارت می‌پرسیدیم، بعد بابا برای ما توضیح می‌دادند.

یک سفر زیارتی به مشهد رفته بودیم، البته من اردویی رفته بودم و بابا برای کاری آمده بودند، قرار گذاشتیم که همدیگر را ببینیم. من گفتم که در حرم شما را ببینم؛ ایشان را دیدم و آن شب بابا دعای کمیل را برای من خواندند. می‌توانم بگویم که از ابتدا تا انتهای





دعای کمیل که هر دو می خواندیم، سراسر بابا اشک ریختند و دعا می خواندند. همسر می گفتند حرم که می رویم برای زیارت پشت سر بابا راه می روم و بابا را می بینم، می گفتند از وقتی که ایشان وارد صحن می شوند تا وقتی که بیرون می آیند اشک می ریزند. همیشه به ما تأکید می کردند که در زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را الگو قرار بدهید. یک وقت هایی می پرسیدم چطور الگو بگیریم، ما که نمی توانیم مثل آن ها باشیم، جمله همیشگی و معروف بابا این بود که جهت گیری تان، جهت گیری اهل بیت (علیهم السلام) باشد؛ شما به آن قله، به آن نقطه و مقصد نمی توانید برسید و ما نمی رسیم، اما جهت گیری شما همان جهت گیری باشد که اهل بیت (علیهم السلام) راضی هستند؛ اگر جهت گیری تان درست باشد، کم کم رشدتان بیشتر می شود.

مطالعه و مطالعه؛ بیشترین تصویری که همه بابا را با آن می شناسند، مطالعه ای است که از زندگی اهل بیت (علیهم السلام) داشتند، می پرسیدیم این کتابی که مطالعه کردید چیست؟ می گفتند از فلان امام است، و یک نکته ای یاد می گرفتیم. بسیار مرید اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ در زیارت بین الحرمین کفش های خود را در می آوردند و جدا می شدند. می گفتند من آن طرف تر شما را می بینم، بعد می دیدیم که کفش هایشان زیر بغلشان است و پا برهنه اشک می ریزند و می روند. تصویری که جلوی بقیع از بابا در ذهنم هست را هرگز فراموش نمی کنم، در سفر عمره ای که داشتیم، بابا می ایستادند، اشک می ریختند و زیارت نامه می خواندند.

نماز شب هایی که می خواندند فراموش نمی شود. یک وقت هایی می گفتم که بابا ما را هم بیدار کنید، می گفت شما که با صدای زنگ موبایل هایتان بیدار می شوید. احیاناً اگر یکی از ماها زودتر بیدار می شدیم، می دیدیم بابا یک گوشه ای از سالن ایستاده و نماز شبشان را می خواندند و چه نماز شب های قشنگی می خواندند. یک وقت هایی من می ایستادم فقط نگاه می کردم و لذت می بردم، یک طوری که بابا نبینند و نفهمند که نمازشان را چقدر به قول خودشان همراه با ادب می خوانند، آن قدر که آرام نماز شب می خواندند.

توکل هایی که می کردند خیلی توکل های قشنگی بود؛ مامان همیشه تأکید دارند که





بابا یک دنیا آرامش بودند، این آرامش را واقعاً از آن توکل و ایمانشان به خدا داشتند؛ اینطور نبود که در اتفاقات مختلف مضطرب و متزلزل شوند و به ما اضطراب وارد کنند؛ هیچ وقت! هر وقت می‌گفتیم، می‌گفتند که توکل بر خدا درست می‌شود و واقعاً هم درست می‌شد.

حاج آقای نواب روز تشییع حرف خیلی قشنگی زدند؛ گفتند که روایت هست الاخلاص تنتظم الامور، آقای مظلومی اخلاصشان بالا بود، همه کارهایشان حتی بعد از فوتشان، منظم پیش رفت و ما بعد از آن هر چه در خانه صحبت می‌کنیم، می‌بینیم واقعاً اینطور بوده است.

بابا به قدری اخلاص داشتند که همیشه کارهایشان به آسانی راه می‌افتاد. هیچ وقت تأکید نمی‌کردند که این کار استجابی یا این کار مکروه را رعایت کنید، اما خودشان انجام می‌دادند و ما متوجه می‌شدیم که این مستحب و این مکروه است؛ و سعی می‌کردیم که اگر ما هم می‌توانیم رعایت کنیم و به قول خودشان جهت‌گیری درستی داشته باشیم.

بابا مرد عمل بودند، مرد میدان عمل. همیشه می‌گفتند کار خیلی مهم است، کاری که به عهده می‌گیرید سعی کنید به بهترین وجه انجام بدهید، دغدغه شما باشد و شاهد مثالی می‌آوردند و همیشه می‌گفتند و در جمع‌های کاری خود هم شنیدم که این را تأکید می‌کردند؛ می‌گفتند کار وقتی برای شما کار واقعی است که شب خوابش را ببینید، اینقدر دغدغه شما باشد که شب خواب آن را ببینید؛ و الله اکبر در روزهای آخر قبل از اینکه بیمارستان بروند، در خانه چند بار این اتفاق افتاد، ما می‌دیدیم که بابا خیلی خواب سختی داشتند، اذیت بودند، کوتاه و سخت می‌خوابیدند، صبح می‌دیدیم بیدار شدند و حالشان نابسامان است؛ می‌گفتیم باباجان چه شده است؟ باباجان خواب دیدید؟ دو بار گفتند بله خواب دیدم، گفتم چه خوابی دیدید به ما بگویید، گفتند خواب دوستان استرالیایی را دیدم که کتابی برایشان نوشتیم، با فلان مضمون. گفتم که ان شاء الله خوب می‌شوید و می‌نویسیم.

یک شب دیگر خوابیده بودند و دوباره صبح گفتم بابا جان فکر کنم باز هم خواب





دیدید، بابا گفتند که بله خواب دیدم دارم برای دوستان تایلندی فلان کار را می‌کنم. مامان گفتند حاج آقا شما در خوابتان هم دغدغه این کارها را دارید؟ بابا خنده‌ای کردند و گفتند آره دیگر؛ حتی در اوج مریضیشان می‌گفتند که اگر من خوب بشوم، حتماً باید به بنگلادش بروم و این کارها را انجام بدهم، این کارها روی زمین مانده است، می‌گفتم بابا جان شما حالا بدنتان ضعیف است؛ می‌گفتند نه کارها روی زمین مانده است؛ کار نباید روی زمین بماند.

در ایام مریضیشان یک بار خواب خوبی دیدند، دیدیم دارند اشک می‌ریزند، گفتیم بابا جان چه شده؟ خواهرم خیلی اصرار کرد که بابا بگویید چه خوابی دیدید. بابا گفتند خواب دیدم در فرودگاه بغداد پیکر من و شهید سلیمانی کنار هم، روی زمین افتاده است، انگار یک طور از بالا نگاه می‌کردم و می‌دیدم که پیکر من و حاج قاسم کنار هم روی زمین افتاده است و حاج قاسم شهید شده است و من هم نگاه می‌کنم و پیش خود می‌گویم که اگر من شهید شدم پس چطور دارم می‌بینم، اگر نه پس من کنار پیکر حاج قاسم چکار می‌کنم؟ مامان اشکشان آمد، خواهرم گریه کرد و گفت بابا خوش به حالتان! شما و حاج قاسم هم مرتبه و هم درجه هستید، شما همه عمرتان در مجاهده بودید، بابا گریه کردند و گفتند نه، من کجا حاج قاسم کجا، نگویید اینطوری، من کجا و شهید سلیمانی کجا!

بابا فوق العاده به حاج قاسم ارادت داشتند، از ارادتشان به آقا هم نگوییم دیگر، همه عمرشان اینطور بودند که نظر حضرت آقا چیست که ما آن کار را انجام دهیم، سخنرانی‌ها را واژه به واژه گوش می‌کردند، بعد تحلیل می‌کردند. زمانی که با آقا دیدار داشتند، چه دیدارهای خصوصی و نیمه خصوصی، سراپا شوق و شعف بودند قبل از دیدار.

ما اصطلاحاً مان شده بود که پس از دیدار بگوییم بابا جان زیارتتان قبول، چون واقعاً مانند یک زیارت آن دیدار را نگاه می‌کردند و اگر در گزارش‌هایی که بابا داده بودند، آقا لبخندی زده بودند، چقدر برایشان مهم بود که حضرت آقا اینطور تأیید کردند یا حضرت آقا این تکه ناراحت بودند؛ چقدر دغدغه‌شان شد. یادم است یک سال سر یک اتفاقی، گفتند که حضرت آقا این را گفتند و چقدر بعد از آن بابا دغدغه داشتند که این قضیه،





حل شود؛ در نهایت پیام حضرت آقا، امضای رضایت ولی بود که حتماً بابا هم در آن دنیا  
از این اتفاق خوشحال هستند.







## فصل دوم

### سلوک علمی و اخلاقی





## متخلق به اخلاق قرآنی

حجت الاسلام والمسلمین سید صادق موسوی<sup>۱</sup>

حجت الاسلام مظلومی فردی متخلق به اخلاق قرآنی بود. خادم القرآن باید دارای صفاتی باشد که خود قرآن برای ما مشخص کرده است مزین به اخلاق قرآنی باشد، که حجت الاسلام مظلومی در حد دید ما دارای این صفات بودند.

حجت الاسلام و المسلمین «سید جواد مظلومی» در سال ۱۳۴۳ در زنجان متولد و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شد. وی از جمله فعالان قرآنی بود که به واسطه تلاش مستمر در تولید نرم افزارهای قرآنی از جمله «نورالجنان» و «جامع الاحادیث» به همراه «رضا آسیابانی» در سال ۱۳۸۰ توسط مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان خادم القرآن انتخاب شد. مظلومی در کارنامه خود همکاری در تولید نرم افزارهای «نورالحکمه»، «معجم موضوعی بحارالانوار»، «گنجینه روایات»، «نور الولایه» و «دانشنامه علوی» را دارد و مدیر بخش حدیث مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و دبیر کمیته دین و جامعه اطلاعاتی کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است.

نسبت فامیلی ما بر مبنای دوستی مان بود و شروع آن به مسجد عباسیه زنجان در محل زندگی مان بر می گردد. ایشان از زمان قبل از دبیرستان از بچه مسجدی های آنجا بودند و آشنایی مان در آن مسجد آغاز شد.

ایشان انسان بسیار شریف، منضبط، آرام و درس خوانی بودند. رشته ایشان در

۱- برادر خانم مرحوم دکتر مظلومی (طاب ثراه)





دبیرستان، رشته ریاضی بود. سال چهارم دبیرستان، مدیر مدرسه برای جویا شدن علت شرکت نکردن ایشان در دانشگاه، شخصاً برای پرس و جو رفته بود و اینکه چرا می‌خواهند در قم درس بخوانند.

وی در سال ۱۳۶۱ به حوزه آمد. از ویژگی‌های بارز ایشان استفاده بهینه از زمان بوده است. ایشان انسانی بسیار منطقی بودند و اصلاً با احتمالات کار نداشتند. به یاد ندارم که ایشان در زندگی، تصمیمی بدون قطعیت و یقین گرفته باشند. چیزی که در زندگی خیلی‌ها مرسوم است که می‌گویند طرف با «ان شاء الله، ماشاء الله» کارش را انجام داد.

ایشان همیشه اهل حسابگری و دقت نظر بودند و تقریباً برنامه زندگی‌شان را برای ماه‌ها و سال‌های آینده ترسیم کرده بودند و فکر می‌کنم همین انضباط، نقطه عطف ایشان در زندگی بود.

ایشان اگر مطمئن بودند که کاری خطاست و مشکل دارد یقیناً انجام نمی‌دادند که در جامعه ما اینچنین افرادی بسیار کم هستند. هیچ توجیه و راه‌گریزی برای خطا در کارها مقبول نظر ایشان نبود؛ در صورتی که در جامعه ما، حتی در بین ما طلبه‌ها متأسفانه، گاهی برخی از مسائل را در نظر می‌گیریم و از برخی دیگر می‌گذریم.

گاهی پیش می‌آمد که منافع بزرگ مادی مطرح بود، ولی ایشان همه آن‌ها را فدای يك كلمه می‌کردند. در کنار همه ارزش‌های ایشان، نورانیت قلبشان هم از این مراقبت‌ها ناشی می‌شد.







## سید بی ادعا



حجت الاسلام والمسلمین حیدر علی ایوبی<sup>۱</sup>

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مظلومی در دهه شصت وارد حوزه شدند؛ از همان ابتدای ورود در سیمای ایشان فرهیختگی و نبوغ فوق العاده‌ای به چشم می‌خورد. هنوز دو سال از ورودشان به حوزه نگذشته بود که در مدرسه امام صادق (علیه السلام) مسئول پذیرش همین مدرسه شدند. در سال سوم بود که معاونت مدرسه را که در واقع مدیریت بود و در بخش‌های عمده مدرسه نقش تعیین کننده‌ای داشت را بر عهده گرفت. در همان سال استاد مدرسه شدند؛ آن هم استاد منطق.

اساتید، همگی ایشان را بسیار تحسین می‌کردند و به آینده او امیدوار بودند؛ الحمدلله در کنار توانمندی‌ها و فهم و استعداد، از ایمانی سرشار و تقوایی قابل تحسین برخوردار بودند؛ به معنای واقعی متعبد بودند؛ ملتزم بودند؛ حتی در این سال‌های اخیر که یکی دو تا برخورد با ایشان داشتم، وقتی همدیگر را می‌دیدیم سؤال‌هایی که مطرح می‌شد، گویای تقیدشان به احکام شرعی بود؛ قبل از این کسالت اخیرشان به من فرمودند در فلان صحبت شما عدد ۴۰ را بیان کردید، سند این کجاست؟ یعنی اینقدر مقید بود که حرف‌ها مستند باشد.

علاوه بر این ویژگی‌های بزرگ یعنی استعداد، توانمندی‌های فکری و ایمان و تقوای درونی که از آن برخوردار بودند، خیلی هم دور اندیش بودند؛ پیش‌بینی‌هایی که برای کارها می‌کردند، برنامه‌ریزی‌های بلندمدتی که داشتند، در مجموعه ما و در بین دوستان

۱- امام جمعه موقت نجف آباد و استاد جامعه الامام المنتظر (عج)





و همکارانشان سرآمد بود.

ایشان خودش را با تمام وجود وقف حوزه و روحانیت و اسلام و انقلاب کرده بود؛ حقیقتاً ولایی بود، از همان اوایلی که ما با ایشان آشنا شدیم ارادت ویژه‌ای نسبت به امام راحل (ره) داشتند که آن موقع در قید حیات بودند و بعد هم علاقه و ارادت عمیق واقعی به مقام معظم رهبری داشتند.

بدون اینکه ادعایی داشته باشند سر تا پا تواضع بودند؛ اخلاصشان در کارها بدون اینکه بخواهند نام و اسم و رسمی از خود مطرح کنند، بی نظیر بود. همواره پر تلاش و جدی بودند. در دهه شصت در معاونت آموزش حوزه فعال بودند که یکی از بهترین دوره‌هایی بود که مدرسه امام صادق (علیه‌السلام) به خود دید، حتی بعدها زبانزد بود که این مدرسه به خاطر حضور فعال، مخلصانه و متواضعانه آقای مظلومی شناخته شده است.

دوستانی که در آن مدرسه و در آن مقطع به تحصیل مشغول بودند، در عین اینکه از ایشان حساب می‌بردند، خیلی به ایشان ارادت داشتند. همکاری‌های صمیمانه‌ای که با ایشان داشتند، نشان می‌داد تعامل و برخوردشان با زیرمجموعه خیلی بامحبت و صمیمانه بود؛ به حق می‌توان گفت، برای نظام مقدس جمهوری اسلامی به ویژه در عرصه‌های حوزه و روحانیت، یک نیروی بسیار کارآمد و قابل اعتماد بود.

بعدها هم که در بخش‌های دیگر حضور پیدا کرده بودند از زبان آن عزیزانی که با ایشان همکاری می‌کردند خوشنامی و توفیقات بلند ایشان را می‌شنیدیم. تلاششان این بود که از کار کم نگذارند و در حد توان به بهترین نحو، کار انجام می‌دادند. در واقع با استعداد و توانمندی بسیار خوبی که داشتند، هر کاری را که قبول می‌کردند به خوبی از عهده آن بر می‌آمدند و آن کار را به طور کامل به انجام می‌رساندند.

یکی از ویژگی‌های دیگر ایشان شجاعتشان بود که دست به کارهای بزرگ می‌زدند؛ خیلی امید داشت؛ خیلی دل و جرأت داشت، اقدامات بلندی را طراحی و پیش‌بینی می‌کرد. تا کار وجود داشت، روحیه همکاری و کار تشکیلاتی و مدیریتی او هم بسیار قوی بود و می‌توانست جمع خوبی را ساماندهی کند و پروژه‌های بزرگ را اجرایی نماید.





الحمدلله ایشان خیلی مبتکر و خلاق بودند و نوآوری‌هایشان بسیار زیاد بود؛ در بخش‌های دیگری که بعدها حضور پیدا کرده بودند، این ویژگی برجسته ایشان بروز و ظهور پیدا کرده بود.

همچنین از دیگر ویژگی‌های برجسته جناب آقای مظلومی، صبوری ایشان بود؛ در این کسالت اخیر خیلی مقاومت کردند و صبور بودند؛ هیچ اظهار ناراحتی نمی‌کردند؛ همواره شاکر خدا بودند.

در طول عمرشان هم اینطور بود؛ در همه عرصه‌هایی که حضور پیدا می‌کردند، صبوریشان، استواریشان و استقامتشان در کار، انسان را به یاد این آیه شریفه سوره مبارکه فصلت می‌انداخت که در معاونت آموزش حوزه فعال بودند (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ)<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های خوب دکتر مظلومی ظرفیت بالای ایشان بود، گنجایش سختی‌ها را داشت؛ تحملش بالا بود. با اینکه گاهی فکر و نظرشان مخالف دیگران بود، راحت تعامل می‌کرد. برخورد‌های صمیمانه، در عین حال منطقی و عالمانه، موجب می‌شد که همه بتوانند با ایشان به خوبی همکاری کنند. با همه تعامل داشت، ملایم برخورد می‌کرد، سعه صدر و ظرفیت بالایی داشت، اما هیچ وقت از اصول دست نمی‌کشید؛ ارزش‌های دینی را هیچ جا فدا نمی‌کرد و این ویژگی‌ها موجب شده بود که بتواند کارآمد و موفق عمل کند.

در کنار این خوبی‌ها آقای مظلومی به معنای واقعی کلمه باتقوا بود، اهل معنویت بود، بدون هیچ گونه بروز و ظهور یا تظاهری، از درون معنوی بود؛ تقوا را در خودش پیاده کرده بود و به حق، خودساخته بود. به خود اجازه نمی‌داد ذره‌ای گناه یا خلافتی را به عمد انجام دهد.

در کنار این‌ها زهدش، اعراضش از دنیا نمایان بود. گاهی فرصت‌های پست و مقام و کسب مال و ثروت برایش ایجاد می‌شد، اما به همه این‌ها بی‌اعتنا بود، زاهد به معنای واقعی بود؛ بی‌توجه به مال و منال و شهرت و ثروت و موقعیت‌های دنیا بود و فقط دلش





می‌خواست کار کند.

بخش‌های عظیمی از تعبیری که آقا امیرالمؤمنین در خطبه همام، خطبه متقین داشتند را هر کس با جناب آقای مظلومی انس و رفاقت داشت، شاهد بود و می‌دید. «يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ»<sup>۱</sup>، به کار کم هیچ وقت بسنده نمی‌کرد و رضایت نمی‌داد، «وَلَا يَسْتَكْثِرُونَ الْكَثِيرَ»<sup>۲</sup>، کارهای زیاد و فراوان و پر حجم و در عین حال با کیفیت خود را هیچ وقت به حساب نمی‌آورد؛ «فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهِمُونَ»<sup>۳</sup>، همواره خود را به کوتاهی در انجام وظیفه متهم می‌دید، دغدغه داشت، نگران بود؛ «وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ»<sup>۴</sup>. به فرموده آقا امیرالمؤمنین «فَمِنْ عِلْمَةٍ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ»<sup>۵</sup>؛ در دین نیرومند بود، توانمند بود، به مباحث دینی خیلی پایبند بود و قوی عمل می‌کرد؛ دور اندیش بود، در عین حال ملایم و باطمأنینه، ادب و وقار برخورد می‌کرد؛ «وَأَيِّمَانًا فِي يَقِينٍ»<sup>۶</sup>، به معنای واقعی به ارزش‌های دینی، انقلاب، رهبری، راه شهدا ایمان و یقین داشت «وَحِرْصًا فِي عِلْمٍ وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ»<sup>۶</sup>، همواره در پی این بود که دانش‌افزایی کند، بر معلومات و توانمندی‌های خودش بیفزاید و در عرصه‌های مختلفی حضور پیدا کند؛ در عین حالی که آگاه بود، اما حلیم، بردبار، صبور و مقاوم بود.

آقای مظلومی خیلی قانون‌مند بود. به ضوابط ملتزم بود و این برجستگی‌ها در همه بخش‌های زندگی ایشان دیده می‌شد؛ از یک نظام فکری منسجم، منطقی، هماهنگ و راهبردی برخوردار بود.

به نظر همه کسانی که ایشان را می‌شناختند خیلی زود پرواز کرد؛ خیلی زود به جوار اولیای خدا راه یافت؛ امید که خداوند متعال به لطف و کرم خود به ایشان عنایت کند و مشمول رحمت و مغفرت الهی قرار گیرد.

رحمت و درود خدا بر این عبد صالح و عالم فرهیخته و مجاهد انقلابی و ولایتمدار بی‌رغبت به دنیا و پر تلاش و کوشا.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- همان

۶- همان





## طلبه خستگی ناپذیر



آیت الله علی خاتمی<sup>۱</sup>

گویند مُرد! نیست مرا باور هرگز نمیرد آنکه همه جان بود

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یک عبارت ماندگار بیان فرمودند: اولین ودیعه‌ای که از من باز پس می‌گیری «عمر» من است؛ ما آبرویمان را دوست داریم و می‌خواهیم با عزّت زندگی کنیم؛ دوست داریم که منت کسی را نکشیم، دوست داریم که دستانمان به سمت کسی دراز نشود؛ نبودن این‌ها از نظر روحی ضربه است، ولی از همه این‌ها مهم‌تر عمر انسان است؛ اولین کریمه و ودیعه، یعنی ارزشمندترین گوهری که انسان دارد جانش است؛ هستی اوست.

انسان در دوران زندگی شاید بتواند ارزش‌ها را حفظ کند، یعنی شخصیتش، کرامت اجتماعی و منزلت اجتماعی‌اش و زندگی با عزت نفس را محفوظ دارد، ولی پیش از همه اینها، اولین موجودی ارزشمند همان عمر است که خدا آن را از ما می‌گیرد.

من با مرحوم دکتر مظلومی به دلیل همشهری بودن و اینکه هر دو طلبه بودیم، از نزدیک آشنا بودم. ایشان به قدری خوب، منطقی و شرافتمندانه زندگی کرد که عزّت، آبرو، حرمت، منزلت اجتماعی، دانش، حضورش در جبهه، هیچ کدام خدشه‌ای نخوردند و تعبیر «اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا»<sup>۲</sup> پایان زندگی ایشان و پایان یک کارنامه درخشان از عمرشان بود. در اقتدا به مولای خود، امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب، زندگی او همواره منشأ خدمت، اثر، فکر، اندیشه و مدیریت بود؛ هیچ کدام از این‌ها کم

۱ - نماینده ولی فقیه و امام جمعه زنجان





و کسری نداشت.

ولادت ایشان در زنجان، در یک خانواده متشخص متدین اتفاق افتاد. پدر بزرگوارشان دبیر بودند. در یک خانواده فرهنگی بزرگ شدند و از همان دوران دبیرستان هم ویژگی‌ها و برجستگی شخصیت ایشان معلوم بود. حسن دلدادگی به اهل بیت (علیهم السّلام) و علاقه‌مندی به سلک روحانیت، سبب شد وارد حوزه علمیه قم شوند.

من با دوسه نفر از دوستان هم‌حجره‌ای ایشان در حوزه علمیه امام صادق (علیه السّلام) قم، مأنوس بودم، بعضی از آنها از اقوام هستند، خصوصیات بارز و ویژگی‌های یک طلبه موفق، خوش استعداد، متعین و اهل عمل و خدمت را در مورد ایشان شنیدم. آنچه که در دوره زندگی ایشان برجسته بود، این بود که او به معنای واقعی کلمه طلبه بود؛ یعنی خوب درس می‌خواند، خوب رفتار می‌کرد و انشش با اهل بیت (علیهم السّلام) زبانزد همه دوستانش بود؛ دلداده اهل بیت (علیهم السّلام) بود، اگر بگوییم که عاشق بود مبالغه نکردیم؛ یعنی مهر فوق العاده و ارادت بی‌حدی نسبت به اهل بیت (علیهم السّلام) داشت. چه در مجالس جشن و چه در مجالس عزای آن رابطه معنوی و دلی خود را حفظ می‌کرد و حتی در ایام ولادت هم از شوق، قطره اشکی از گوشه چشمانشان جاری می‌شد.

در دوره حضورشان در مؤسسه کامپیوتری نور، با ابتکار و هوشمندی، خدمات شایانی را در زمینه کتب حدیثی، کتب فقهی، تاریخ اسلام، انبیاء و ائمه ارائه نمود. یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان این بود که واقعاً به کارش علاقه‌مند بود، فوق العاده وقت می‌گذاشت؛ سال‌های طولانی از نزدیک در بعثه مقام معظم رهبری در حج یا در عمره می‌دیدیم، با همه توان و با همه قدرت فعالیت می‌کرد. مدیریت چشمگیر ایشان، به اعتراف همکارانشان در بعثه، او را به یک فرد خستگی‌ناپذیر تبدیل کرده بود. در عین سختی کار اهل مدارا بود، با وجود جدیت، بد اخلاق نبود.

در کارها نظم خاصی داشت، «اوصیکم فی نظم امرکم»<sup>۱</sup>، این باعث می‌شد که کارهایش بابرکت باشد، بازدهی بیشتری داشته باشد؛ ایشان نسبت به همه احترام و





تکریم داشت و در انجام وظیفه خود و ارائه خدمت به دیگران کوتاهی نمی کرد. نکته مثبت دیگر، تسلط ایشان به چند زبان بود؛ چون ارادت داشتیم و همشهری بودیم، از فعالیت های بین المللی و تبلیغی ایشان خبر داشتیم. هر جا هم که می رفتند مسلمان های آن منطقه دلبسته ایشان می شدند و جدایی ایشان برایشان سخت بود و گاهی مجدداً ایشان را مطالبه می کردند. اقناعی صحبت کردن و جذب کردن افراد به ارزش ها و دین، هنر و مهارت خاصی می خواهد که ایشان از این هنر برخوردار بود و در سفرهای حج، این مسأله، کاملاً مشهود بود. ایشان در قسمت معاونت فرهنگی امور روحانیان، یا امور بین الملل به گونه ای رفتار می کردند که همه مجذوب رفتار ایشان می شدند.

حافظه خوبی داشتند و با وجود اینکه برخی روحانیون کمتر به بعثه مراجعه می کردند، اما آنها را می شناخت؛ گویا مدت ها با همدیگر آشنا هستند. سبک مدیریت منظم، دقیق، قاطع و توأم با محبتی داشت.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به مالک اشتر می نویسد: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ»<sup>۱</sup>، دلت را کانون محبت مردم قرار بده، جمعی از کارگزاران که برای خدمت به حجاج به حج می آمدند و علمای بزرگوار و روحانیون حج، ایشان را نمود روشن احترام، محبت و عاطفه می دیدند.

یک سری خصوصیات اخلاقی شیرین هم داشت؛ تعبدشان، عشق و ارادتشان به اهل بیت (علیهم السلام) و دقتشان در انجام واجبات و مستحبات و در نهایت ولایتمداری توأم با معرفت و تواضع، از جمله فضائل اخلاقی مرحوم مظلومی به شمار می رفت.

برای حضرت امام (ره) و امام المسلمین مقام معظم رهبری و شأن و جایگاه ولی فقیه، احترام ویژه ای قائل بود؛ به همین خاطر است که صادقانه می توانیم ادعا کنیم که اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا.

ما هر چه از ایشان دیدیم صفا، صداقت، حسن مدیریت، اخلاقمداری و شوق خدمت،





ولایتمداری و عشق به اهل بیت (علیهم السلام) عصمت و طهارت بود.

از مرگ ناگهانی ات ای مرد نازنین

بیگانه سوخت تا چه رسد آشنای تو

حقیقتاً مردم ولایتمدار زنجان، عنصری ارزشمند و گوهری گرانبها را از دست دادند.

امیدواریم راه ایشان پر رهرو باشد.







جناب آقای اکبر ثقفیان<sup>۱</sup>

ابوبصیر گوید امام باقر (علیه السلام) فرمود: چون وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرارسید، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: یا رسول الله! دوست داری به دنیا بازگردی؟ فرمود: نه! من رسالت و پیام پروردگار خویش را ابلاغ کرده‌ام و تکلیف خود را به انجام رسانده‌ام. دوباره جبرئیل گفت: یا رسول الله! دوست داری به دنیا بازگردی؟ فرمود: نه! بلکه مشتاق رسیدن به رفیق اعلی هستم.<sup>۲</sup>

با پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی از جوانان متدین و انقلابی، به نهادهای انقلابی - مذهبی روی آوردند. در این میان، حوزه‌های علمیه، به استقبال جوانانی رفت که علی‌رغم امکان تحصیل در رشته‌های برتر دانشگاهی، به دریافت آموزه‌های دینی و تحصیل در حجره‌های نمود، ولی سرشار از معنویت، مشتاق بودند.

سید جواد مظلومی، دانش‌آموز برتر استان زنجان در رشته ریاضی و فیزیک، در میانه بحث و تردیدهای مدیران و دبیران استان در انتخاب رشته مهندسی، ناگهان مسیر دیگری را برگزید و در سال ۱۳۶۲، به سادگی راهی حوزه علمیه اصفهان شد. وی چند ماهی در مدرسه صدر اصفهان به تحصیل پرداخت، اما در حوزه‌ی علمیه قم، جذبه‌ای دیگر یافت.

در اواخر همان سال، وارد مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) شد و به سرعت

۱ - همشهری و هم مدرسه دکتر مظلومی - قائم مقام مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

۲ - آمالی شیخ مفید، ترجمه استاد ولی، ج ۱، ص ۶۵





در میان اساتید و مدیران مدرسه درخشید. هوش سرشار و ذهن کم‌نظیر وی، مدیران مدرسه را قانع کرد که «سید جواد» می‌تواند درسی را که امروز فرا می‌گیرد، فردا به خوبی به دیگران آموزش بدهد؛ این شد که از سال دوم تحصیل در مدرسه، به یکی از مدرسان مسلط و خوش‌بیان، شهرت یافت. یکی از شیوه‌های آموزشی این مدرسه، برگزاری امتحانات هفتگی بود و طلاب موظف بودند در پایان هر هفته از مجموعه دروسی که شرکت کرده‌اند، آزمون بدهند، اما سید جواد جوان، چنان هوش و استعدادی داشت که طراح سؤالاتی شد که خود در آن دروس شرکت می‌کرد؛ این امر سال‌ها حتی برای نزدیکترین دوستانش نیز هویدا نبود.

سید جوان، مقدمات علوم دینی را به دقت فراگرفت و ادبیات عرب و منطق را به عنوان دو رکن تحصیل معارف دینی، وجهه همت خود قرار داد و در کنار دروس معمول حوزه، به فراگیری دروسی که کمتر مورد توجه بود (همچون شرح نظام و شرح شمسیه) نیز پرداخت.

اما توانایی حجت الاسلام سید جواد مظلومی که اکنون به دست مبارک حضرت امام خمینی (ره) ملبس به لباس روحانیت شده است، بیش از این بود. پس از سه چهار سال تحصیل در مدرسه، سمت معاونت آموزشی مدرسه را بر عهده گرفت تا بعد دیگری از توانایی‌اش در حوزه مدیریت آموزشی آشکار شود. شیوه تربیت طلاب در دوران مدیریت وی، متحول شد و تا اواخر سال ۱۳۶۸، قریب به بیش از ۲۵۰ نفر از طلاب جوان در مدرسه علمیه امام صادق (علیه‌السّلام) با روش آموزشی ایشان سطوح مقدماتی علوم دینی را فراگرفتند.

کار اجرایی معاونت آموزشی، او را از ادامه تحصیل بازداشت و ضمن اتمام دروس فقه و اصول، به فلسفه و تفسیر و کسب فیض از حضرات آیات جوادی آملی و حسن‌زاده آملی نیز همت گماشت و حتی در روزهای تعطیلی نیز مشتاقانه در دروس هیئت و نجوم حضرت آیت‌الله حسن‌زاده آملی حاضر شد.

با پایان فعالیت در مدرسه علمیه امام صادق (علیه‌السّلام) و آغاز تحصیل در خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی ذهن ریاضی و پر جنب





و جوش، ایشان را به علوم رایانه‌ای کشاند و از اواخر سال ۱۳۶۹ همکاری وی با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی آغاز گردید.

با آغاز همکاری در بخش علوم عقلی این مرکز، به سرعت توانایی و استعداد شگرف ایشان بر همگان آشکار شد و با کوله‌باری از آموخته‌های دانش ریاضی و علوم دینی، روشی نوین و علمی در «اطلاع‌رسانی» از منابع اسلامی را بنیاد نهاد. شیوه‌های جدید نمایه‌سازی، پردازش متن و تولید معجم‌های موضوعی و مفهومی از احادیث، متون فقهی و منابع اسلامی در قالب نرم‌افزارهای علوم اسلامی از یادگارهای ایشان است. بسیاری از نرم‌افزارهای این مرکز، بر ساختاری استوار است که آن مرحوم ساخته بودند. با قبول مسئولیت معاونت تحقیقات این مرکز، برگی دیگر بر سوابق اجرایی ایشان افزوده شد. ایشان در سال ۱۳۸۰، به سبب تلاش در تولید نرم‌افزارهای اسلامی، به سمت خادم القرآن‌الکریم مفتخر شد. گویا این آغاز راه بود و او هنوز در پی گمشده‌اش می‌گشت، چرا که وی تهیه نرم‌افزارهای گرانسنگ را بهانه‌ای برای تبلیغ فرهنگ اسلامی می‌دانست و تبلیغ معارف دینی و عرضه معارف اهل البیت (علیهم السلام) به مسلمانان هدف بزرگتری برای ایشان بود. این نرم‌افزارها می‌بایست به دست مخاطبانش می‌رسید و این شد که حجت‌الاسلام و المسلمین سید جواد مظلومی، برای تبلیغ معارف دینی و عرضه معارف اهل البیت (علیهم السلام) راهی کشورهای مسلمان شد؛ از کشورهای حاشیه خلیج فارس، آسیای غربی، آفریقای جنوبی گرفته تا چین.

در کنار همه این تلاش‌های خالصانه، کرسی تحصیل و تدریس را هرگز رها نکرد و با اخذ دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه، به تحصیل در دوره دکتری فلسفه تطبیقی پرداخت. مدتی نیز عضو شورای بررسی کتب سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) بود، همچنین در دوره اول تشکیل شورای عالی فضای مجازی، با حکم مقام معظم رهبری به عضویت این شورا درآمد.

اگر آن مهاجرت نخستین به حوزه علمیه، سفری از خلق به حق بود، و سال‌ها ممارست علمی و تهجد معنوی، از وی یک روحانی فاضل و دانشمند ساخته بود،





اکنون می‌بایست برای سفر سوم و «سفر من الحق الی الخلق بالحق» آماده می‌شد. با آشنایی با حجاج ایرانی مقیم خارج از کشور و تشریف‌های متعدد به سرزمین وحی، فصلی جدید از زندگی پربرکت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد مظلومی آغاز شد و این آشنایی با همکاری پژوهشی با بعثه معظم معظم رهبری و تصدی معاونت فرهنگی و سپس معاونت بین‌الملل بعثه معظم‌له، به پایان رسید.

اما سید جواد جوان که اکنون حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی است، همه اینها بود و بلکه فراتر از اینها بود. ذکاوت، دقت، خویشتن‌داری، فضل علمی، روی گشاده و جز آن، از ویژگی‌های وی بود، ولی آنچه ایشان را از دیگران متمایز می‌ساخت، امر دیگری بود، چرا که وی در دنیای دیگری بود! نبوغ فوق‌العاده و ذهن خارق‌العاده ایشان در کنار خرد و دانش فراگیر، فهمی عمیق و دقیق برای وی به ودیعت نهاده بود. این خصلت سبب شده بود در اغلب مسائل، نگاهی هوشمندانه و تیزبینانه داشته باشد و نتایج پنهان برخی امور را به خوبی دریابد. چه بسیار کسانی که سخنانی می‌گویند و کارهایی می‌کنند که از عواقب پنهان آنها اطلاعی ندارند. البته این باریک‌بینی و ژرف‌اندیشی، اثر وضعی بر روح و جان وی گذاشته بود و از اینکه پیامدها شنیده نمی‌شود، به شدت رنج می‌کشید، اما این رنجوری در چهره ایشان نمایان نبود.

چند سال پیش وقتی به مناسبت رفاقت چند ساله، خاطره‌ای شیرین را با هم مرور می‌کردیم که سبب شادی خاطر و خوشحالی ایشان بود، فرمودند: فلانی! سال‌هاست که این چنین نخندیده‌ام! شاید همین حالت، مطابق بر روایت علوی است که حضرت در وصف مؤمن فرمود: «مؤمن اندوهش را به دل دارد و شادی‌اش را در چهره». شادرویی به تنهایی هیچ ویژگی خاصی برای مومن نیست، همچنان که دل‌اندوهی نیز نشانه برتری برای پرهیزگاران نخواهد بود، ولی این دو در کنار هم، نشان از فهم عمیق از این روزگار و بلکه تاریخ است.

در روزهای پایانی ابتلای ایشان، درد چنان سراسر بدنشان را فراگرفته بود، که دیگر آرام‌بخش‌ها و مسکن‌ها، سودی نداشتند. غذا خوردن بسیار دشوار شده بود و





به سختی چند جرعه آب می نوشید، اما مشتاقانه به زمزمه زیارت عاشورا مشغول بود و روی تخت بیمارستان، با دیدگانی پر آب و چشمانی پر اشک، دست بر سینه بر حضرت اباعبدالله (علیه السلام) عرض ارادت می نمود.

سرانجام در ساعت ۲۲:۳۰ روز جمعه دهم بهمن ماه ۱۳۹۹ مصادف با نیمه جمادی الثانی ۱۴۴۲ به ملکوت اعلی پیوست و در غروب دوازدهم بهمن، بدنش در کنار حرم حضرت معصومه (سلام الله علیهم) آرام گرفت و «روح و جسمش» آسمانی شد.







## عالم عامل

حجت الاسلام والمسلمین غلامعلی امین دین<sup>۱</sup>

سال‌های نخستین طلبگی و ورود به مرحله‌ای جدید، متفاوت و پر ماجراست و خاطراتی را رقم می‌زند که مرور آنها، نه تنها شیرین که بسیار سازنده و عبرت‌آموز است. ضمیر نورانی و قلب پرشور و صفای دوران جوانی، آنگاه که با عشق تحصیل معارف الهی گره خورد، چنان شیفتگی و نشاطی را به بار می‌آورد که همه جاذبه‌ها و امکانات را پشت سر می‌گذارد و تنهایی و گوشه‌نشینی در مدرسه را آسان می‌کند.

در آغاز دهه شصت بودیم و چندی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود و نبرد و دفاع مقدس هشت ساله نیز تازه آغاز شده است که همزمان شد با ورود به حوزه پربرکت قم که هم به جهاد می‌خواند و هم به اجتهاد. هر یک از این ویژگی‌ها توفیقی است، و رای از حد تصوّر و شکر و سپاس به درگاه خداوند؛ اما اگر در کنار همه این نعمت‌ها، توفیق همراهی با دوستی همدل و هم‌راز نیز حاصل آید، چه بسا نعمت را بر انسان تمام کند. برادر عزیز، باصفا و بسیار مهربان، مرحوم حجت الاسلام دکتر سید جواد مظلومی از شمار همان همراهانی است که همراهی و هم‌بحثی و نعمت دوستی طولانی با او بیرون از حد سپاس به درگاه خداوند سبحان است. این دوستی از هجده سالگی تا پایان عمر پر برکت او همچنان ادامه داشت.

چهره کم سن و سال سید جواد عزیز در بدو ورود به قم که بیشتر به نوجوانی می‌ماند، شاید مانعی برای شناخت دقیق و پی بردن به ویژگی‌های شخصیتی او بود و شاید کمتر

---

۱ - هم مدرسه و هم حجره





کسی می‌توانست در چهره او، آینده‌ای پر بار را به تماشا بنشیند.

نخستین موردی که در برخوردهای درسی با ایشان مشاهده کردم، دقت در مباحث علمی، تیز هوشی و قدرت فراگیری فراوان بود که یکی از مؤثرترین عوامل جذب و ایجاد علاقه نسبت به ایشان در آن دوران است. از همان ماه‌های ابتدایی تحصیل، روشن بود که این ذهن صاف و استعداد فراوان و ضریب هوشی بالا، در حال پروردن شخصیتی است که به هر مرحله از مراحل تبلیغ دین، گام نهد، توفیقی فراتر از عادی خواهد یافت. این استعداد خدادادی چنان بود که از دومین سال تحصیل در مدرسه مبارک امام صادق (علیه‌السلام)، از سوی مدیریت محترم (که چهره‌ای ناشناخته در عرضه تربیت علمی و اخلاقی جوانان پر شور این مسیر نورانی بود) کشف شد.

نمونه دیگری از این استعداد سرشار در این خاطره مشهود است، به خوبی به یاد دارم که در غیاب او گاه در درس اشکالی از جانب او وارد می‌شد و زمانی که به استاد منتقل می‌شد، پاسخ این بود که اگر آقای مظلومی اشکال کرده‌اند، اشکال وارد است! ویژگی دیگری که در آن دوران، مشهود بود، تلاش و پشتکار و تحمل سختی‌هاست. حضور و تحصیل در مدرسه‌ای که مثل دیگر مدارس آن زمان، فاقد امکانات رفاهی بود.

ایام تحصیل، سخت و گاه طاقت فرسا بود، چه رسد به ایام تعطیل، با این حال، تابستان‌ها نیز ایشان در مدرسه می‌ماند و با وجود دمای نزدیک به ۵۰ درجه سانتیگراد به تحصیل ادامه می‌داد و همین امر، بارها ایشان را با مشکل روبرو می‌کرد و حساسیت نسبت به دمای بالا و عدم امکانات سرمایشی، او را بی‌قرار و بیمار می‌کرد و گاه می‌شد که با اصرار فراوان، رضایتش را برای ترک کوتاه مدت قم جلب می‌کردیم و آنها که آن دوران را دیده باشند و از هوای معتدل و مطبوع مناطقی چون هیدج و زنجان، آگاه باشند می‌دانند که بازگشت سریع او به قم، چه پشتوانه و همتی را می‌طلبید.

ویژگی دیگر ایشان، توفیق پوشیدن لباس مقدس روحانیت، در همان اوان جوانی آن هم با دستان مبارک امام راحل است که سرآغاز دیگری برای تعهد در مسیر دین و تبلیغ و گسترش معارف بلند اسلام عزیز است.

امام راحل، به هنگام عمامه‌گذاری، چنین دعا کردند که: «خداوند شما را از علمای





عامل، قرار دهد». آن محضر نورانی و آن فرصت کوتاه ملکوتی، چنان بی تاب و بی قرارش کرد که تا مدت طولانی برای آرام کردنش، تلاش کردیم.

همراهی او در جبهه در آن دوران نیز از دیگر خاطراتی است که این حضور را شیرین تر و خاطره انگیزتر کرد. پس از ورود به مناطق شمال غرب کشور در دوران دفاع مقدس، اگر چه از هم جدا شدیم، اما گاهی به دیدار ایشان می رفتم، او را در حلقه رزمندگان پرشور و نوجوان، چون شمعی میان پروانگان می یافتم که گویی از نورانیت علمی و اخلاقی اش، سرمست بودند.

آخرین همراهی درسی ما با هم در درس فقه حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی بود که به انتها نرسید و از آن پس، تمام وقت خود را به حرکت بزرگی پرداخت که در مرکز تحقیقات رایانه ای آغاز کرده بودند. در پی آن و همراه با آن وقت خود را به خدمت در بعثه مقام معظم رهبری (حفظه الله) اختصاص دادند و از آن پس، توفیق دیدار و هم نشینی با ایشان، بیشتر در سفرهای حج حاصل می شد.

تماس های تلفنی ما با ایشان، تا چند روز پیش از رحلت، برقرار بود. نخستین دیدار ما به مدرسه امام صادق (علیه السلام) قم برمی گشت و اما واپسین و آخرینش در صحن باصفای مسجد الحرام در نیمه شبی نورانی به هنگام طواف خانه خدا بود که پس از پایان مناسک حج و در آستانه بازگشت به ایران، او را در لباس احرام و در حال طواف عمره مفرده دیدم که آخرین عمره و طواف ایشان بود. چنان در آن نیمه شب نورانی، غرق گفتم و گو با صاحب خانه بود که مرا در کنار خویش نمی دید. این را از آن رو می گویم که محبت فراوانش، همواره و هر کجا با هم روبرو می شدیم، بیش از حد عادی، شامل حال می شد؛ اما در آن شب و در طواف وداع وقتی او را در حال عمره مفرده یافتیم، مدت ها در کنارش، طواف کردم، اما تا آخر، متوجه حضور من نشد و گویی اتصال با آسمان، او را از توجه به خاک نشینان و زمینیان، غافل ساخته بود.

این سخنان را باید کلام رهگذری دانست که از حاشیه و حریم منظره ای پر طراوت و با صفا به سرعت، گذر کرده و از آن همه زیبایی، اندکی را به خاطر سپرده است. اما همین خاطرات اندک، مهری بردل نهاده که بیرون نمی توان کرد، حتی به روزگاران.





## سید مدرسه



جناب آقای دکتر رسول اسماعیل زاده<sup>۱</sup>

سال ۱۳۶۲ گویی همین دیروز بود، در ایستگاه مسجد دوطرفان مسلم نیروگاه، در شهر قم از مینی بوس پیاده شدم و پس از طی یک راه نسبتاً طولانی به انتهای خیابان رسیدم که به یک کوچه تنگ ختم می شد. در نبش کوچه، مدرسه نسبتاً بزرگ و پرقدمت امام صادق (علیه السلام) قرار داشت.

دیپلمه‌هایی همچون من زیاد بودند که پس از پایان تحصیلات دبیرستانی برای ادامه تحصیل قصد ورود به حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) در محله نیروگاه قم را داشتند. آن روز جمعیت زیادی در مدرسه جمع شده و منتظر پذیرش بودند. به نظر می آمد که پذیرش چندان آسان نباشد. اغلب هر مدرسه شرایطی را برای پذیرش گذاشته بود و امتحان ورودی می گرفت. از امتحان دلهره نداشتم، زیرا کتاب‌های آقای عین صاد و شهید مطهری و مصباح یزدی را تا حدودی خوانده بودم. همه فکر می کردیم با توجه به فضای حاکم آن دوره، اغلب سؤالات در همین محورها طراحی شود. مسیر مدرسه را با یک جوانی طی کردیم، اما در اثنای راه هیچ حرفی با یکدیگر نزنده بودیم. فقط هنگام ورود به مدرسه از هدف یکدیگر مطلع شدیم.

در آن زمان متولی مدرسه، آقای موسوی قافله‌باشی بود. مدرسه تحت اشراف آیت الله خلخالی و آیت الله منتظری اداره می شد و در حقیقت آقای موسوی قافله‌باشی مدیر مدرسه و نماینده آیت الله خلخالی بودند. جناب حجت الاسلام ایوبی هم برای مدیریت

۱ - دوست هم کلاسی - رئیس سابق مرکز ساماندهی ترجمه سازمان فرهنگ و ارتباطات





مدرسه منصوب شده بودند. بین این دو بزرگوار گفت و گویی پیش آمده بود، اما در نهایت آقای ایوبی مدیر مدرسه شدند که البته در مقایسه با آقای قافله‌باشی به مراتب مدیریت بهتری را اعمال کردند.

طلاب حق نداشتند به غیر از درس‌های مدرسه در جای دیگر از جمله دانشگاه ثبت نام کنند. اگر کسی قصد شرکت در کنکور داشت، اساساً پنهان کاری می‌کرد. فضای حاکم بر طلاب، کمی فضای سیاسی خاص و نوعی محدودیت اجباری بود که سبب شده بود طلاب، بسیار محتاط باشند و با یکدیگر زیاد رفاقت نکنند؛ یا حداقل در رفاقت خود محدود عمل کنند. طلبه‌ها از زندگی خود به یکدیگر چیزی نمی‌گفتند؛ به نوعی خودسانسوری حکیمانه! حاکم بود. در طول این مدت تشکیل گروه‌های رفاقتی عمدتاً و ابتدائاً بر مبنای هم‌زبانی، هم‌ولایتی و هم‌محلگی بود و به ندرت بر مبنای وضعیت تحصیلی و ارتباط کلامی و اهداف و نقش اجتماعی صورت می‌پذیرفت.

مدتی گذشت؛ حالا با جوانی که در اولین روز پذیرش با وی هم مسیر شده بودم، رفیق و هم بحث شدم. او سید جواد مظلومی زنجانی نام داشت. گویا یک صدقه نیک، ما را به یک رفاقت خالص رهنمون کرده بود. با فردی آشنا شده بودم که اگر سال‌ها می‌جستم، آن را نمی‌یافتم. سید جواد در بین طلاب به ویژه در میان گروه هم‌زبانان ما که متشکل از حدوداً ۳۰ طلبه بود، جایگاه ویژه‌ای داشت. او از جمله طلبه‌های ممتاز و کاملاً متشخص بود. همه او را می‌شناختند. شاید تنها طلبه‌ای که با تمامی طلاب کم و بیش رفاقت داشت، آقای مظلومی بود. او خوش‌منظر، قد بلند، ولی لاغر اندام و خنده‌رو بود، چشمانی درشت و زلال داشت و دارای جاذبه‌های معنوی بود. هر کس او را می‌دید سعی می‌کرد با او در ارتباط باشد و هم‌صحبت شود. لهجه شیرینی داشت و بر خلاف ما فارسی را روان صحبت می‌کرد، ولی فارسی‌اش تحت تاثیر لهجه ترکی بسیار شیرین و دوست داشتنی شده بود. در ادای کلمات هم شیرینی فارسی را داشت و هم زیبایی ترکی را. هر چند در سلاست و روانی هیچ مشکلی نبود، ولی ترک بودنش مشخص بود. اخلاق نیکو، رفتار ملایم، زبان لطیف و نرم، نگاه‌های محبت آمیز در عین حال معصومانه و مظلومانه، ظاهر ساده و بیان مستحکم، شخصیت او را ممتاز و متفاوت کرده





بود. همیشه با وضو بود و در درس‌ها با وضو حاضر می‌شد. اغلب نعلین می‌پوشید و عبا بر دوش داشت و کلاه بر سرش بود. مصداق کامل یک طلبه دینی چه در ظاهر و چه در باطن، چه در درس و چه در رفتار، کردار و گفتار بود.

سید جواد مظلومی حقیقتاً متفاوت با دیگر چهره‌ها بود؛ چه در خُلقیات و چه در خُلقیات متمایز بود. ویژگی‌هایی داشت که کمتر در سایر طلاب دیده می‌شد. بنده چند درس را با ایشان هم‌مباحثه و هم‌کلاس بودم. رفتار و کردار ایشان همیشه نظرها را به خود جلب و جذب می‌کرد. در اثنای درس نوع سؤال کردن و سخن گفتن و بحث کردنش بسیار لطیف و منحصر به فرد بود. موفقیت او در عرصه تحصیل و تحقیق کاملاً مشهود بود.

اگر بخواهم آنچه در دوران تحصیل سه یا چهارساله از ایشان دیدم، به تصویر بکشم، شاید از عهده‌اش برنیایم. این نکته، نه مبالغه است و نه غلو. این فضایل به عینه در مرئی نظر همه بود که به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

### وضعیت ظاهری

سید جواد وضع ظاهری مناسب، تمیز، آراسته، ولی بسیار ساده داشت. همیشه با وضو و مرتب بود. در بحث و درس منظم بود و مطالب را می‌نوشت. این خصیصه نیز از وضعیت ظاهری و آراستگی‌اش نشأت می‌گرفت. بارها از دست‌نوشته‌های او استفاده می‌کردیم و نکاتی را که استاد در کلاس گفته بود و در ذهنمان نمانده بود را از نوشته‌های او می‌یافتیم و غوامض را حل می‌کردیم. او در بیرون از مدرسه نیز ظاهری بسیار ساده و متواضعانه داشت.

### استعداد و هوش سرشار

سید، استعداد و هوش سرشاری داشت. علاوه بر این که کلیات و مهمات و غوامض مطالب را به ذهنش می‌سپرد، به جزئیات بحث تسلط کافی و وافی داشت. در امتحانات پایان هفته و پایان ترم همیشه نمره اول از آن ایشان بود. در جلسات درس اغلب، ایشان از استاد سؤال می‌کرد و طلاب دوست داشتند برای پیشرفت تحصیلی خود با ایشان هم‌مباحثه شوند.





### اخلاق نیکو

همان گونه که ظاهری ساده و بی‌آلایش و تمیز داشت، اخلاقش نیز بی‌آلایش، تمیز و نیکو بود. همیشه دست یافتنی و در دسترس بود. در ارتباطات بسیار خونگرم و دوست داشتنی بود. طلاب اغلب دوست داشتند، با ایشان هم‌کلام و هم‌سخن شوند. حوصله کافی برای مطالبات طلاب داشت. در رفع احتیاجات مادی و معنوی و درسی طلاب فعال بود و با روی باز از آنها استقبال می‌کرد. زبان شیرین و کلام دلنشین و بیان زیبایش، اخلاق را به مراتب نیکو کرده بود. این خصیصه‌ها وقتی در یک جا جمع شوند یک وضعیت ایده‌آل را به وجود می‌آورند که سیدجواد چنین بود. یعنی مستجمع جمیع محسنات بود؛ چه محسنات ظاهری و چه محسنات باطنی.

### تحصیل

در تحصیل موفق بود و با ایمان راسخی که داشت چنان به درس و بحث چسبیده بود که از ابتدای تحصیل مشخص بود مراحل و مراتب تحصیلی را به سرعت پشت سر خواهد گذاشت. به سرعت آن چه که لازم بود را خواند و پیش رفت. برای ترویج و تبلیغ دین اسلام در سطح بین‌المللی فکر می‌کرد؛ به دنبال آن هم رفت و زبان بین‌المللی را یاد گرفت تا اندوخته‌های خود را به زبان بین‌المللی یعنی انگلیسی به مشتاقان برساند. با آن ظاهر دوست داشتنی، تمیز، زیبا و چشمان حیرت‌آور و اندیشه‌والایش به انگلیسی سخن می‌گفت و هدف تبلیغی و وظیفه ترویج دینش را به انجام می‌رساند. سیدجواد یک جلوه جاذبه‌دار و چهره یک مبلغ مصلح را داشت.

در نهایت، دوران تحصیل پایان یافت و فصل جدایی از مدرسه و دوستان فرا رسید و بدون برگزاری جشن فارغ‌التحصیلی و مراسم پایان دوره و بدون وداع با دوستان، از همدیگر جدا شدیم. دوستان بعد از سپری کردن دوران تحصیل، هر یک راهی را پیش گرفتند و رفتند. برخی در مناصب دولتی، برخی در مقامات قضایی و قانون‌گذاری، برخی در اجرائیات و مدیریت خرد و کلان، برخی به تبلیغ و تحقیق و نویسندگی و ترجمه و برخی در شاخه نظامی و حقوقی کشور مشغول به کار شدند و هرکس برای خود هدفی را انتخاب کرد و انجام وظیفه نمود.





متأسفانه به دلایلی، ارتباط بین احباب و رفقا هم قطع گردید. به جز دیدارهای تصادفی، دیدارهای از پیش تعیین شده صورت نمی‌گرفت، رفقا دورادور از اوضاع همدیگر خبر می‌گرفتند. به طور کلی، آن جمع و مجموعه مستانه چنان از هم پاشید که حتی از این دوری، حس بیگانگی در بین رفقا رخ نمایی کرد و آن آتش و حرارت دوستی چنان به سردی و خاموشی گرایید که نسبت به موفقیت‌ها و شکست‌های بعضی دوستان، حس بی‌تفاوتی به وجود آمد. تقریباً از یکدیگر خبر نداشتیم و اگر هم خبری بود بسیار مبهم و کلی بود. من نیز مدت بسیار طولانی هم‌مباحث و هم‌کلاسی خود را نمی‌دیدم و هیچ اطلاعی از وی نداشتیم.

روزی در شهریور سال ۱۳۹۵ در خصوص برخی مسائل ترجمه و تحقیق در سطح بین‌الملل، جلسه‌ای در معاونت بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شده بود که اینجانب هم به تناسب وظیفه شغلی و همچنین کارشناسی این حوزه به آن جلسه دعوت شده بودم. در جلسه سیمای سیدی نظر حقیر را جلب کرد. در جلسه چه می‌گذشت، زیاد اهمیت نداشت، اما کیستی این سید هم‌جلسه‌ای برایم مهم بود. چشم از صورت این سید برنداشتیم و محو تماشایش بودم. چرا این سید برایم جذبه دارد. حسی عجیبی به من دست داده بود. آیا این سید همان اوست؟ این همان سید جواد ماست یا نه؟ بعضی انسان‌ها بسیار به هم شبیه هستند. نگو که نگاه‌های ما که به هم می‌افتاد شک و تردید در دل هر دوی ما ایجاد می‌شد. پیدا بود که او نیز با گوشه چشمی من را می‌پاید، ولی بیشتر توجه او به محتویات جلسه بود و من بیشتر به خود او فکر می‌کردم. ساعتی با او رفته بودم به سال‌های قبل. سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ شمسی یعنی ۳۰ سال پیش. سال‌هایی که در حیاط مدرسه امام صادق (علیه‌السلام)، مسجد و مدرسه با هم بودیم. سال‌هایی که به پشت بام مدرسه می‌رفتیم و در پیشانی آفتاب بهاری مباحثه می‌کردیم. آن زمان سید چندان ریش نداشت، ولی الان هم ریشش پرپشت شده و به ریشش هم خال سفیدی افتاده بود.

در نهایت جلسه به اتمام رسید. ناخودآگاه به طرف هم حرکت کردیم. یک احوال‌پرسی ساده و صدای ملیح او من را از حالت جدی خارج کرد:





«اده سید جواد سنسن؟ اده بس دی ده بایاقدان سنه باخیرام و مین فکیر ائدیرم». او نیز با خنده‌ای از دل شروع کرد به ترکی سخن گفتن: "هه من ده اول تانیما دیم سورا گۆردوم اؤزونسن».

برگشتیم به مدرسه امام صادق (علیه السلام)، دوران همزبانی‌ها و همدلی‌ها. کمی از آن دوران یاد کردیم. من گفتم، او خندید و او گفت و من خندیدم. رسیدیم به خبرگیری از دوستان؛ از هر کسی پرسید و پرسیدم تقریباً خبر نداشت و خبر نداشتیم. زمان بسیار بی‌رحم است، ولی در عین حال صحنه‌هایی می‌آفریند که بسیار بدیع می‌نماید. از دیدار همدیگر بسیار خوشحال و سرمست شده بودیم و قرار گذاشتیم که زیاد همدیگر را ببینیم تا جبران مافات گردد. البته تهران دود آلود و پر راهبندان مگر اجازه این دیدارها را می‌دهد؟ دل می‌خواهد، لیکن واقعیت چیز دیگری است. خدا برکت دهد تلفن و پیام‌رسان مجازی را که حداقل ارتباطات را فراهم می‌کند. از آن پس بسیار در ارتباط بودیم. امام صادقی‌ها همچون جمع مستان از این گوشه و آن گوشه دیگر پیدایشان می‌شد. مجدداً جمع کهنه داشت شکل می‌گرفت. ایشان که در معاونت بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری مشغول بودند، وقت و فرصت زیادی نداشتند و سپس شرایط کرونایی ارتباطات را قطع نمود و روابط را محدود کرد.

و در نهایت با خبری جانکاه تار و پودمان به هم ریخت. امام صادقی‌ها جمع شدند، دست به دعا بردند، ولی گویا تقدیر چنین بود که این دوری همیشگی و جدایی اتفاق افتد و در رثای این عزیز ناله سرکنم. از این جدایی و حادثه سنگین چنان ضربه‌ای به تار و پود وجودم فرود آمد که این بار کل وجودم متلاشی شد و انگشت حیرت بر لب مانده که چه زود بین دوستان مفارقت حاصل می‌شود. عمرها چه زود می‌گذرد و ایام چه تند و در عین حال غیرملموس سپری می‌شود همچون عبور ابرها! این دوستی و رفاقت هم پایدار نیست. جهان بینی‌ام ترک برداشت که اگر برای این عمرها، دوستی‌ها و رفاقت‌ها اعتباری نیست، پس چرا وجود دارد؟ اگر انتهای این وصل، هجران است و اگر پایان پیوندها، جدایی و مفارقت است، پس چرا این پیوندها شکل می‌گیرد؟ و و و...

سید به سوی معشوق خود پر کشید. سید به وصل همیشگی و پایدار رسید. در





جوار عشق و در کنار عاشقان الهی آرام گرفت، اما در رثای او و در فصل جدایی او و در مفارقت همیشگی او، نه از خاطره‌های دل، می‌توان دل کند و نه جان ز تن آزاد می‌شود. می‌سوزیم و می‌سازیم و نظاره‌گر این جدایی‌ها هستیم. می‌بینیم که هرآن، از این قافله عضوی کسر می‌شود و از این سلسله، ستاره‌ای می‌افتد و از این رشته حب و عشق، مویی بریده می‌شود.







## استاد کم نظیر



جناب آقای هادی عباسی<sup>۱</sup>

بنده با آقای مظلومی از سال ۵۸ آشنا هستم؛ در واقع هم‌محله و هم‌سایه بودیم. با اخوی ما شهید عباسی دوست بودند و رفت و آمد داشتند. ایشان از کودکی، بچه تیزهوشی بود؛ همیشه شاگرد اول، همیشه درس خوان، منتها درس خوان بالقوه بود، چون حافظه خیلی خوبی داشت و از هوش سرشاری بهره‌مند بود، لذا خودش را برای درس خواندن اذیت نمی‌کرد؛ به‌ویژه در ریاضی خیلی متبحر بود و خیلی راحت مسائل را حل می‌کرد. در دبیرستان هم در انجمن اسلامی فعالیت داشت.

ایشان از حدود سال ۱۳۵۹ یا ۱۳۶۰ با آقای موسوی و حلقه شاگردان مرحوم آقای آسید مجتبی موسوی ارتباط پیدا کرد؛ آقای موسوی در زنجان یک جریان خاصی داشت؛ ایشان یک روحانی به روز، جذاب، زحمت کشیده و انقلابی بود و با جوانان ارتباط خوبی داشت و در آن وضعیت انقلاب، یک عده از جوان‌های خیلی خوب، دور ایشان بودند.

به شدت آقای موسوی اخلاق‌مدار بود و روی بچه‌ها تأثیر می‌گذاشت، بسیار مؤدب و کاملاً آداب‌دان بود، لذا همه بچه‌هایی هم که آنجا می‌آمدند با اخلاق بودند؛ در عین حال به علم و دانش و فضل و صحبت متقن بها می‌دادند. پیوستن آقای مظلومی به آن جمع، در کنار نبوغ و استعدادی که داشت، خیلی در رشد و شخصیت ایشان تأثیر داشت.

یکی از علل اصلی که دکتر مظلومی بعد از گرفتن دیپلم، تصمیم گرفتند به حوزه

۱ - از همشهریان، دوستان و همکاران مرحوم دکتر مظلومی (طاب ثراه)





بروند همین مجاورت و تحت تأثیر قرار گرفتن از آقای موسوی بود، چرا که آقای موسوی خوش‌بینی را در ذهن ایشان ایجاد کرده بود.

به یاد دارم که در حدود سال ۱۳۶۱ سال آخر دبیرستان با هم همکلاس و هم‌اتاق بودیم؛ فکر می‌کنم نفر سوم هم‌اتاقی ما آقای مهندس میانجی بود که معاون استاندار در زنجان بود؛ برنامه اینطور بود که صبح از خانه بیرون می‌آمدیم؛ به دبیرستان می‌رفتیم و ظهر که دبیرستان امیر کبیر تعطیل می‌شد، آقای مظلومی می‌گفت باید به نماز جماعت برویم، ما هم به زور همراه ایشان به مسجد جامع می‌رفتیم؛ بعد منزل می‌رفتیم و سرپایی یک غذایی می‌خوردیم و دوباره با عجله به دبیرستان می‌رفتیم. بعد از ظهر هم که از مدرسه تعطیل می‌شدیم به مسجد عباسیه می‌رفتیم، آنجا نماز را به امامت آقای موسوی می‌خواندیم و رفقا را می‌دیدیم؛ تقیّد به نماز جماعت در دوره تحصیلی دبیرستان در ایشان بسیار زیاد بود.

بعدها در سال ۱۳۶۲، ما به همراه ایشان و آقای اسکندری به حوزه اصفهان رفتیم. آن زمان در پذیرش حوزه قم سخت‌گیری می‌کردند، بنابراین به یاد دارم که به خاطر آن مسأله تصمیم گرفتیم به اصفهان برویم، اما من به خاطر سربازی با تأخیر وارد حوزه شدم.

آقای مظلومی بعدها به قم آمدند و بنده به همراه آقای اکبر ثقفیان در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (علیه‌السّلام) شرکت کردیم و قبول شدیم و با آقای مظلومی سه نفری هم حجره شدیم؛ از افرادی که در زندگی آقای مظلومی تأثیر گذاشت، به نظر من حاج آقای ایوبی مدیر وقت مدرسه امام صادق (علیه‌السّلام) بود. ایشان یک روحانی بسیار خوش فکر، جدی و با برنامه بود. زندگی خود را برای تربیت طلبه‌ها گذاشته بود؛ واقعاً شب و روز خود را برای این کار گذاشت. آقای مظلومی خیلی سریع جذب شد و یک سال نشده بود که با توجه به نبوغ ریاضی و تحلیل فکری او، آقای مظلومی در کار دفتر و برنامه‌ریزی مدرسه اشتغال پیدا کرد.

البته مرحوم آقای نصیر، دبیر فیزیک معروف استان زنجان، آقای شریانی مدیر وقت دبیرستان امیرکبیر و یکی دو نفر دیگر از آقایان دبیران و اساتید خیلی سعی داشتند که آقای مظلومی را برای کنکور و رفتن به دانشگاه ترغیب کنند و برایشان تعجب‌آور بود که





یک نخبه ریاضی که پدرشان هم دبیر و خانواده‌شان تحصیل کرده است، بخواهد به حوزه برود. اما به هر حال آقای مظلومی تصمیم خود را گرفته بودند و اصلاً از دیپلم و سال آخر مصمم بودند و درس‌ها را هم می‌خواندند.

درس و بحث در مدرسه امام صادق (علیه‌السلام) خیلی خوب بود، مدرسه شاخصی محسوب می‌شد؛ در عین حال خیلی هم سیاسی نبود؛ آقای مظلومی در همه این سال‌ها دستیار حاج آقای ایوبی بود، معاون مدرسه شد، استاد شد، آنجا خودش مقدمات و سیوطی درس می‌داد. اساتید و بچه‌ها خیلی به ایشان علاقه داشتند؛ آقای اسحاق‌نیا که برای حاشیه ملا عبدالله به آنجا می‌آمد، دلبسته آقای مظلومی بود؛ گاهی به حجره ما می‌آمد، گاهی ما بلند می‌شدیم و سه نفری در فیضیه به حجره ایشان می‌رفتیم. در واقع آقای مظلومی در بین طلاب مدرسه، شاخص بود.

آقای مظلومی از نظر اخلاقی از ابتدا بسیار باحجب و حیا و محبوب بود و تا آخر عمرشان هم این حجب و حیا در وجود ایشان متجلی بود؛ بسیار متواضع بود؛ حافظه خیلی خوبی داشت؛ با اینکه بسیار باهوش بود و استعداد داشت، با اینترنت و کامپیوتر و فضای مجازی آشنا بود، اما متواضع بود. اصلاً نمی‌دیدید که ادعایی کند یا مغرور شود. آنچه ما در مدرسه شاهد بودیم، ایشان فردی بسیار بااخلاق، اهل عبادت و نماز شب بود. ذهن ریاضی و فراگیری خوبی داشت، بهترین درس منطق را می‌گفت و استاد منطقی مانند ایشان ندیده‌ام؛ به خاطر اینکه خیلی خوب تدریس می‌کردند و چقدر خوب رفع اشکال می‌کرد؛ به همین دلیل، مطالب به خوبی در ذهن ما می‌ماند. استاد منطقی در نزاکت و پاکیزه‌گویی بهتر از مرحوم مظلومی ندیدم؛ همچنین وقتی وارد فلسفه شد در درس تفسیر آقای جوادی به صورت جدی شرکت می‌جست و در دروس اولیه ایشان به صورت جدی شرکت می‌کرد.

در سال ۱۳۶۴ ازدواج کردند، مراسم خاصی هم نداشتند؛ به رسم آن زمان در خانه یک شیرینی دادند. در نیروگاه یک منزل اجازه کردند، منزل کوچکی هم بود، شصت یا هفتاد متر بود. گفتند که خانه ما همین است؛ ازدواجشان خیلی ساده بود.

از سال ۱۳۷۱ ما وارد مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شدیم، در کنار درس‌هایمان به چشم یک کاری که هم کار علمی محسوب می‌شد و هم کمک درآمدی





بود، خدمت می‌کردیم. آسید جواد معاونت تحقیقات بود، مسئول بخش رجال بود که کارهای رجال می‌کردند که فعالیت‌هایی مثل نرم افزار احادیث شیعه بسیار عالی انجام شده بود.

در یک برهه، دگرگونی اساسی در مرکز تحقیقات به وجود آمد، چارت جدیدی ایجاد شد، معاونت‌های جدیدی ایجاد گردید؛ در آن زمان اتفاقی که افتاد این بود که آقای مظلومی، در همان مدت کوتاه خودش را آنجا چنان نشان داده بود که کل معاونت تحقیقات مرکز را به ایشان سپردند. آقای مظلومی در عین حال مسئولیت بخش حدیث را هم بر عهده داشت.

آقای مظلومی در بخش فنی متخصص بود. بچه‌های برنامه‌نویس و آقای مظلومی حرف همدیگر را می‌فهمیدند، چون خودش هم مسلط بود. اینکه شما کامپیوتر را بفهمید و بعد بدانید که این کامپیوتر چقدر می‌تواند در آن پردازش تأثیر داشته باشد و چگونه می‌تواند به تولید محصولات فرهنگی کمک کند مهم است، همه این‌ها یک احاطه دو طرفه و ذهن خلاق می‌خواهد؛ آقای مظلومی این اشراف را داشت. در یاد دارم که در دوره کوتاهی که آنجا بودم، دو بار خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم؛ معمولاً دو نفر در حضور ایشان صحبت می‌کردند، یکی آقای مظلومی و دیگری آقای آسیابانی بود که نرم‌افزارها و پیشرفت کار را تشریح می‌کردند.

آقای مظلومی در دوره‌های آموزش زبان اساتید حضور پیدا کرده بود که برای نیروی هوایی برگزار می‌شد و شش ماه تمام وقت برای یادگیری زبان اقدام نمودند و کاملاً به زبان انگلیسی مسلط شدند. در همین ایام بحث روحانی کاروانی ایشان پیش آمد؛ امتحان دادند، مشغول شدند و اولین و دومین سفرشان با کاروان آقای حاج رحیم محمدپور از استان زنجان انجام شد؛ ولی بعدها به خاطر تسلط بر زبان و ارتباطاتی که داشتند روحانی کاروان ایرانیان خارج از کشور شدند.

ایشان بعدها در حوزه‌های مختلف بین‌المللی، تبلیغی، حوزه حج و زیارت و... فعالیت‌های خود را گسترش دادند و در سایر بخش‌ها خدماتی را ارائه نمودند.







## قدرت تاثیرگذاری



حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مهدی علیزاده موسوی<sup>۱</sup>

سابقه آشنایی بنده با جناب آقای دکتر مظلومی تقریباً به دهه هفتاد می‌رسد؛ یعنی حدود ۲۵ سال پیش. حوالی سال ۱۳۷۵ بود که ما به همراه ایشان در کلاس‌های زبان دفتر تبلیغات شرکت می‌کردیم که تقریباً یک سال و نیم به طول انجامید و روزانه پنج ساعت غیر از ایام تعطیل به همراه جمع هفت هشت نفره‌ای در کنار هم بودیم و شاید بدون اغراق بتوان گفت میان هفت هشت نفری که بودیم، آقای دکتر مظلومی در درک و یادگیری زبان نفر اول بود. از همان ایام خاطرم هست که با انگیزه و پشتکار بسیاری دروس را پیگیری می‌کرد.

کسی که نزدیک یک سال، روزی چهار پنج ساعت با کسی همنشین باشد تقریباً ویژگی‌های اخلاقی آن فرد دستش می‌آید و در مدتی که من به همراه ایشان در این کلاس‌ها شرکت می‌کردم، ایشان را فردی بسیار افتاده، خاکی، متواضع، اما از طرف دیگر عالم و با درک بالا یافتم؛ به گونه‌ای که ایشان بسیار با اخلاق بود.

در جلسات، در زمان استراحت بین کلاس‌ها که در کنار هم بودیم، خیلی از وجود ایشان استفاده می‌کردیم، بسیاری از درس‌هایی که بلد نبودیم را از ایشان یاد می‌گرفتیم و تمرین می‌کردیم که این موجب شده بود شخصیت نفر اول کلاس ایشان باشد و آن دوستان که در آن دوره بودند، همگی امروز مسئولیت‌هایی به عهده دارند و از مبلغین موفق حوزه بین‌الملل هستند و امروز فعالیت‌های گوناگونی دارند.

۱ - رئیس سابق پژوهشکده حج و زیارت





بعد از این دوران، بین ما رابطه چندانی نبود، جز تعاملاتی که گهگاه در جلسات با هم داشتیم و همدیگر را می دیدیم.

از آنجا که ایشان در حوزه نرم افزار تمرکز داشتند، در مرکز کامپیوتری نور مشغول به فعالیت شدند و در آنجا هم نبوغ و مهارت خودشان را نشان دادند. دوران حضور ایشان، در مرکز کامپیوتر نور، دوران درخشانی بود و در کنار آقای دکتر شهریار و امثال ایشان، توانستند به موفقیت‌های بسیاری دست یابند.

بعد از این دوران خاطرم هست که در دوران نمایندگی حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قاضی عسکر که بنده دبیر کنگره حج و جهانی شدن بودم، یک بار در پژوهشکده حج و زیارت ایشان را ملاقات کردم که تقریباً اولین گفت‌وگوهای ایشان برای پذیرفتن معاونت فرهنگی بعثه بود.

در سال‌های ابتدایی حضور ایشان در معاونت فرهنگی، من نیز رئیس پژوهشکده حج و زیارت شدم و ارتباط ما در این دو حوزه موجب شد که ارتباطات ما از حیث کاری بیشتر شود و تعاملاتمان افزایش پیدا کند.

ویژگی ایشان در بعثه این بود که با فکر ریاضی و نظمی که در ذهن خود داشت، توانست امور روحانیان که تعداد آنها خیلی زیاد بود را نظم خاصی ببخشد و در استانی کردن اعزام روحانیون، آموزش روحانیان، در برنامه‌های تداوم آموزش آنها، به گونه‌ای موفق عمل کند.

یکی از مظلومیت‌های ایشان این بود که به علت نظم و ضابطه‌مندی همواره مخالفانی داشت. در میان روحانیون هم بعضی با این نظم مخالف بودند، خیلی از افراد هم نسبت به ایشان دیدگاه همسویی نداشتند چرا که ایشان اهل مماشات نبود؛ یعنی اگر کسی ویژگی‌های روحانی کاروان را نداشت یا قرار بود از جایی اعزام شود، ایشان کوتاه نمی‌آمد که بخواهد با سفارش یا توصیه، کاری را انجام دهد. همین موجب شده بود برخی که شرایط و ویژگی لازم را نداشتند آزرده خاطر شوند و این آزرده‌گی گاه در افواه افراد دیده می‌شد؛ این را هم باید همان مظلومیت ایشان دانست که با توجه به جایگاه و موقعیت ایشان صدق می‌کرد.





ایشان روحانی کاروان‌های حج ایرانیان مقیم خارج بودند؛ یعنی تا قبل از مسئولیت معاونت فرهنگی، ایشان با کاروان‌های مقیم خارج به حج می‌رفتند و بعد از اینکه ایشان به این سمت منصوب شدند، من به جای ایشان در آن کاروان به حج می‌رفتم که مرتبط با مؤسسه پرواز نور بود و جناب آقای محسن باقری هم مدیریت آن را به عهده داشتند. برای من جالب بود که اینقدر روحیات و اخلاقیات ایشان در کاروان‌های حج تأثیر گذاشته بود، به گونه‌ای که حتی افرادی که سال‌ها پیش با ایشان به حج آمده بودند و دوباره با ما به حج می‌آمدند، مرتب پیگیر ایشان بودند که چه زمان ایشان به مدینه منوره یا مکه مکره می‌آیند که باز دیداری با ایشان داشته باشند.

خود آقای باقری هم که مدیر کاروان بود، مرتب از روحیات و اخلاقیات ایشان می‌گفت، چرا که توقعات را به خاطر عملکرد بسیار مثبت خود، در کاروان بالا برده بود، آنچنان که کاروان پرواز نور هم در میان کاروان‌های مربوط به ایرانیان مقیم خارج جایگاه رفیعی داشت و خیلی‌ها به آن مراجعه می‌کردند که با این کاروان بیایند و نگرانی ایشان هم این بود که نکند بعد از اینکه آقای مظلومی مشغول شدند و روحانی کاروان عوض شود، این جایگاه افول کند.

این ارتباطات موجب شده بود که عظمت و شأن روحانیت هم در نگاه مردم بالا برود، نگاهشان به روحانیت عوض شود و این حسن سلوک اهمیت بسیار زیادی داشت. خاطرم هست که در این چند ساله اخیر، شاید هفت هشت سفری که بعد از نرفتن ایشان همراه با این کاروان به حج مشرف شدم، مرتب شاهد ابراز علاقه خدمه و حجاج کاروان نور بودیم و به خوبی این ارادت و ابراز علاقه مشهود بود. از توجه و حساسیت ایشان نسبت به مناسک خیلی تعریف می‌شد، به این دلیل که خیلی مقید بودند مناسک بسیار دقیق انجام شود.

این مرد بزرگ نسبت به مردم ابراز علاقه زیادی می‌کردند و همه این‌ها جایگاه ایشان را کاملاً ارتقاء داده بود و توانسته بود موقعیت و جایگاه ایشان را تثبیت کند. به خود ایشان هم بارها گفته بودم که چگونه عمل کردید که اینگونه مردم علاقه‌مند به شما هستند و شما را دوست دارند؟





جدای از این ویژگی‌هایی که عرض کردم، ایشان مبلغی توانا در حوزه بین‌الملل بودند؛ مکان‌های بسیاری ایشان حضور داشتند که بعدها من نیز رفتم یا بالعکس و هر جا که به نوعی رد پای ایشان بود و حضور داشتند، همواره احساس می‌کردم که مردم به شدت به ایشان علاقه‌مند هستند.

ایشان به استرالیا یکی دو سفر داشتند، از ایشان خواسته بودند که به عنوان نمایندگی دفتر مقام معظم رهبری در آنجا حضور پیدا کنند؛ خود ایشان نپذیرفتند؛ چند سفر نیز به بنگلادش داشتند که به عنوان نماینده ترددی دفتر در آنجا موفق بودند و توانسته بودند توفیقات خوبی را کسب کنند که خود این خیلی اهمیت داشت و در مجموع به نظر می‌رسد که با توجه به این ویژگی‌ها از ایشان شخصیتی بسیار فعال، پرنرژ و موفق ساخته بود.

اما نکته‌ای که ورای همه این‌ها وجود داشت، این بود که مرحوم مظلومی، نامش با شخصیتش همخوانی داشت، به این معنا که اصلاً اهل حضور در فضای مجازی، خودنمایی یا ارائه گزارش کار و... نبود؛ شما مشاهده می‌کنید که علی‌رغم این فعالیت‌ها، افراد سایت زدند، در اینستاگرام فعالیت داشتند، هر جا که می‌رسیدند از خودشان رد پایی می‌گذاشتند، اما مرحوم آقای مظلومی با اینکه به فضای مجازی به صورت کامل مسلط بود، در کنار اینکه سال‌ها در مرکز کامپیوتری نور کار کرده بود و می‌توانست در این حوزه از خودش با توجه به تخصصش کاری انجام دهد و خودش را مطرح کند، ولی هیچگاه فعالیت‌هایی در این حوزه انجام نداد.

در رسالتی که به عهده‌اش می‌گذاشتند آنچنان غرق می‌شد که دیگر در فکر این نبود که برای خودش جایگاهی را ترسیم کند و همین توجه نکردن به این ویژگی‌ها موجب شده بود که در تعامل با ایشان، باز هم مظلومیت احساس شود؛ یعنی واقعاً ظرفیت‌هایی که ایشان داشت بیش از معاونت فرهنگی مجموعه‌ای مانند بعثه مقام معظم رهبری بود؛ سطح او بیش از نماینده ترددی در بنگلادش بود و واقعاً می‌توانست شخصیتی باشد که بیش از این‌ها از حضور او استفاده مفید ببریم؛ بسیار ساکت بود، اهل خودنمایی نبود، اهل ارتباطات ویژه نبود و تمامی این‌ها باعث شده بود که جایگاه ایشان شناخته نشود





و در حقیقت در خفا فعالیت‌های بسیار سودمند و ارزشمندی را انجام دهد و آن گونه که باید و شاید در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای حضور فعالی نداشته باشد.

نکته مهم دیگر، تسلط او به زبان بود؛ در محاورات و گفت‌وگوهایی که با ایشان داشتم یا جاهایی که صحبت‌های ایشان را می‌شنیدم، ایشان به زبان انگلیسی تسلط خوبی داشتند و کاملاً صحبت کردنشان مفهوم و قابل درک و فهم بود؛ سخنرانی ایشان قدرت مکالمه داشت و جدای از این به زبان عربی هم تسلط خوبی داشتند، یعنی عربی را هم به خوبی صحبت می‌کرد و تمامی این خصوصیات از مرحوم جناب آقای مظلومی شخصیت ویژه‌ای ساخته بود.

نکته آخر طهارت مالی ایشان بود؛ شخصیتی مانند ایشان که سال‌ها کار اجرایی کرده بود، در مؤسسات مختلف و در شورای عالی مجازی سال‌ها مشغول بود، اما خانه‌ای بسیار کوچک، در یکی از محلات نه چندان خوب قم داشت و بعدها نیز منزلش را فروخت و خرج ازدواج فرزندانش کرد و عملاً زمانی که از دنیا رفت، چیزی برایش باقی نمانده بود و در خانه استیجاری زندگی می‌کرد. این‌ها نشان می‌دهد که ایشان طهارت مالی داشت و همه این‌ها از ایشان شخصیت بسیار ارزشمند و دوست داشتنی ساخته بود.

اما متأسفانه از تمامی ابعاد وجودی و شخصیت وجودی ایشان استفاده نشد. ما باید قدر افرادی چون او را قبل از اینکه به سوی معبود بشتابند، بدانیم؛ ظرفیت‌هایشان را بشناسیم و از آن‌ها استفاده کنیم تا با فقدان افرادی همچون مرحوم آقای مظلومی گرفتار این نشویم که چه شخصیتی بود و چگونه می‌توانستیم از وجودش استفاده کنیم.







## عبد صالح

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم هاشمیان<sup>۱</sup>

انسان‌های بزرگ متعلق به همه جامعه هستند. جناب دکتر مظلومی سرباز خوبی برای امام زمان بودند و یکی از شاگردان خوب حوزه علمیه محسوب می‌شدند، به همین دلیل جا دارد بگوییم مراجع عظام و رهبر معظم انقلاب نیروی خوب و وفاداری را از دست دادند.

شاید این روایت را بخوانیم و بگذریم، اما روایتی بسیار پرمعناست که «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ» و این عبارت به معنای واقعی است «تُئْلَمُ فِي الْإِسْلَامِ تُلْمَهُ»؛ باید تلاش کنیم تا عبارت «تُئْلَمُ فِي الْإِسْلَامِ تُلْمَهُ» را خوب ترجمه کنیم.

گاهی زمین رانش پیدا می‌کند، جا خالی می‌شود؛ گودی حاصل می‌شود؛ باید یک چیزی جای آن را پر کند؛ فرمود: «لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ»، کسی نمی‌تواند جای انسان‌های بزرگ را به راحتی پر کند.

انسان‌های بزرگ، اجناس وارداتی نیستند که آنها را از خارج وارد کنیم؛ انسان‌های بزرگ زاده نمی‌شوند، بلکه ساخته می‌شوند؛ تولیدی نیستند، بلکه تربیتی هستند. در مورد کسی صحبت می‌کنیم که یک انسان واقعی بود؛ یک انسان اخلاق مدار بود؛ یک انسان مبادی آداب بود؛ ما در بحث کشورها گاهی با هم مشورت داشتیم و حرف می‌زدیم؛ ایشان بسیار متواضع، بسیار با اخلاق و بسیار با ادب بودند. از روزی که ایشان را شناختم، این جمله را درباره ایشان مرتب تکرار می‌کنم که





«اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»، ایشان از همه زوایا، خیر و خوبی بود؛ اخلاقش، روشش، تلاشش، علمش، کارش، همه خیر بود؛ همه برایش گریه می‌کنند و می‌سوزند.

ای بسا کس مُرد و کس آگه نگشت  
از حیاتش مبدئی یا مختمی  
لیک اندر مرگ مردان خدا  
عالمی گرید برای عالمی

او در مکه مکرمه در ایام حج، گاهی در بحث‌های آموزش، گاهی در بحث‌های خارج کشور، بی‌امان می‌دوید، اصلاً نمی‌نشست، بلکه شتابان می‌دوید؛ هرکاری که به او محول شده یا به او محول نشده بود را جانانه انجام می‌داد، واقعاً عبد صالح خدا بود، پس جا دارد وقتی این گونه افراد را از دست می‌دهیم به معنای واقعی گریه کنیم و از فقدان آن‌ها ناراحت شویم؛ اکنون قلباً همه ناراحت هستیم؛ خانواده محترم آقای مظلومی!

تنها دل تو نیست که چون ما شکسته است

این کاسه کوزه بر سر دنیا شکسته است؛

از من پرس این که کجای دلم شکست

یک جا دو جا که نیست، ز صد جا شکسته است؛

ما هم دل شکسته‌ایم، ایشان یک انسان دانشمند، اخلاق‌مدار، بسیجی، مخلص، عبد صالح، خوش فکر، دلسوز، انقلابی، علاقه‌مند به امام، علاقه‌مند به رهبر، علاقه‌مند به نظام بود. مجموع این امتیازات در یک انسان به راحتی جمع نمی‌شود؛ او به معنای واقعی پرتلاش و عاشق بود. چنین انسانی چه تلخ از میان ما رفت، این داغ برای ما غمی جانکاه است.

انسان‌های بزرگ همچون حاج سید جواد مظلومی، فقط متعلق به خانواده خودشان نیستند، به جامعه تعلق دارند، به بشریت مربوط هستند، بوعلی سینا برای همه بشریت است؛ شیخ طوسی برای همه بشریت است؛ آسید حسن اصفهانی و علامه مجلسی و علامه امینی‌ها، حضرت امام (ره)، شهید سلیمانی‌ها، این افراد برای همه بشریت هستند و وقتی از دنیا می‌روند همه برای این بزرگان می‌سوزند.

به این جهت ما به انسان‌های فرهیخته و کامل تسلیت می‌گوییم که در بین ما این شخصیت‌ها بودند و ناغافل از میان ما رفتند، واقعاً «لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ».





منتها قرآن می فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۱</sup>، حتی نمی فرماید اکثر عملاً، نمی خواهیم برای ما زیاد کار کنید، برای ما زیبا کار کنید و کار مرحوم آقای مظلومی، کار زیبا بود، کار عمیق بود.

یک جمله از بوعلی سینا نقل می کنند که طول عمر ملاک نیست، بلکه عمق عمر ملاک است؛ بعضی اصلاً صد سال، هشتاد یا نود سال عمر می کنند و هیچ سودی از عمرشان نیست، بعضی چهل یا پنجاه سال یا شصت سال عمر می کنند، عمر کوتاه است، اما عمر مفید، عمر عمیق، عمر خاصیت دار، عمری که در جامعه اثرگذار است و مرحوم آقای مظلومی چنین عمر مفید و با ارزشی داشت؛ شاید خیلی از ما آرزو داشته باشیم که خداوند به عمر ما برکت بدهد، معنای عمر پر برکت همین است، مال پر برکت، عمر پر برکت، فرزند پر برکت، قلم پر برکت، تلاش پر برکت. خیلی مهم است که انسانی به جایی برسد که وجودش منشأ خیر و برکت باشد و این برای ما هم درس است، هم پند است، هم عبرت است.

فکر می کنم روزهای آخر و لحظات آخر، زبان حال و قال مرحوم آسید جواد این بود که با خودش می گفت: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ»<sup>۲</sup>

سرم خاک کف پای حسین است	دلم مجنون صحرای حسین است
به وقت مرگ چشمم را نبندید	که چشم من به سیمای حسین است
بود پرونده ام چون برگ گل پاک	در آن پرونده امضای حسین است
ندارم وحشت از قبر و قیامت	قیامت قد و بالایی حسین است







## الگوی روحانیون جوان



جناب آقای محسن پاک آیین<sup>۱</sup>

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد مظلومی هم رفت و به لقای دوست رسید. وی یک شخصیت فرهنگی و بین المللی بود، معاون بین الملل بعثه رهبری و نماینده دفتر مقام رهبری در کشورهای بنگلادش، میانمار و تایلند بود.

آخرین بار او را در جلسه شورای برنامه ریزی بین المللی بیانیه گام دوم، در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دیدم. هنوز آخرین کلام هایش را به یاد دارم که می گفت: «معرفی انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در حقیقت مقدمه‌ای برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم است و برای برداشتن گام‌های استوار باید آینده و گذشته را به خوبی بشناسیم». حجت الاسلام مظلومی انسانی بسیار باهوش بود و در دوران دانش آموزی شاگرد نخبه ریاضی بود و می توانست یکی از نخبگان دانشگاهی شود. خود او در مورد علت ورود به حوزه علمیه می گفت: «در جوانی چند روز قبل از شرکت در آزمون سراسری کنکور به توصیه امام جمعه زنجان، ناگهان تصمیم به ورود به حوزه علمیه و خدمت در کسوت روحانیت گرفتم».

او به دلیل همین هوش سرشار، در کنار فراگرفتن دروس حوزوی مانند فقه و فلسفه و کلام، به امور روز نیز مسلط شد و در طراحی سامانه‌های رایانه‌ای در حوزه‌های علمیه و آموزش چگونگی حضور در فضای مجازی، نقش مؤثری ایفا کرد. بسیاری از دوستان، او را یک روحانی دانشمند و در عین حال یک مهندس کامپیوتر می دانند و یافته‌های ایشان در علوم اسلامی و دانش روز را علت موفقیت روزافزون وی تلقی می کنند.

۱ - معاون بین الملل دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری





حجت الاسلام مظلومی به زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی تسلط داشت و مشهور بود که حتی به زبان انگلیسی روضه می‌خواند و مخاطبین را در سوگ امام حسین (علیه السلام) می‌گریاند.

آقای محمدرضا نفر، سفیر کشورمان در بنگلادش بعد از اطلاع از خبر ارتحال ایشان در تماس تلفنی در حالی که با صدای بلند گریه می‌کرد، به نگارنده گفت: «آقای مظلومی یک انسان کم‌نظیر بود. او در جایگاه یک انسان ولایتمدار، در سفرهای یک هفته‌ای به بنگلادش با حضور در جمع علما و طلاب شهرها و روستاهای این کشور، عاشقانه فعالیت می‌کرد. روحانیان شیعه و سنی و بزرگان متصوفه، همه عاشق او بودند. او هم خوش‌بین بود و هم مسلط به فقه و معارف دینی و تاریخ تصوف و هم آشنا با امور رایانه‌ای و فضای مجازی و به همین دلیل با سخنرانی‌های آموزنده، مخاطب را مسحور می‌کرد. علمای بنگلادش همه سوگوار او هستند».

حجت الاسلام مظلومی عاشق خدمت به محرومین و مستضعفین بود. در حالی که امکان حضور و فعالیت در کشورهای مرفه اروپایی و استرالیا را داشت، اما فعالیت در کشورهای محروم را انتخاب می‌کرد. او در هنگام فشار دولت میانمار به مسلمانان روهینگیا، در رساندن کمک‌های دفتر مقام معظم رهبری به آوارگان میانماری در مرزهای این کشور با بنگلادش، عاشقانه عمل کرد و بدون ترس از بیماری‌های مسری در آن منطقه، همراه مسلمانان محروم و آواره بود.

این سید جلیل‌القدر بیش از بیست و پنج سال از عمر پر برکت خود را در خدمت به حجاج ایرانی سپری کرد. او مدت‌ها روحانی کاروان بود و سپس در سمت معاون فرهنگی و سپس معاون بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری انجام وظیفه نمود.

ایشان می‌گفت: «حج از زیربناها و مبانی اسلام است و به قدری اهمیت دارد که گاهی انسان از تعبیر روایات تعجب می‌کند، در برخی روایات مقایسه بین حج و عبادات دیگر انجام شده و آمده است که هیچ راهی از راه‌های الهی مگر جهاد و شهادت، بالاتر از انجام حج نیست».

او به ابعاد بین‌المللی کنگره حج برای تقویت ارتباطات میان مسلمانان واقف بود و می‌گفت: «حج بهترین جایگاه برای ارتباط با سایر مسلمانان است، در روایات وارد شده





که حج بر همه مسلمین واجب شده است تا معرفت آنها نسبت به هم افزایش پیدا کند، مسلمین باید از احوال مسلمین دیگر اطلاع داشته باشند و آنچه در امت اسلامی اتفاق می افتد، باید به مسلمین منتقل شود».

حجت الاسلام مظلومی یک شیعه واقعی بود و از حج به عنوان یک تربیون برای تبلیغ مکتب اهل بیت (علیهم السلام) یاد می کرد. او در عین حال از منادیان وحدت اسلامی بود و می گفت: «حقیقی ترین وحدت، وحدتی است که بین مؤمنان اتفاق می افتد و ایجاد کننده آن خدا و محور تشکیل دهنده این وحدت، وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام است».

حجت الاسلام مظلومی مثل یک منتظر واقعی، همیشه خود را سرباز فرهنگی حضرت مهدی (عج) می دانست. او یک چهره ولایی بود و علاقه و ارادت خاصی به حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری داشت و معمولاً در گفت و گو با دوستان تعمد داشت تا این اعتقاد را بازگو نماید.

دوستان، او را «سریع البكاء» می نامیدند چون عاشق روضه امام حسین (علیه السلام) بود و با شنیدن نام آن حضرت از خود بیخود می شد و با شانه های لرزان در عزای سرور شهیدان، می گریست. دوستان او، پیاده روی اش در ایام اربعین را در مسیر نجف تا کربلا فراموش نخواستند.

حجت الاسلام مظلومی شخصیتی اهل علم، فرهنگی و با اخلاق، خوش برخورد، نیکومنش، با پشتکار، آشنا به علم و فناوری روز، مسلط به زبان های خارجی و مطیع ولایت فقیه بود. با این خصوصیات کم نظیر، او می تواند الگوی روحانیون جوان باشد و برای تحقق این امر می بایست صاحبان قلم و بیان در معرفی خصلت های نیک او به جامعه، کوشش مستمر داشته باشند.

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»<sup>۱</sup>







## جوان وارسته



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضوی راد<sup>۱</sup>

حجت الاسلام جواد مظلومی را از سال ۱۳۶۰ می‌شناسم. تقدیر بر این بود در همان مدرسه‌ای که بنده مشغول به تحصیل بودم تحصیلاتش را آغاز نماید. فرصت مغتنمی بود تا با آشنایی و مصاحبت بیشتر با این جوان وارسته، از کمالات شخصیتی‌اش بهره‌جوییم.

استعدادش فوق‌العاده بود، از شخصیت آرام و جذابی برخوردار بود، درس‌هایش را خوب و منظم می‌خواند، بعد از چند سال دانش‌آموزی، تدریس به سطوح پایین‌تر را آغاز کرد و در تدریس نیز موفق بود، تا اینکه رفته رفته بدل به اندیشمندی توانمند گردید. در حوزه آشنایی با کامپیوتر و کاربرد فنی و علمی آن، جزء اولین طلابی بود که توانمندی‌های لازم را پیدا کرد، در مرحله برنامه‌نویسی و تدوین نرم‌افزارها از افراد موفق این عرصه بود، محصول تلاش‌های او و دیگر همکارانش به یمن زمینه‌های خوبی که در مرکز کامپیوتری علوم اسلامی ایجاد شده بود، به تدریج آماده شد و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی قرار داده شد.

وی زبان ترکی استانبولی و عربی را به خوبی فراگرفت، اشراف و تسلطش بر زبان انگلیسی به اندازه‌ای بود که به راحتی به زبان انگلیسی سخنرانی می‌کرد. در یکی از سفرهایش به آلمان به مزاح عرض کردم: سید جواد اگر آلمانی یاد گرفتی، هنر کردی! از توانمندی‌های علمی‌اش که بگذریم، از نعمت توازن شخصیتی برخوردار بود؛ آرام

۱ - مدیر انستیتو علوم اسلامی هامبورگ آلمان





بود، تبسم خاصِ ایشان همواره زینت‌بخش سیمایش بود، گوش دادن را بیشتر از سخن گفتن دوست می‌داشت، اهل ادّعا، رجز و کلاس گذاشتن نبود و بالاخره فضائل علمی، اخلاقی و شخصیتی قابل تحسین و احترام او موجب شده بود تا همه دوستش بدارند. جامعه روحانیت به وجود شخصیتی چون او، به‌ویژه در این کسادی شخصیت‌های متوازن، باسواد، معقول و در عین حال جذاب و توانمند بسیار نیازمند بود، اما چه می‌شود کرد که راز و حکمتِ کی آمدن و کی رفتن ما انسان‌ها، یکی دیگر از فهرستِ بلند بالایی مقوله‌هایی است که از آن آگاه نیستیم. چه کنیم که از دست ما به‌ویژه درباره زمانِ پدیده مرگ و رفتن، جز تسلیم بودن در برابر اراده الهی کاری بر نمی‌آید.

ما نقطه تسلیمیم

در دایره قسمت

حکم آن چه تو فرمایی

لطف آن چه تو اندیشی







## سلوک مهربانانه



حجت الاسلام والمسلمین مرتضی مطهری پور<sup>۱</sup>

در شهریور ماه ۱۳۶۶ به شوق تحصیل علوم دینی و مجاورت با کریمه اهل بیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) عازم شهر مقدس قم شدم. با راهنمایی یکی از دوستانم به مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) واقع در خیابان نیروگاه قم به مدیریت استاد حجت الاسلام والمسلمین ایوبی معرفی شدم. مدرسه‌ای که فضای آن معطر به عطر شهیدان دفاع مقدس بود. در بدو ورود به دفتر مدرسه، با سید جوانی رو به رو شدم که طلبه‌های مدرسه، او را حاج آقا مظلومی صدایش می‌کردند.

سلام کردم، گوشه‌ای ایستادم، سید بزرگوار جواب سلام را داد و با احترام تعارف کرد روی صندلی بنشینم. مدتی که در دفتر نشسته بودم شیفته اخلاق و رفتارش شدم؛ جوانی مؤدب، موقر، متواضع، منظم و درعین حال قاطع و جدی بود. حال نوبت من رسیده بود مدارک ثبت نام را تحویل دهم. سید جوان، چند سؤال کرد. نام و نام خانوادگی، اهل کجا هستی؟ چرا این مدرسه را انتخاب کرده‌اید؟ انگیزه‌ات برای طلبه شدن چیست؟

من که نوجوانی کم‌رو و تا حدی خجالتی بودم، پاسخ سؤالات استاد را با کمی لکنت و بریده بریده دادم. حاج آقا مظلومی با خوشرویی و کلام محبت‌آمیز تشویقم کرد و برای موفقیت در مسیری که انتخاب کرده بودم دعا کردند و توصیه‌هایی نمودند. سپس قوانین و مقررات مدرسه را گوشزد کردند که به نظر سختگیرانه و در عین حال بسیار

۱ - رئیس ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان





دلنشین، منطقی و مطلوب بود. بیانات ایشان در تبیین مقررات مدرسه و لزوم رعایت آن از سوی طلاب مدرسه، مرا به یاد کلام زیبای مولا علی (علیه السلام) انداخت «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم». برنامه ریزی مدرسه به گونه ای بود که معنویت و تهذیب نفس در کنار تعلیم و تحصیل طلاب مورد توجه و اهتمام دست اندرکاران مدرسه بود.

در سال ۱۳۶۷ توفیق شاگردی استاد مظلومی را داشتم. کتاب المنطق مرحوم مظفر را نزد ایشان تلمذ کردم. روش کلاس داری، تسلط بر مباحث به همراه قدرت استدلال و شیوایی بیان، حضور در کلاس را برای شاگردان جذاب کرده بود. فعالیت های فوق برنامه و وجود فضای صمیمی در برنامه های گروهی مدرسه که با مدیریت حاج آقا ایوبی و همکارانشان به ویژه دکتر مظلومی انجام می گرفت، خاطرات بسیار زیبا و جذابی را برای طلاب مدرسه امام صادق (علیه السلام) در دهه ۶۰ به یادگار گذاشته است.

حضور مرحوم، در معاونت فرهنگی و همچنین معاونت امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری، برگ زرین دیگری از کارنامه فعالیت های دانشمند مجاهد به حساب می آید. در این مدت، هر بار که خدمت استاد می رسیدم همان صفا و صمیمیت و رفتار محبت آمیز همراه با اخلاص و تواضع در رفتارش برایم درس آموز بود، هیچ گاه مقام و منزلت اجتماعی، او را از سخت کوشی و سلوک مهربانانه دور نکرده بود.

روزی خدمت ایشان به مرور خاطرات روزهای اول طلبگی خودم پرداختم. ایشان ضمن استقبال از بیان خاطرات، در بسیاری از موارد، جزئیات موضوع را به خاطر داشتند که نشان از هوش سرشار و حافظه قوی و توجه به نکات دقیق و ریز، در تربیت طلاب داشت.







## روحانی مقید و دلداده



جناب آقای حاج عباس حیدر زاده<sup>۱</sup>

در مورد حجت الاسلام مظلومی باید عرض کنم که ایشان شخصیتی نمونه بودند؛ ایشان مدیری منضبط و قانون مند بودند، یعنی به قانون عمل می کردند و سعی داشتند که پا را فراتر از قانون نگذارند. حتی اگر از جانب کسی توصیه می شد، توصیه ها را ندیده می گرفتند. نمونه اش را در هیئت گزینش مداحان می دیدیم. گاهی سفارش مداحانی را می کردند که مداحی با این خصوصیات، کدش بسته شده است؛ آقای مظلومی تأکید می کرد هر چه قانون می گوید، هر چه این هیئت تصمیم گرفته و صورتجلسه شده است باید عمل شود؛ از این رو هیچ کس را غیر از قانون و هیچ توصیه ای را فراتر از قانون نمی پذیرفتند و به عین قانون عمل می کردند. در بررسی پرونده ها دقیقاً مصوبات را عمل می کردند و نظر جمع را می گرفتند. خلاصه در بحث مدیریت، دقیقاً به قانون عمل می کردند و مدیریت قانون مندی را اعمال می نمودند.

در مدینه منوره بارها دیدم که ایشان هنگام اذان در مسجد النبی با اینکه سرشان شلوغ بود، مقید بود که نماز جماعت را به حرم بیاید، می دیدم که سجاده را زیر بغل گذاشته است و شتابان به طرف مسجد النبی می دود تا به نماز جماعت برسد و نماز جماعت را در مسجد النبی بخواند.

در زمینه دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای مظلومی اهل بکا بود، اهل اشک بود. من بارها در جلسات دیده بودم که

۱ - مداح اهل بیت (علیهم السلام)





خوانی چطور گریه می کنند و چطور منقلب می شوند. روی اشعار و مطالب و روضه‌هایی که مداحان می خواندند، خیلی دقیق بودند. ضمن اینکه دل عاشقی داشت، دلداده اهل بیت (علیهم السلام) بود و در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) اشک می ریخت، اما به نکات هم توجه می کرد و تذکر می داد تا خدای ناکرده خلاف شأن اهل بیت (علیهم السلام) مطالب و روضه‌هایی خوانده نشود. همچنین ایشان در خصوص تقریب مذاهب و وحدت بین مسلمانان در روضه‌ها، شعرها و مرثیه‌ها، دقت نظر داشت و تذکر می داد.









## فصل سوم



### خدمت به اسلام و قرآن با نگاہ فناورانه







## زمینه ساز تحول در حوزه



حجت الاسلام والمسلمین حمید شهریاری<sup>۱</sup>

درگذشت دکتر مظلومی درد بزرگی بود؛ ایشان ویژگی‌ها و مختصات فراوانی داشت. بعد از انقلاب اسلامی، عده‌ای از جوانان باهوش، زیرک و دارای دانش گسترده و دارای توانایی‌های زیاد وارد حوزه‌های علمیه شدند؛ حاج آقای مظلومی یکی از این افراد بود که به دنبال انقلاب امام، دگرگون شده بود و با پیروزی انقلاب، وارد حوزه علمیه قم شد. آقای مظلومی در سال ۱۳۴۳ در زنجان متولد و در سال ۱۳۶۱ هم وارد حوزه علمیه قم شد؛ رشته تحصیلی ایشان ریاضی فیزیک بوده است که نشان از ذهن پویا و آماده ایشان برای تحصیلات بوده است. هر چند استادانش میل داشتند که به رشته مهندسی وارد شود، اما ایشان حوزه را بر دانشگاه ترجیح دادند و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان در مدرسه صدر شدند. پس از چندی از اصفهان به قم آمدند و در مدرسه امام صادق (علیه السلام) مشغول به تحصیل شدند.

به دلیل هوش سرشاری که داشتند مدیران مدرسه از سال دوم تحصیلی، در حالی که سال دوم طلبگی اش بود، ایشان را به عنوان استاد انتخاب کردند؛ اینقدر باهوش بود که همان درسی که آن روز تلمذ کرده بود را می‌توانست روز بعد تدریس کند و در حقیقت ایشان یکی از مدرسین اصلی دروس در حوزه تلقی می‌شد. تدریس ادبیات، فقه و فلسفه در حوزه‌ها تخصص ایشان بود.

دوستانشان نقل می‌کنند که ایشان در دوران ابتدای طلبگی، شرح نظام و شرح

۱ - دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی





شمسیه که دو کتاب در منطق است را هم کنار درس‌های معمولی خوانده است؛ این نشان از علاقه وافر ایشان به منطق و فلسفه داشت.

سیدجواد مظلومی به دست امام خمینی (ره) ملبس شد و پس از سه چهار سال در همان مدرسه به سمت معاونت آموزشی مدرسه رسید؛ در ذیل مدیریت او، بیش از دویست و پنجاه نفر از طلاب با روش مدیریتی و آموزشی ایشان تربیت پیدا کردند و دروس مقدمات را به اتمام رساندند.

خود ایشان به دلیل علاقه به رشته فلسفه و تفسیر، این دو درس را نزد حضرات آیات جوادی آملی و حسن‌زاده آملی فرا گرفتند و حتی در روزهای تعطیل هم مشتاق به تحصیل درس بودند و دروس فرعی مانند هیأت و نجوم را در روزهای تعطیلشان می‌خواندند.

از افراد بسیجی بودند که به صورت داوطلبانه در جبهه در دوران دفاع مقدس حضور داشتند و از سال ۱۳۷۱ به تحصیل درس خارج فقه و اصول اشتغال داشتند و از شاگردان مبرز حضرات آیت‌الله عظمی آشیخ جواد تبریزی و آیت‌الله عظمی وحید خراسانی به شمار می‌رفتند.

آشنایی بنده مربوط به دوره مدیریتی است که با هم در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بودیم. آقای مظلومی قبل از من در آنجا مشغول بود و زمانی که من وارد شدم، ایشان روش نوینی را در اطلاع‌رسانی علوم اسلامی ابداع کرده بودند.

من در بدو ورود به عنوان عضو هیئت مدیره در مرکز تحقیقات، از بزرگوارانی مانند ایشان خواستم که این آیین‌نامه را برای من توضیح دهند. مبدأ آشنایی من با اطلاع‌رسانی به وسیله جناب آقای مظلومی و آقایان نجم‌آبادی و ثقفیان و بعضی دوستان دیگر بود.

در حقیقت شروع فعالیت من در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی با درس آموزی از حاج آقای مظلومی همراه شد و از ایشان بسیار آموختم و بعد از یادگیری توانستم با کمک دوستانی که داشتیم محصولات متعدد و متنوعی را در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تولید کنیم و امروز کارهایی که آقای مظلومی و دوستانشان انجام دادند مایه افتخار حوزه‌هاست.





فعالیت حاج آقای مظلومی با جمعی از جوانان که در حوزه اطلاع‌رسانی علوم اسلامی کار می‌کردند یک ابداع و روش نوین بود، در عین حال فقط حسنش این نبود که یک امر نوین است، بلکه در حوزه علمیه تحول‌ساز بود. مجموع فعالیت‌هایی که ایشان و دوستانشان در مرکز تحقیقات انجام دادند، به نظرم سبک آموزشی و سبک پژوهشی را در حوزه‌های علمیه متحول کرد.

نرم‌افزارهای ما باعث شد که جمعی از طلبه‌ها که مشغول تحصیل بودند به گستره‌ای از منابع اطلاعاتی در علوم اسلامی دسترسی پیدا کنند و با طبقه‌بندی و اطلاع‌رسانی که شده بود، توانستند به راحتی و سادگی به بسیاری از دانش‌ها و مفاهیمی برسند که طلبه‌ها در سابق باید سال‌ها و ساعت‌ها زحمت می‌کشیدند تا به آن نکته علمی برسند. با این نرم‌افزارها خیلی سریع‌تر و راحت‌تر و دسترس‌پذیرتر توانستند به محتواها دست پیدا کنند. به نظرم نقش آقای مظلومی و یکی دو تا از دوستان همکار بنده در مرکز تحقیقات بسیار کلیدی بوده است.

امروز نرم‌افزارهایی مانند جامع التفاسیر و جامع الاحادیث و نور الانوار در اختیار عموم قرار گرفته است، مجموعه‌ای از نرم‌افزارها مانند نور الجنان نیز از جمله نرم‌افزارهای قرآنی، دعایی و حدیثی و تفسیری هستند که با ورودشان به حوزه‌های علمیه، تحولی در سبک آموزشی پژوهشی ایجاد کردند.

وقتی این نرم‌افزارها تولید شد من خدمت یکی از مدرسان بزرگ حوزه‌های علمیه رسیدم. ایشان به شوخی فرمودند که شما مرا به زحمت انداختید! ما گفتیم چرا؟ گفتند که به این خاطر که گاهی یک ربع، بیست دقیقه مطالعه می‌کردم، شاگردان هر موردی داشتند می‌توانستم جواب دهم؛ از وقتی شما این محصولات را تولید کرده‌اید، ما دو ساعت، دو ساعت و نیم هم مطالعه می‌کنیم باز از پس طلبه‌ها بر نمی‌آییم؛ می‌بینیم که رایانه‌ای را جلوی خودشان باز می‌کنند و مسائلی را از داخل آن استخراج و سر کلاس مطرح می‌کنند که نیازمند تأمل و تفکر بیشتر است و ما استادان به زحمت افتادیم.

این یعنی اینکه سطح آموزش در حوزه‌های علمیه با این روش نوین که حاج آقای مظلومی و دوستان دیگر در حوزه اطلاع‌رسانی علوم اسلامی ابداع کردند، دچار تحول





شد؛ دچار تغییر جدی و تغییر ماهوی شد؛ این یکی از تحولاتی بود که ایشان در دوره حضورشان در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شاهدش بودیم.

نور الانوار که یکی از آن‌ها جامع حدیثی و دیگری جامع تفسیری است، در کنار نرم‌افزار نورالحکمه ارائه شد و ایشان خیلی زحمت آن را کشید. هر دوی اینها از جمله محصولات بود که با تلاش ایشان و همکارانشان تولید شد.

در نرم‌افزار نورالحکمه، کتاب اسفار و برخی از کتب ابن‌سینا در حوزه فلسفه و همینطور بدایة‌الحکمه و نهایة‌الحکمه علامه و برخی دیگر از منابع فلسفی، خط به خط خوانده شده بود و این خطوط مفهوم‌برداری شده بود که اصطلاحاً به آن موضوع‌برداری می‌گفتیم؛ و بعد هم نمایه‌سازی می‌شد که از دل آن عبارت‌های دو کلمه‌ای، سه کلمه‌ای بیرون می‌آمد. بعد از آن، کلیدواژگان تک کلمه‌ای ایجاد می‌شد و...

از طریق این روش‌ها که آقای مظلومی نقش بی‌بدیلی در ابداع آنها، یعنی موضوع‌برداری و نرم‌افزارهای موضوعی داشت، بخشی از حدیث، منابع عرفانی، منابع منطق، کلام، رشته‌های دیگر به روش‌های نوین موضوع‌برداری شد. حجت الاسلام مظلومی بر اثر این تلاش‌های وافر، با کمک آقای آسیابانی به خاطر تولید نرم‌افزار نورالجنان و نرم‌افزار جامع الاحادیث، به عنوان خادم القرآن مفتخر شد.

ایشان از نظر درسی هم در دروس حوزوی و هم در دروس دانشگاهی پیشرفت را به نهایت رسانده بود. در رشته فلسفه تطبیقی، دکتری خود را در دانشگاه قم گذراند و همین ویژگی‌ها و مختصات و تسلطی که به حوزه فناوری داشت، باعث شد که ایشان در دوره اول شورای عالی فضای مجازی به عنوان عضو حقیقی این شورا از سوی مقام معظم رهبری منصوب شود.

البته ایشان در کنار این کارها ارتباطی هم با حجاج خارجی زبان داشت، چون به زبان انگلیسی، عربی، آذری تسلط داشت و می‌توانست به این زبان‌ها سخنرانی کند، متن بخواند و متن بنویسد. از این جهت فعالیت‌های تبلیغی خود را با حج شروع کرد و برخی از گروه‌ها و حاجیان را به عنوان روحانی کاروان یا همراه کاروان همراهی می‌کرد و همین امر باعث شد که ارتباط وثیقی با حوزه حج پیدا کند و به مسئولیت معاونت





امور فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری در سال ۸۸ منصوب شود و به مدت ده سال این مسئولیت را داشت تا اینکه بالاخره در سال ۹۸ به عنوان معاون امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری منصوب شد.

در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هم در نظر داشتیم که ایشان به عنوان مشاور به ما کمک بدهد که واقعاً در این مدت کوتاهی که به عنوان مشاور در خدمتشان بودم، انباشتی از تجارب دوازده ساله خود را که در طول سفرهای حج و ارتباط با علما و حوزه بین الملل داشتند را به ما منتقل کردند؛ شاید اگر کمک‌های ایشان نبود، ما در بسیاری از موارد به راه خطا می‌رفتیم.

از نظر مدیریتی ده سالی شد که با هم فاصله گرفتیم، بعد که بنده به حکم حضرت آقا و دبیرکلی مجمع، مفتخر شدم، به ایشان گفتم آقای مظلومی من متوجه این فراق نشده بودم که چرا دو دوست باید اینطور فراق همدیگر را بکشند؛ اما الان حس می‌کنم که شما ذخیره‌ای برای مجمع بودید که بتوانید به ما کمک کنید. چرا که ایشان هفته‌ای دو روز تا وقتی که در قید حیات بودند، می‌آمدند و به ما کمک می‌کردند.

در اینجا می‌خواهم به خصوصیات اخلاقی حاج آقای مظلومی اشاره کنم که یک سری از آنها منحصر به فرد بود؛ حداقل من کمتر کسی را می‌شناسم و در مجموع اصلاً کسی را نمی‌شناسم که واجد مجموع این ویژگی‌ها باشد.

یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات ایشان، هوش، ذکاوت، ژرف‌اندیشی، نبوغ فوق‌العاده و ذهن خارق‌العاده و تند و تیز بود و این هوشمندی، ذکاوت و ژرف‌اندیشی در ایشان همیشه جوشان بود و هیچ وقت متوقف نمی‌شد. در هر جلسه‌ای با ایشان می‌نشستیم، انسان احساس می‌کرد که ایشان دو یا سه نکته اضافی در ذهن دارد و با بیانش انسان را مشعوف می‌کرد.

برخی باهوش هستند، با ذکاوت هستند، نبوغ دارند، اما درس خوان نیستند؛ اما ایشان در کنار هوش و ذکاوت، دانش بسیار گسترده‌ای داشت، در سطوح عالی هم در حوزه و هم در دانشگاه درس خوانده بود و این هوش و دانش را با هم جمع کرده بود و تجمیع این دو باعث شده بود که فهم عمیق و دقیقی از محتوا و مسائلی داشته باشد که





با آن‌ها مواجه می‌شد. به طوری که وقتی می‌نشستم و می‌خواستم با او تصمیم‌گیری کنم، از حضور ایشان به نکاتی دسترسی پیدا می‌کردم که خود به تنهایی نمی‌توانستم به آن نکات برسم.

معمولاً انسان‌هایی که باهوش هستند و دانش گسترده دارند و به فهم عمیق می‌رسند، کم حوصله هستند و حوصله زیاده‌گویی دیگران را هم ندارند، اما حاج آقای مظلومی ویژگی‌سومی را در کنار این دو ویژگی جمع کرده بود که بسیار صبور و باحوصله و اهل مدارا بود. با اینکه به عمق مسأله پی برده بود، اما بسیار با آرامش و حوصله با فردی مواجه می‌شد که هنوز به عمق مسأله نرسیده بود.

هرگاه ایشان می‌خواست نکاتی را بگوید به لطافت می‌گفت، با نوعی شوخی و مزاح همراه می‌کرد. در عین حال حرف را به نوعی نقل می‌کرد که طرف واقعاً متوجه می‌شد که چقدر از حقیقت دور افتاده است و این نبود مگر اینکه ما با یک آدم متخلق با اخلاق کریمانه در همه امور مواجه بودیم.

در عین حال ایشان همیشه خنده بر لب داشت. اگرچه معمولاً آدم‌های باهوش و با دانش که به عمق مسائل می‌رسند، کم حوصله و خیلی زود عصبانی و ناراحت می‌شوند که چرا طرف مقابل متوجه نیست یا نمی‌فهمد، اما ایشان اصلاً اینطور نبود. چنین آدمی با این صبر و حوصله معمولاً در دلش هیجان و اندوهی بود؛ اما در عین حال آن اندوه و ناراحتی خود را همیشه در دل نگه می‌داشت و همیشه بر چهره، لبخند داشت.

حتی وقتی در حال نقد یک نظریه خطا با دوستانش بود، این کار را با یک چاشنی طنز انجام می‌داد که موجب فرح و شادی جلسات بود، هم ما می‌فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم و هم از نوع برخورد ایشان بسیار شاد می‌شدیم و انصافاً جلسات ایشان فرح‌بخش و شاد بود. به یاد دارم در دوران مدیریت مرکز کامپیوتر که مکرر هر هفته و هر روز با ایشان جلسه داشتیم، ایشان در جلسه چیزی گفته باشد که ناراحتی من یا دوستان را به دنبال داشته باشد؛ ایشان بسیار دوست داشتنی بود.

باید اعتراف کنم که دوستی به هوشمندی، صداقت، ادب، علم و متانت ایشان نداشتم و واقعاً از دست دادن این عزیز گرامی، این رفیق شفیق و کسی که با محبت، همه دانش





و همه هوشمندی خود را در اختیار مدیران ارشد قرار می داد، صدمه بزرگی بود. گاهی اوقات من به ایشان پیشنهاد می دادم که ریاست بعضی قسمت ها را به عهده بگیرد، اما قبول نمی کرد و اصلاً به فکر مقام و دنیا و ترفیع نبود و تا این اواخر هم منزل مسکونی ایشان، استیجاری بود، این هم شاهی قوی بر این است که ایشان اهل دنیا نبود.

او حاضر نبود مدام به جلسات و مراکز مختلف برود و چند جا کار بگیرد تا بتواند حقوق خود را افزایش بدهد؛ همیشه مستقر، متمرکز و متعهد بر روی کارش بود. از موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت است که وقتی مؤمنی بمیرد، ملائکه، زمین ها و دشت های سرزمین ها بر او می گریند؛ هر جا که او عبادت خدا می کرده است گریه می کنند که چرا او از دنیا رفته است و همینطور درهای آسمانی که با اعمال نیکش از او بالا می رفت به صدا در می آیند و به هق هق می افتند از اینکه یک عالم مؤمن از دنیا رفته است و اینک در اسلام یک ثلمه و شکافی ایجاد خواهد شد که هیچ جایگزینی نمی تواند آن را پر کند و واقعاً حاج آقای مظلومی اینگونه بود.

خداوند وعده داده است که «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»<sup>۱</sup>







## خدمت از دریچه فناوری



حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین بهرامی<sup>۱</sup>

جناب آقای دکتر مظلومی یک شخصیت فرهیخته حوزوی بودند، چه به لحاظ دانشی، چه به لحاظ علمی، چه به لحاظ ویژگی‌های مدیریتی، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی دارای خصایص و ابعاد مختلفی بودند. آنچه مهم است اینکه حقیقتاً ویژگی و تأثیرگذاری ایشان در مسیر بهره‌برداری از فناوری اطلاعات در مسیر علوم اسلامی و ترویج معارف اهل بیت (علیهم السلام) قابل توجه است.

آقای مظلومی از اولین شخصیت‌هایی بودند که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به فعالیت مشغول شدند و تلاشی را در راستای به کارگیری کامپیوتر یا به تعبیر جدیدتر فناوری اطلاعات در علوم اسلامی آغاز کردند. ایشان در شرایطی این کار را به همراه تعدادی از طلاب و متخصصان امر شروع کرد که شاید کمتر کسی می‌توانست آینده این مسیر و تأثیری که این کار می‌توانست در پژوهش‌های علوم اسلامی ایجاد کند را تصور نماید.

البته ویژگی‌های شخصی ایشان تأثیر بسزایی در فعالیت ایشان در این مسیر داشت. به لحاظ دانش حوزوی بر مباحثی مانند قرآن و حدیث و علوم نقلی مسلط بودند و در منطق، فلسفه و علوم عقلی اشراف و اطلاعات خوبی داشتند.

در کنار اینها، به فضای روز هم آشنایی خوبی داشتند؛ آشنایی ایشان با دانش کامپیوتر که در این مسیر به مرور تکمیل و به نقطه بسیار خوبی رسید. آشنایی ایشان با زبان و

۱ - رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





امکان اطلاع و بهره‌مندی ایشان از آخرین یافته‌های این حوزه، حضور نسبتاً مستمر ایشان در نمایشگاه‌های خارجی و عرصه‌های بین‌المللی و اطلاعتشان از آخرین یافته‌ها در کنار خلاقیت و توانمندی‌های شخصی، باعث شد که جناب آقای دکتر مظلومی عنصر بسیار مؤثری در این مسیر باشند و با توجه به نقش‌های مختلفی که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بر عهده داشتند، از دوره‌ای که مدیر گروه حدیث این مرکز بودند، تا زمانی که معاون پژوهش مرکز شدند و همین‌طور در ایامی که به عنوان هیئت امنای مرکز نقش ایفا کردند، به علت آن ابعاد مختلف دانشی و توانمندی‌های شخصی که داشتند، روش‌ها و برنامه‌های متنوعی را در مرکز تحقیقات کامپیوتری بنا نهادند.

تعدادی از روش‌های عرضه اطلاعات که امروز در محصولات مرکز نور شاهد آن هستیم، از جمله روش موضوعی در حوزه تفسیر، کلام و حدیث که خروجی‌های مختلفی از آن‌ها گرفتیم و امروز محققان علوم اسلامی در حال بهره‌برداری از آن‌ها هستند، به تعبیری می‌شود گفت که ابداع شخص جناب آقای دکتر مظلومی بود. همچنین در سایر روش‌های پژوهشی که مرکز تحقیقات کامپیوتری توانسته این آثار را در اختیار محققان قرار بدهد، جناب آقای مظلومی در راهبری و به کمال رسیدن این امور نقش بسیار مؤثری داشتند.

ایشان به این دلیل که هم در علوم نقلی و هم در علوم عقلی سرآمد بودند، در فعالیت‌هایی مانند دانشنامه علوی که در حوزه نهج البلاغه و فرمایشات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود یا فعالیت‌هایی که در حوزه حدیث انجام می‌شد، در حقیقت مدیر پروژه و راهبر و ایجاد کننده این پروژه‌ها بودند. در کنار آن‌ها، مسئولیت راهبری پروژه‌هایی مانند نور الحکمه و کارهای موضوعی که در حوزه فلسفه انجام می‌شد را بر عهده داشتند و توانستند نقش بسیار مؤثری در گشودن این مسیر، در ایجاد ابزارها و در ادامه در فرهنگ‌سازی و ترویج آن در حوزه‌های علمیه ایفا کنند.

واقعیت این است که پژوهشگران علوم اسلامی، حوزه‌های علمیه و حتی بخشی از محققان علوم انسانی که امروز از محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





نور در پژوهش‌ها و فعالیت‌های خودشان بهره می‌گیرند، وامدار زحمات جناب دکتر مظلومی هستند. البته این ویژگی‌ها منحصر به دوره‌ای نبود که ایشان در مرکز تحقیقات کامپیوتری حضور داشتند؛ بعد از حضور ایشان در مرکز نور، در مجموعه بعثه مقام معظم رهبری همچنان فعالیت‌های ایشان در حوزه‌های فناورانه و در راهبری مسائل مربوط به فناوری و فضای مجازی تداوم داشت.

همچنین می‌توان به حضور ایشان در شورای عالی فضای مجازی با حکم مقام معظم رهبری اشاره کرد. ایشان یک دوره با حکم مقام معظم رهبری، عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی بودند و ویژگی‌های شخصی ایشان همچون نکته‌سنجی، دقت بالا و اشرافی که به مسائل بین‌المللی داشتند و آشنایی به فناوری و فضای مجازی، موجب شده بود که بتوانند در آن دوره نقش مهمی را در شورای عالی فضای مجازی ایفا کنند. ایشان در دوره‌ای در شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور، نقش ایفا کردند و در توسعه و ترویج فناوری اطلاعات در سطح کشور، در حوزه‌های پژوهشی نقش مؤثری داشتند و در دوره اخیر هم این توفیق را داشتیم که در شورای عالی فضای مجازی حوزه‌های علمیه هم در خدمت ایشان باشیم و بتوانیم از افکار و نظریات ایشان بهره‌مند شویم.

توفیقات جناب آقای مظلومی در اعتقاد و باورمندی ایشان بود. هیچگاه تا وقتی که احساس مسئولیت نمی‌کردند و کاری به ایشان سپرده نمی‌شد، علیرغم توانمندی بارزی که داشتند، پیش قدم نمی‌شدند. ویژگی دیگری که در ایشان وجود داشت و بسیار بارز بود، ویژگی‌های اخلاقی دکتر مظلومی بود؛ بسیار متواضع بودند؛ بسیار ساده‌زیست بودند؛ هیچ وقت زحمت خود را به دوش دیگران نمی‌انداختند، هیچ وقت با دیگران برخورد تند و غیر اخلاقی و غیر مؤدبانه نداشتند. علیرغم جایگاه و مسئولیت‌هایی که داشتند، همیشه در دسترس بودند و در همه اوقات هر کسی که در هر سطحی به ایشان مراجعه می‌کرد، با روی باز استقبال می‌کردند.

ویژگی دیگر، دانش دکتر مظلومی بود؛ در کنار آن اعتقاد، باورمندی، اخلاق و تواضع، دانش او در حوزه علوم اسلامی، مسلط بر معقول و منقول بود؛ در حوزه فناوری با فضای جدید و با فناوری کاملاً آشنا بودند و به جهت تسلط بر زبان‌های مختلف، با فضای دنیای





امروز، با پیشرفت‌های تکنولوژی و جریان‌های فکری موجود در دنیا کاملاً آشنا بودند و همه این‌ها از ایشان شخصیتی را ساخته بود که هم در عرصه مدیریت و هم در حوزه پژوهش، گام‌های مؤثری را برداشتند.

امیدوارم که بتوانیم در مرکز تحقیقات کامپیوتری به شکل مفید و مؤثری دنبال کننده راه و اهدافی باشیم که جناب آقای دکتر مظلومی از بانیان و طراحان آن بودند و بتوانیم این راه را که صدقه جاریه آن عزیز از دست رفته است، با قوت و شکل مناسبی ادامه دهیم.







## خادم القرآن



حجت الاسلام والمسلمین عزت الله مرتضایی<sup>۱</sup>

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ<sup>۲</sup>

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران      کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
با ساریان بگویند احوال آب چشمم      تا بر شتر نبندد محمل به روز باران  
بنده در حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق (علیه السلام) و مرکز تحقیقات کامپیوتری  
علوم اسلامی (نور) توفیق شاگردی و همکاری با حجت الاسلام و المسلمین دکتر حاج  
سید جواد مظلومی را داشتم. به یاد ایشان، شرح حال کوتاهی بر قلم روان گشت تا  
تسکینی بر آلام دل خونینم باشد. حسرت عیادت ایشان در روزگار بیماری به دل ماند،  
ولی خبر تدفین در حرم بی بی معصومه (سلام الله علیها) مرهمی بر ریش دلم شد.  
مطالب در دو بخش زیر به صورت دسته بندی ارائه می شود.

### الف) مدرسه امام صادق (علیه السلام)

شهریور ماه سال ۱۳۶۶ بود. در مدرسه امام صادق (علیه السلام) سید جوانی که  
معلوم بود تازه معمم شده، نظرم را جلب کرد. وقتی پرس و جو کردم گفتند: او معاون  
مدرسه و یکی از استادان ادبیات و منطق جناب حجت الاسلام و المسلمین سید جواد  
مظلومی زنجانی است.

### استاد ادبیات عربی

سال اول کتاب «عوامل فی النحو و صمدیه» را نزد ایشان خواندم. علاوه بر تسلط بر

۱ - مدیر گروه قرآن مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲ - سوره الرحمن آیه ۲۶ و ۲۷





ادبیات و منطق، نظم، دقت و ادب ایشان نیز بسیار مشهود بود. از ویژگی‌های بارز وی در کلاس این بود که طلاب را در بحث مشارکت می‌داد. این شیوه منحصر به فرد برای بنده خیلی جالب بود. با این شیوه، طلابی که قدرت استدلال داشتند را پرورش می‌داد. یک موضوع را مطرح می‌کرد و نظرات طلاب را می‌پرسید. وقتی یکی نظر می‌داد از دیگران می‌خواست، آن نظر را نقد کرده و دلیل اقامه کنند. بعد، از آن شخص می‌خواست، جواب آنها را بدهد. این رد و قبول، گاهی بارها تکرار می‌شد و باعث رشد قدرت نقد و نظر طلاب می‌گردید.

### استاد منطق

سال دوم کتاب «المنطق مظفر» را نزد ایشان خواندم. ایشان به منطق نیز بسیار مسلط بود. از ویژگی‌های دیگر ایشان استفاده زیاد از تخته سیاه بود. خط بسیار زیبایی داشت و از این هنر خود به خوبی در آموزش و انتقال مباحث استفاده می‌کرد.

### استاد کلام

سال سوم همزمان با خواندن کتاب «شرح باب حادی عشر»، در مدرسه، به ایشان پیشنهاد دادیم «شرح تجرید» علامه حلی را در روزهای تعطیل پنجشنبه و جمعه برای جمعی از دوستان تدریس کند؛ زیرا متوجه شدیم ایشان از شاگردان علوم عقلی اساتید بنام آیت‌الله حسن زاده آملی و جوادی آملی است. وی با آغوش باز قبول کرد. شرح تجرید را به صورت تطبیقی با کلام جدید برایمان تدریس کرد. چنین شیوه‌ای در آن زمان مرسوم نبود و از ویژگی‌های تدریس ایشان به شمار می‌آمد.

### حساسیت به بیت‌المال و حق الناس

ایشان در آغاز طلبگی رعایت حقوق بیت‌المال و مردم را به شکل عملی به من آموخت و نشان داد. یکی از خاطرات بنده با ایشان در مدرسه امام صادق (علیه‌السلام) این بود که حقیر نیاز به منگنه داشتم. خدمت ایشان رفتم و منگنه دفتر مدرسه را امانت گرفتم. ایشان آن را بدون سوزن منگنه به من تحویل داد. وقتی کارم را انجام دادم و منگنه را به ایشان تحویل دادم، تعدادی سوزن منگنه داخل آن بود. من آن سوزن‌ها را بیرون نیاوردم، چون کم ارزش بود. ایشان فوری منگنه را بررسی کرد و چند عدد سوزن منگنه





که جا مانده بود را برگرداند. برای من خیلی عجیب بود که مگر ارزش اینها چقدر است؟ ولی ایشان اهل رعایت و دقت بود. دقت ایشان دو سویه بود. یکی رعایت بیت المال، چون منگنه را بدون سوزن به من داد. دوم رعایت حق الناس، چون چند سوزن منگنه را به من برگرداند.

وی همچنین چندین سال مسئول خرید کتاب از نمایشگاه کتاب تهران بود. هزینه خرید کتاب با ایشان بود. خرید کتابها و فاکتورها را با دقت و حوصله طوری حساب می کرد که یک ریال کم و زیاد نمی شد.

### فعالیتها در مرکز نور

معاونت تحقیقات مرکز نور در سال ۱۳۷۲ آزمون موضوع برداری برگزار کرد. مسئول این آزمون که در مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام) آیت الله مکارم شیرازی برگزار شد، استاد مظلومی بود. بنده توفیق داشتم خدمت ایشان موضوع برداری را آموزش ببینم و در آن آزمون شرکت کنم و قبول شوم.

پس از چندی جناب حجت الاسلام و المسلمین مظلومی، معاون تحقیقات و جناب ثقفیان قائم مقام شد. معاونت تحقیقات با آمدن ایشان متحول شد. بخش قرآن که تازه تأسیس شده بود و کمتر دیده می شد با عنایت ایشان که علاقه وافری به قرآن داشت، بسیار فعال شد و گسترش زیادی پیدا کرد.

اینک برای نمونه به برخی از برنامه های نرم افزاری که در زمان تصدی مسئولیت معاونت تحقیقات و بخش حدیث توسط ایشان آغاز شد اشاره می شود که جزء کارنامه تحقیقات فناوری آن مرحوم به شمار می آید:

### نرم افزارهای قرآنی

۱. دانشنامه تفسیر صافی فیض کاشانی
۲. دانشنامه تفسیر طبری
۳. فرهنگ موضوعی تفسیر المیزان علامه طباطبایی
۴. فرهنگ موضوعی تفسیر تبیان شیخ طوسی
۵. نور الانوار





۶. نور الانوار ۲

**نرم افزارهای حدیثی**

۷. دانشنامه علوی ۱
۸. دانشنامه علوی ۲
۹. دانشنامه نبوی
۱۰. کتابخانه نور ۲ و ۵
۱۱. گنجینه روایات نور
۱۲. معجم موضوعی بحار الأنوار ۱
۱۳. نور الولاية

**نرم افزارهای تاریخی**

۱۴. سیره معصومان
۱۵. نور السیره ۱

**نرم افزارهای دعایی**

۱۶. نورالجنان

**نرم افزارهای فقهی**

۱۷. درختواره فقه
۱۸. نور الفقاهة ۳

**نرم افزارهای عقلی**

۱۹. نورالحکمه ۳

**نرم افزارهای رجالی**

۲۰. درایة النور ۱

**نرم افزارهای عرفانی**

۲۱. کتابخانه عرفان ۱





### معجم موضوعی

جناب مظلومی از بنیان‌گذاران اولیه شیوه معجم موضوعی بود. این شیوه تنها با اتکا به استاد مظلومی شکل گرفت، گسترش یافت و مرکز نور را برجسته کرد. همگان معجم موضوعی و مظلومی را لازم و ملزوم می‌دانستند. این شیوه پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین شیوه پژوهشی در جهان علم به شمار می‌آید. مرکز نور به برکت ذهن فعال و ذوق سرشار پژوهشگران بنامی چون جناب آقای مظلومی از آن بهرمند شد. زمانی که آقای مظلومی معاون تحقیقات شد، شیوه معجم موضوعی با حمایت جدی وی در همه بخش‌های معاونت تحقیقات ساری و جاری شد. کلیه بخش‌ها موظف شدند برنامه‌های معاجم موضوعی را در دستور پژوهش خود قرار دهند.

### تحلیل تحقیقاتی

از ویژگی‌های ایشان در زمینه تحقیقات کامپیوتری، تسلط کامل به عرصه فناوری اطلاعات و شیوه‌های پژوهشی و آگاهی از علوم اسلامی بود. ایشان در ادبیات، منطق، فقه، اصول، حدیث، تفسیر، فلسفه، کلام و حکمت تبحر داشت. وی همچنین بر شیوه‌های پژوهشی اطلاع‌رسانی کتابخانه‌ای، دانشنامه‌ای، درختواره‌ای و فرهنگ موضوعی تسلط داشت.

ایشان در تحلیل پژوهشی طرح‌های معاونت تحقیقات، بسیار قوی و توانمند بود به طوری که همگان به تبحر ایشان اذعان داشتند. در مناظرات علمی و تحقیقی کمتر کسی به پای ایشان می‌رسید.

### خادم القرآن

ایشان موفق به اخذ عنوان خادم القرآن شدند. دانشنامه نورالجنان در نهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم تهران ۱۳۸۰/۸/۳۰ موفق به اخذ جایزه فاخر خادم القرآن از دست رئیس جمهور وقت شد. لوح این جایزه به نام حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جواد مظلومی معاون پژوهش وقت صادر گردید و اکنون در موزه جوایز مرکز





نگهداری می‌شود.

### مسئولیت‌ها در مرکز نور

ایشان از آغاز ورود به مرکز نور تا آخر حیاتشان در سمت‌ها و پست‌های مختلفی دارای مسئولیت بود که بدین شرح هستند:

پژوهشگر علوم عقلی، قائم مقام معاونت تحقیقات، معاون تحقیقات، مسئول گروه حدیث، مشاور علمی ریاست مرکز، و عضو هیئت امنای مرکز نور.

### اخلاق

حجت الاسلام مظلومی فضایل اخلاقی زیادی داشت. بسیار متواضع و مؤدب بود. با اینکه استاد بنده در حوزه بود و در تحقیق حق استادی بر من داشت، ولی زمانی که من مدیر گروه قرآن شدم و ایشان مدیر گروه حدیث بود، هیچگاه احساس نکردم خودش را برتر از من می‌داند.

از دیگر فضایل ایشان سریع البكاء بودن و گریه بود. او اهل گریستن بود. در مراسم عزاداری فوری متأثر می‌شد. یکبار حقیر توفیق داشتم در مراسم فاطمیه مرکز، منبر رفته بودم. ایشان با تواضعی که داشت وسط مجلس نشست و به محض اینکه روضه خواندم، بلند بلند گریه کرد. چنان گریست که حقیر را بر روی منبر منقلب کرد و من از گریه جناب مظلومی بر منبر گریستم.

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی ایشان، رعایت حقوق معنوی خلاقیت‌های علمی و تحقیقی پژوهشگران بود. متأسفانه امروزه این فضیلت فراموش شده است و مدیران و رؤسای مراکز و گروه‌های علمی به دلیل کم‌فرستی و کم‌کاری، آثار علمی همکاران خود را با زیرکی و لطایف الحیل به نام خود ثبت و ضبط می‌کنند و آن را جزء کارنامه علمی خود برمی‌شمارند. استاد مظلومی این ویژگی را با شهامت کامل از خود بروز داد و برگ زرینی در کارنامه خود به یادگار گذاشت.

خاطره دیگر اینکه بنده به درخواست ریاست مرکز، دکتر شهریار، کلیه نرم‌افزارهای قرآنی مراکز قرآنی جهان اسلام را معرفی کردم. گزارش را به ایشان (که معاون تحقیقات بود) تحویل دادم. وی ید طولایی در برجسته‌سازی آمار و ارقام داشت. از این رو پیرامون





آن گزارش‌ها کار بزرگی کرد و آن را بسیار برجسته نمود و به نام حقیر به ریاست مرکز تحویل داد و از ذکر نام خودش چشم‌پوشی کرد، تا بنده را در دیدگاه ریاست مرکز، بزرگ جلوه دهد. همین‌طور هم شد. ریاست مرکز برای آن گزارش تشویق ویژه‌ای برای من در نظر گرفت.

خداوند او را متعالی بگرداند. عاش سعیداً و حشر سعیداً. خوب زیست و خوب محشور خواهد شد. طوبی له و حسن مآب.







## مبتکر پژوهشی



جناب آقای محسن مسچی<sup>۱</sup>

سوابق آشنایی بنده با این شخصیت بزرگوار از سال‌های دهه شصت در مدرسه امام صادق (علیه السلام) قم است که ما به آن مدرسه رفت و آمد داشتیم و دوستان مشترکی داشتیم که باعث ارتباط ما با شخصیت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین مظلومی شد. ایشان در آن سال‌ها در مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) مشغول درس و بحث بود و از همان زمان یکی از طلبه‌های کوشا در امر تحصیل بودند. ارتباطات وسیع‌تر و عمیق‌تر ما با ایشان مربوط به زمانی است که من به مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری رفتم. در سال ۱۳۷۶ یا ۱۳۷۷ بود که ایشان در سمت معاون تحقیقات و پژوهش بودند و بنده هم مسئولیت معاونت ارتباطات بین الملل را داشتم و این ارتباط و همکاری ۱۲ سال به صورت مستمر ادامه داشت و تا کنون بیش از ۳۰ سال بود که دوستی و ارتباط ما ادامه داشت.

ما سفرهای زیادی با هم رفتیم، سفر به امارات، سوریه، عراق، مشهد مقدس و بعضی از مناطق دیگر که طی آن شناخت عمیق و ارتباط وسیعی بین بنده و ایشان و حتی خانواده‌ها ایجاد شد که منجر به شناخت دقیق‌تری از منش و روش زندگی ایشان گردید. اگر بخواهم شخصیت ایشان را تعریف کنم، می‌توانم عرض کنم که ایشان یک مبلغ راستین، به تمام معنا بود؛ آنچه که آیه شریفه قرآن می‌فرماید «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»<sup>۲</sup>، ایشان واقعاً در همین مسیر

۱ - معاون امور ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب  
۲ - سوره احزاب آیه ۳۹





تبلیغ و رسالت الهی که می‌کردند، واقعاً از همه جهات یک مبلغ و مدرس و محقق بسیار موفق بودند.

من با تیمن و تبرک از پنج تن آل عبا و پنج تن طيبة آل کسا پنج خصوصیت ویژه را که به اعتقاد من از خصوصیات بارز مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین مظلومی است، به عنوان خصوصیات ویژه ایشان عرض می‌کنم:

اولین خصوصیتی که از ایشان سراغ دارم، اینکه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مظلومی یک مبتکر پژوهشی بود، یک مبتکر امور تحقیقاتی و علمی بود. در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بسیاری از کارها و برکاتی که امروزه هم جاری و ساری است، به برکت حضور شخصیت او شکل گرفت؛ کارهایی همچون معجم‌های لفظی، معجم‌های موضوعی، کتابخانه‌ای و... گمان می‌کنم که مسیر و خط تولیدی را که در این مرکز در طول سال‌های سال جاری بود، جناب حاج آقای مظلومی در تأسیس آن نقش اول یا نقش تأثیرگذار را داشت.

این مسیر علمی و تحقیقاتی طبیعتاً در زندگی ایشان، در حرکات و سکنات ایشان کاملاً مشهود و هویدا بود و منجر به ایجاد یک شخصیتی شد که دارای سواد رسانه‌ای کافی بود، و خدمات گسترده‌ای را در همین موضوع و همین زمینه، یعنی فضای الکترونیک، فضای کامپیوتر و فضای مجازی به کشور ارائه کردند؛ با برنامه‌های مفصلی که داشتند و عضویت مؤثر و تأثیرگذار در مجامعی مانند مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شورای عالی فضای مجازی یا شورای فناوری مؤسسه نشر آثار حضرت امام (ره) یا کمیته فضای رسانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایشان واقعاً نقش مؤثر و تأثیرگذاری را داشت. نکته دوم، اینکه بسیار عمیق فکر می‌کردند؛ اگر به موضوعی می‌پرداختند به دقت و ظرافت همه جوانب آن موضوع را تحت نظر و اشراف فکری خودشان داشتند. کاملاً آن جوانب را بررسی می‌کردند و برای هر موضوع و هر فرعی پاسخ مقتضی خود را داشتند. گذشته از موضوع تعمق ایشان، درباره بحث‌های تحقیقاتی، ایشان مانند یک معلم بودند؛ روحیه تدریس، روحیه القاء مطالب علمی به صورت صحیح به مخاطب، یکی از ویژگی‌های ایشان با زبان و لسان مخصوص خودشان بود؛ بسیار هم در این زمینه موفق بودند.





به خاطر دارم که در سفری به همراه خانواده به سوریه برای زیارت بارگاه مقدس حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) با ایشان همسفر بودیم. آنجا حضرت آیت الله حسینی به عنوان نماینده مقام معظم رهبری تشریف داشتند. بعد از اینکه متوجه شدند ما آنجا هستیم، درخواست کردند یک دوره آموزش نرم افزارهای اسلامی را برای طلبه‌ها برگزار کنیم. من از حجت الاسلام والمسلمین مظلومی درخواست کردم که اگر برای شما زحمت نیست، این امر را عهده‌دار باشید، ایشان هم با آغوش باز پذیرفتند و به سرعت این موضوع را سامان دادند؛ کلاس‌هایی هم برای خواهران طلبه و هم برای برادران ترتیب داده شد و چند جلسه‌ای این بحث و این گفتمان را با عزیزان طلبه داشتند.

بعد از پایان این کلاس‌ها، بلااستثنا افرادی که شرکت کرده بودند و مسئولان مربوطه در دفتر مقام معظم رهبری در سوریه، از اجرای این کلاس و برنامه‌هایی که مرحوم آقای مظلومی در آن جلسات داشتند بسیار سپاسگزار بودند و بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بودند.

نکته سوم درباره حاج آقای مظلومی آنچه که بنده یافتم انضباط ظاهری و باطنی و فکری بود. هم ظاهری بسیار خوش‌پوش، منظم و مرتب داشتند و هم با انضباط عملی و عملیاتی و مدیریتی و برخورداری از انضباط فکری، منحصر به فرد بودن ایشان مشخص می‌شد. ایشان دارای یک مهندسی فکری بود، هر موقع مبحث و جریان و نکته‌ای را مطرح می‌کرد، کاملاً مهندسی‌شده و با دقت و ظرافت بود.

در موضوع انضباط ایشان به موضوعی مانند انضباط اداری نقب می‌زنم؛ ما سفری را خدمت ایشان بودیم، با اینکه ایشان نسبت به بنده از هر جهت در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مقدم بودند، اما چون در آن سفر بنده به عنوان مدیر سفر مطرح بودم، خاطرم هست که نسبت به کوچکترین کار و برنامه‌ای که می‌خواستند انجام دهند حتماً اذن می‌گرفتند.

مسأله دیگری که چهارمین ویژگی مرحوم حاج آقای مظلومی می‌دانم، مراتب اخلاقی ایشان است؛ بسیار خوش‌محضر بودند؛ بسیار ادب حضور داشتند؛ ادب گفت‌وگو، ادب احترام به مخالف، حتی در بیان نظرات خودشان بسیار دقت می‌کردند که موجب رنجش خاطر طرف مقابل نشوند؛ اگر مسئله‌ای را اصلاً قبول هم نداشتند، با دقت و ظرافت





سعی می کردند که مطلب را آنچنان شیرین تبیین کنند که طرف مقابل به راحتی و به دقت بتواند آن را درک کند و بپذیرد.

به هیچ وجه در پی نفی و طرد و تندگویی نسبت به دیگران نبودند و پرهیز از مطرح شدن داشتند، پرهیز از گزافه گویی داشتند، هیچ وقت بیش از آنچه بودند، خود را مطرح نکردند. یک زندگی ساده، مراتب واقعاً اخلاقی و وقار و فروتنی خاصی داشتند که مختص خودشان بود.

ویژگی چهارم تواضع و فروتنی ایشان است. در طول این سال ها هیچ موقع از ایشان تکبر ندیدم. ایشان دارای شخصیت و عنوان و جایگاهی در کشور ما بودند، اما بسیار خاکی و خودمانی رفتار می کردند؛ به خصوص نسبت به جانبازان انقلاب اسلامی و ایثارگران تواضع و فروتنی بیش از حد داشتند.

این سید دانشمند در بدو ورود که به استقبال جانبازان می رفتند، خم می شدند و دست این عزیزان را می بوسیدند، به جانبازان احترام و تواضع و محبت می کردند و با این محبت و مراتب اخلاقی، دل های بی شماری را به سوی خودشان جذب کرده بودند و واقعاً از مسیر اخلاق به بسیاری از مراتب انسانی و الهی رسیده بودند و این خصوصیت یکی از ویژگی های بارز مرحوم حاج آقای مظلومی بود.

و نکته پنجم؛ یک مبلغ موفق، یک مبلغ شایسته و شاخص در امر دین بودند. در امر تبیین احکام الهی از بهترین لسان، لسان خوش، زبان نرم کمک می گرفتند و از فن سخنوری، فن بیان، لطافت گفتار و شیرینی سخن بهره مند بودند.

مجموعه این خصوصیات و آشنایی به علوم روز، آشنایی و دانش کافی نسبت به مسائل اجتماعی، علم ارتباطات، ارتباطات مردمی و نحوه سخن گفتن با مخاطب، از ایشان چهره یک مبلغ شایسته بین المللی را ساخته بود.

در جلسات بسیار زیادی که در مرکز داشتیم، گروه های زیادی برای بازدید می آمدند؛ این گروه ها از اقشار مختلف علمی، فکری و فرهنگی و از اقوام مختلف، از مذاهب مختلف بودند. زمانی که حاج آقای مظلومی را برای مدیریت این گروه ها یا سخنوری در این گروه ها می فرستادیم، واقعاً خیالمان راحت بود که به بهترین بیان و بهترین وجه، مجموعه را متقاعد می کنند. بر منطق گفت و گو کاملاً مسلط بودند، بر منطق ارتباطات





کاملاً تسلط داشتند؛ منطق تبلیغ را کاملاً مسلط بودند؛ ادب جلسات را کاملاً رعایت می کردند.

در آن جلساتی که برگزار می شد، ممکن بود از عقاید مختلفی حضور داشته باشند، اما ایشان احترام همه آن ها را رعایت می کردند و آنچنان شیرین و زیبا هر حرفی را بیان می داشتند که همه را در پایان یک جلسه یکی دو ساعته به خودشان جذب می کردند. در پایان دو نکته را بیان می کنم:

نکته اول؛ اگر بخواهم یک مصداق واقعی و عینی از وحدت حوزه و دانشگاه را مطرح کنم، شخصیت جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر مظلومی هم عمق حوزوی داشت و هم نظم دانشگاهی داشت. ان شاء الله این دو بتواند خوب به هم پیوند بخورد تا شخصیت هایی مانند مرحوم آقای مظلومی را بیشتر داشته باشیم، اما من مصداقی برای وحدت عینی حوزه و دانشگاه مانند ایشان کمتر سراغ دارم.

نکته دوم؛ به عنایت الهی من دو سالی در محضر شهید مظلوم و بزرگوار حضرت آیت الله بهشتی رضوان الله تعالی علیه بودم، تا آخرین روزی که ایشان حیات داشتند در حزب جمهوری اسلامی و در کلاس هایی که در آن حزب و بعضی از مراکز دیگر برگزار می شد شرکت می کردم. اگر بخواهم شخصیت جناب حجت الاسلام حاج آقای مظلومی را توصیف کنم، به اعتقاد من شخصیتی در راستا و مسیری به مانند شهید بهشتی داشتند؛ یعنی آنچه که من از شهید بزرگوار حضرت آیت الله بهشتی در خاطر دارم، هر موقع آقای مظلومی را می دیدم، تداعی می شد، گویا شهید بهشتی جوانی را دیده بودم که در همان مسیر و همان گام و با همان منطق و مشی و مرام و گفتمان زندگی می کند و این مثال را می توانم برای ایشان بزنم که شهید بهشتی جوان عصر ما حاج آقای مظلومی بودند.







## مبدع شیوه پژوهشی

حجت الاسلام والمسلمین فریدون سبحانی<sup>۱</sup>

آشنایی بنده با دکتر مظلومی از سال ۷۶ وزمانی بود که وارد مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شدم؛ ایشان مسئول یکی از گروه‌های معاونت پژوهش بود تا اینکه بعد از مدتی معاون پژوهش شدند.

یکی از شیوه‌های پژوهشی که آن مرحوم برای آن تلاش بسیاری کرد و به نوعی مبدع آن بود، شیوه فرهنگ موضوعی است. به این شکل که متنی را از یک کتاب انتخاب می‌کنید، این متن را خلاصه نویسی می‌کنید، بعد از خلاصه، نمایه می‌زنید؛ تقریباً اولین کسی که سعی داشت این شیوه را در پژوهش‌های مرکز عملی کند، جناب آقای دکتر مظلومی بود.

در آن سال‌ها چند نفر از دوستان دانشگاهی همچون آقای دکتر دهقان که متخصص نمایه‌زنی و کتابداری بودند به دفتر تبلیغات تشریف می‌آوردند و هفته‌ای دو روز گاهی اوقات بیشتر، جلسه‌های آموزشی نمایه‌زنی داشتند که آقای مظلومی هم جزء اولین کسانی بود که از طرف مرکز در این جلسات شرکت می‌کرد. با آن تجربه‌ای که آنجا کسب کرده بود، در واقع این شیوه معجم موضوعی و فرهنگ موضوعی را در مرکز با وسواس خاص خود دنبال کرد؛ یکی از تولیدات آن زمان، فرهنگ موضوعی علوم عقلی و آثار مرحوم ملا صدرا ی شیرازی بود.

ایشان به قدری در این شیوه و پیگیری این شیوه متبحر بود که تقریباً این نرم‌افزارهای

۱ - مدیر گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





فرهنگ موضوعی بدون حضور ایشان خود را نشان نمی داد؛ همیشه گفته می شد که نام آقای مظلومی باید به این نرم افزارها ضمیمه شود تا مخاطب بتواند ارزش و جایگاه آن کار علمی و پژوهشی را درک کند.

آن مرحوم ذهن کنکاشی داشت؛ هم در مسائل عقلی و هم در مسائل روایی و حدیثی، این ذهن کنکاش ایده های جالبی ارائه می داد. این رویه به واسطه مسئولیت ایشان در معاونت پژوهش در گروه فقه هم جاری بود، بنابراین هم در علوم عقلی و هم در مباحث فقهی و هم در مباحث حدیثی، معجم های موضوعی پژوهشی محوریت داشت. به دلیل مسئولیت ایشان در معاونت، تقریباً در اکثر گروه های علمی معاونت پژوهش این شیوه گسترش یافت. حتی یکی از ناظران قوی این شیوه خود ایشان بود و تا نرم افزارها به تأیید علمی ایشان نمی رسید، به طور طبیعی تولید نمی شد. خصوصیت کنکاش ذهنی او سبب می شد که در شیوه های پژوهشی به کم قانع نشود، لذا این شیوه به مرور زمان مراحل تکمیلی خود را زیر نظر ایشان طی کرد.

از لحاظ خصوصیات کاری وسواس خاصی روی اتقان کار داشت، کسانی که با ایشان کار کرده اند این وسواس خاص را درک کرده اند. گاهی این وسواس به اندازه ای بود که برخی کم حوصله می شدند، ولی بعد از پایان کار همه به این نتیجه می رسیدند که آن وسواس نیاز بوده است. تا زمانی که ایشان معاون پژوهش بود، تقریباً همه به دلیل وجود آقای مظلومی از اتقان فعالیت های پژوهشی اطمینان خاطر داشتند.

ایشان فعالیت های دیگری هم داشتند که از جمله می توان به شرکت در نمایشگاه های خارج از کشور اشاره کرد که محصولات مرکز را ارائه می داد و نیاز به توضیح محصولات و شیوه های تولید داشت.

یکی از سفرها نمایشگاه جی تکس دبی بود که ایشان را همراهی کردم. از آنجایی که ایشان سابقه چند سفر را داشت، هم شیعیان و هم کاربران غیر شیعه که با نرم افزارهای مرکز آشنا بودند، همواره سراغ او را می گرفتند. به واسطه تسلط به زبان انگلیسی یا عربی، گاهی اوقات حتی، فقدان ایشان در نمایشگاه برای معرفی محصولات، نقیصه ای محسوب می شد. همچنین در نمایشگاه هایی که در کشورهای اروپایی برگزار می شد،





ایشان نقش فعالی داشت و اساساً گاهی اوقات غرفه مرکز به نام ایشان شناخته می‌شد. در واقع، دیگران وجود غرفه و قوام غرفه را در شخصیت ایشان می‌دیدند.

بنابراین ذهن فعال او از ایشان یک فرد پر تلاش ساخته بود، فردی که می‌توان گفت آرام نداشت و فعالیت‌های کاری خود را از صبح زود شروع می‌کرد و تا پاسی از شب، ادامه می‌داد. این شخصیت تلاشگر همیشه به دقت و اتقان محصول هم فکر می‌کرد و می‌توان ادعا کرد که این مجاهدت و دقت نظر از او یک فرد کم نظیر ساخته بود.

از لحاظ خصوصیات اخلاقی و شخصی، مسئولیت‌ها در شخصیت ایشان اثر نکرده بود و جایگاه خود را بالاتر نمی‌دانست؛ به همین دلیل تقریباً اکثر دوستان با ایشان مأنوس بودند؛ این روحیه که شما تکبر نداشته باشی و خودت باشی، خیلی‌ها را به خود جذب می‌کند و ایشان بخشی از مشکلات را با این روحیه حل می‌کرد. گاهی اوقات بین دو همکار، دو معاون و دو مسئول گروه، اختلافات جزئی پیش می‌آمد، که فوری سراغ ایشان می‌رفتند و به واسطه این روحیه می‌توانستند مشکلات را حل کنند.

از لحاظ پژوهشی اگرچه مبدع یک شیوه جدید بود، اما هیچ ادعایی راجع به آن شیوه نداشت؛ یعنی نشنیدیم که ایشان خود را مبدع شیوه پژوهشی معجم موضوعی در مرکز بدانند؛ حتی در خیلی از کارها پشت پرده بود، یعنی سعی نمی‌کرد خودش جلو باشد و این کار را به نام خود تمام کند؛ او حتی در طرح و برنامه مرکز نقش اساسی داشت؛ در جذب بودجه برای مرکز نقش اساسی داشت؛ در توجیه رده‌های بالایی برای تصویب برنامه‌های مرکز نقش اساسی را ایفا می‌کرد؛ بنابراین ایشان ضمن فعالیت‌های پژوهشی در قوام مرکز و جذب بودجه و همچنین توجیه طرح‌ها و برنامه نقش اساسی داشت و بعدها هم که عضو هیأت امنای مرکز شد، به طور طبیعی با آن سابقه‌ای که در مرکز داشت و اطلاعات و حیطه‌ای که به فعالیت‌های مرکز داشت، وجود ایشان در هیأت امنای ما مغتنم بود.

با وجود همه این‌ها اگر در جایگاه یک نیروی غیرمسئول وارد فعالیتی می‌شد، این روحیه را داشت که نسبت به مسئول آن پروژه یا مسئول آن برنامه کاملاً تبعیت داشته باشد. در این رابطه، ایشان تا سال‌ها مسئول اجرای نمایشگاه خارج از کشور، یعنی





فعالیت‌های خارجی آن‌ها بود، اما بعدها یکی از دوستان مسئولیت را به عهده گرفت، ولی باز ایشان را مأمور می‌کردند که در آن نمایشگاه‌ها شرکت کند، آنجا حس کردم و دیدم که با وجود تجربه زیاد و با وجود آن نقش مؤثر پشت پرده‌اش، اما کاملاً مطیع آن فرد جدید بود. با اینکه همه ما می‌دانستیم که هم تجربه‌اش و هم تأثیر خودشان بیشتر است.

ان شاء الله که خداوند زمینه تربیت افرادی امثال این شخصیت را فراهم کند و فقدان ایشان را جبران نماید.







## عرضه نرم افزاری علوم اسلامی



حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبر راشدی نیا<sup>۱</sup>

آشنائی بنده با مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای سید جواد مظلومی به سال ۱۳۷۹ برمی گردد. در آن سال ها ایشان معاون تحقیقات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور بودند و بنده هم در سمت محقق علوم عقلی وارد این مرکز شده بودم. دقت نظر و تسلط بر علوم اسلامی در کنار آشنایی بر فناوری و پایبند بودن به اخلاق حسنه، از ایشان شخصیتی ممتاز و قابل احترام ساخته بود. ما در طول این دو دهه چه در سال هایی که در مرکز نور همکارمان بودند و چه سال هایی که در مقام هیئت امنای مرکز نور مشغول بودند و چه در مدتی که در مجمع جهانی تقریب مذاهب همکاری می کردیم، در همه حال از ایشان ادب، خوش رویی در عین حال صراحت لهجه را می آموختیم.

از فعالیت های ماندگار جناب حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای مظلومی، کارهایی است که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی انجام دادند. ایشان قریب به سه دهه در این مرکز مشغول به فعالیت بودند. آقای مظلومی سال ۱۳۷۰ به به عنوان محقق علوم عقلی وارد مرکز شدند. فعالیت های آغازین ایشان بر روی تحلیل موضوعی متون فلسفی بود. تقریباً تا آن زمان شیوه ای برای تحلیل متون علمی اسلامی و الکترونیکی کردن آن ارائه نشده بود.

آقای مظلومی با جمعی محدود از دوستان مرکز نور و با کمک اساتید مطرح رشته کتابداری و اطلاع رسانی، همچون مرحوم آقای دکتر عباس حری، شیوه های تحلیل

۱ - رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی و معاون پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





محتوا را مورد بررسی قرار دادند و شیوه‌ای نوین در تحلیل و اطلاع‌رسانی متون اسلامی را پایه‌گذاری کردند که در مرکز به نام تحلیل موضوعی یا معجم واژگان موضوعی معروف شد.

در این شیوه متون اصلی هر یک از علوم اسلامی به صورت لایه به لایه مورد تحلیل قرار می‌گرفت و ابتدا محتوای پیوسته هر یک از منابع به مجموعه‌ای از جملات با مفهوم مستقل و خالی از پیچیدگی متن تبدیل می‌شد که از آنها به «موضوع» یاد می‌شد و سپس از این جملات نمایه‌های ترکیبی استخراج شده و در نهایت هر یک از نمایه‌ها به اجزائی بسیط‌تر تبدیل می‌شد که از آن به کلیدواژه یاد می‌شود. خود کلیدواژگان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت و واژگان مترادف در هم ادغام شده و واژگان مشترک از هم تمیز داده می‌شد؛ همچنین، واژگانی که به نحوی می‌توانستند با هم مرتبط باشند هم مشخص می‌شدند.

نتیجه کار این بود که پژوهشگران متون اسلامی به راحتی می‌توانستند به موضوعات مورد نظر خود در بین متون پیچیده‌ای همچون کتاب شفا بوعلی سینا، شرح اشارات، اسفار ملاصدرا و دیگر متون اسلامی دست یابند.

مرحوم آقای مظلومی با شناخت دقیقی که از فضای دیجیتال و ساختار متون اسلامی و پیچیدگی این متون و دشواری یافتن موضوعات و فهم آنها داشت، به سمت چنین شیوه‌ای حرکت کرد و خود علاوه بر اینکه به تحلیل موضوعی بخشی از کتب فلسفی پرداخت، مدیریت تحلیل موضوعی کتاب عظیم بحار الأنوار را به عهده گرفت.

مرحوم آقای مظلومی از سال ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۸۲ در سمت معاون تحقیقات مرکز نور بر بیشتر فعالیت‌های پژوهشی مرکز نور نظارت داشتند و مدیریت کلان این پروژه‌ها به عهده ایشان بود. در این دوره، نرم‌افزارهای ارزشمندی تولید شد و با تسلط و تبحری که ایشان در عرصه پژوهشی و فنی داشتند مرکز نور گامی بزرگ برداشت و توانست برنامه‌های خود را از فضای Dos به فضای Windows ببرد و آثاری کم‌نظیر تولید کند که این کار مرهون تلاش‌های بی‌وقفه و تحلیل و طراحی نرم‌افزارها با قابلیت‌های فراوان و مدیریت ایشان بود.





نرم افزارهای نور ۲ و ۵ (جامع منابع حدیثی شیعه) توسط او و با زحمات فراوانی که کشیدند تولید شد؛ تحلیل و طراحی نرم افزار معاجم موضوعی با همه پیچیدگی که داشت توسط دکتر مظلومی طراحی و موضوعات و منابع حکمی برای اولین بار با عنوان نورالحکمه ۳ تولید شد. کتابخانه استاندارد نور با زحمات بسیار ایشان طراحی گردید که بیش از ده سال طول کشید تا همراه با به روزرسانی و تکمیل بستر به عرضه تمامی کتابخانه‌های مرکز تحقیقات کامپیوتری برسد.

جناب حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای مظلومی از سال ۸۳ تا سال ۸۷ بر روی فعالیت‌های حدیثی متمرکز شدند و توانستند با کمک همکارانشان کارهای بسیار ارزشمندی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارائه دهند. یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند این دوره، تولید نرم افزار «منهج النور» است که در حوزه پژوهش‌های پیرامون نهج البلاغه مهم‌ترین و غنی‌ترین ابزار پژوهشی به حساب می‌آید. این نرم افزار به خاطر قابلیت‌هایی که دارد، در نخستین دوره معرفی کتاب الکترونیکی سال حائز رتبه ممتاز در گروه دین شد و همچنین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به کسب عنوان خادم القرآن مفتخر گردید.

در دوره مدیریت جناب آقای مظلومی در گروه حدیث، فعالیت‌های پژوهشی ارزشمندی بر روی کتاب الغدير انجام گرفت که محصول آن دسته‌بندی موضوعی محتوای کتاب الغدير و عرضه آن در پایگاه امام علی (علیه السلام) است.

مرحوم آقای مظلومی از سال ۱۳۸۸ به بعد اگرچه به ظاهر مسئولیتی در مرکز تحقیقات کامپیوتری نداشتند، اما در همه این سال‌ها که مدتی مشاور ریاست مرکز و بعدها عضو هیئت امنای مرکز بودند، به عنوان یکی از دلسوزترین افراد برنامه‌ها و فعالیت‌های مرکز را رصد می‌کردند و نسبت به توفیقات مرکز حساس بودند و در همه جلسات هیئت امنای به عنوان یکی از فعال‌ترین اشخاص، دغدغه‌های خود را مطرح و آنها را پیگیری می‌کردند.

در طول این دو دهه همکاری که با جناب مرحوم آقای مظلومی داشتم علاوه بر آنچه از تخصص و دانش وی یاد گرفتم، همیشه اخلاق پسندیده وی برای بنده الگو





بوده است؛ خوشرویی، ادب، تواضع در عین صراحت لهجه، تیزی و دقت همه از ویژگی‌هایی بود که جناب آقای سید جواد مظلومی را از دوستان دیگر ما متمایز می‌کرد. از خداوند منان می‌خواهم این سید بزرگوار را در کنار اجداد طاهرینش جای دهد و ما را از شفاعت وی بی‌نصیب نکند.







## اندیشه بلند

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی<sup>۱</sup>

مرحوم سید جواد مظلومی در حوزه خدمات قرآنی و مذهبی، خادم کشوری قرآن کریم بود به طوری که در دوره‌ای ایشان لوح خادم قرآنی را از دست رئیس جمهور وقت دریافت کردند. آن‌هایی که در وادی قرآن قدم بر می‌دارند، می‌دانند که گرفتن چنین رتبه‌ای تلاش فراوان در زمینه قرآن را می‌طلبد و ایشان توانسته بودند این رتبه‌ها را طی کنند و خادم قرآن شوند.

زمانی که در مرکز کامپیوتری علوم اسلامی، بحث نرم‌افزارهای قرآنی بود با ایشان جلسات متعددی داشتیم؛ می‌دیدم که ایشان واقعاً با قاطعیت مطالب خود را بیان می‌کند. ایشان در مباحثی که در زمینه انفورماتیک و مسائل سایبری قرآنی مطرح می‌کرد، مصر بود که این کارها باید انجام بشود. کارشناسانه صحبت می‌کرد و حرف بی‌جا نمی‌زد؛ حتماً همه جوانب را بررسی می‌کرد و همین باعث شده بود که دوستان دیگر روی نظر ایشان عنایت ویژه‌ای داشته باشند.

در جلساتی که شرکت می‌نمود و نظر خود را مطرح می‌کرد، کاملاً از نظر خویش دفاع و حرف خود را مجدانه پیگیری می‌کرد.

بسیاری از اوقات نظر ما با نظر ایشان متفاوت بود، اما در نهایت به این نتیجه می‌رسیدیم که نظر ایشان هم خالی از صواب و دور از تعقل و تدبیر نیست؛ همواره نظر ایشان برخاسته از فکر و اندیشه بود.

۱ - مدیر مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان





ایشان زیاد برنامه‌ریزی می‌کرد؛ هم در وادی حج، هم در بخش مدیریت شخصی و هم در بخش خدمات قرآنی و مذهبی با برنامه‌ریزی جلو می‌رفت و حرفی را که مطرح می‌کرد مطمئناً بر خاسته از یک ایده و اندیشه بود.

مطالبی که در وادی علوم قرآنی و مذهبی ارائه می‌کرد با دسته‌بندی بیان می‌نمود و اگر حدیثی می‌گفت، آن حدیث را در جای خود و در دسته‌بندی خود قرار می‌داد. به کرات می‌دیدم که مطالب و احادیثی را می‌گوید که ما بعضی از آن‌ها را از زبان کسانی دیگر شنیده بودیم، اما این دسته‌بندی که ایشان ارائه می‌داد، جای دیگری ندیده بودیم و این نشأت گرفته از اندیشه بلند ایشان بود. تسلط ایشان به زبان عربی باعث شده بود که بتواند از منابع اصلی این مطالب را بیان کند و به منابع دسته دوم و ترجمه‌ای مراجعه نکند.

مطلب دیگر درباره خدمات قرآنی و مذهبی، تولید نرم‌افزارهای بسیار غنی در زمانی است که ایشان مسئول پژوهش مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بود؛ مجموع آنها واقعاً نرم‌افزارهایی بسیار غنی محسوب می‌شود. شاید نتوانیم تصور کنیم که در آن زمان چه تنگناهایی وجود داشت و با وجود شرایط سخت، ایشان نرم‌افزارها را تولید کرد. تنگناهایی در حوزه برنامه‌نویسی، تایپ، ویرایش، کدگذاری، دسته‌بندی علوم و مباحث دیگر کامپیوتری وجود داشت و ایشان به خوبی از پس این تنگناها و این مشکلات بر آمد و این حوزه را به خوبی اداره کرد.

در بخش خدمات در حوزه حج، من بزرگترین خدمتی که از ایشان سراغ دارم، سامان‌دهی خوب به وضعیت پرونده‌ها و دسته‌بندی و جای‌گذاری روحانیون حج بود. به بخش فرهنگی حج رسیدگی کرد؛ به محصولات فرهنگی که باید به حجاج می‌رسید بسیار توجه می‌کرد.

این مرد وارسته در کنار خدمات قرآنی و در حوزه حج، علاقه وافری به اهل بیت (علیهم السلام) داشت. یک سفر با ایشان برای کنگره اربعین به کربلا رفتیم؛ در آنجا می‌دیدم که ایشان در کنار تربت و مضجع شریف قمر بنی هاشم، چگونه دل‌داده قمر بنی هاشم بود و از آن طرف می‌دیدم کنار مضجع امام حسین (علیه السلام) چقدر از خود بیخود می‌شد.





در سفرهای حج به کرات در بقیع با هم بودیم؛ ایشان یک قدم از من جلوتر بود و من پشت سرش حرکت می کردم؛ به یاد دارم که ایشان چگونه می ایستاد و زیارت جامعه را می خواند و از اهل بیت (علیهم السلام) استمداد می کرد و چگونه دل داده ائمه بقیع (علیهم السلام) بود. عشق ایشان، زیارت تربت پاک ائمه بقیع (علیهم السلام) قدم زدن در بقیع و قرار گرفتن در کنار قبر پیامبر بود.

کار کردن با آقای دکتر مظلومی خیلی آسان بود، چون ایشان به نظرات کارشناسانه توجه می کرد؛ من به مدت یک سال و چند ماه مدیر تولید محصولات فرهنگی بودم و در این یک سال و چند ماه لذت می بردم که با ایشان همکار هستم، ایشان احترام فراوانی به مدیر بالا دست خود و نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت ابراز می داشت. کاملاً مطیع نماینده ولی فقیه بود و اگر مخالفتی داشت، سعی می کرد اول نظر ایشان را اجرا کند و بعد نظر خودش را به ایشان اعلام می کرد. همچنین برای روحانیون و کارشناسان مرتبط احترام قائل بود و همه این ها ناشی از مدیریت شایسته ایشان بود.







## نگاه فناورانه



جناب آقای مهندس بهمن جهانی<sup>۱</sup>

مرحوم آقای دکتر مظلومی در حوزه فناوری اطلاعات یکی از روحانیون شاخص بودند. البته روحانیون زیادی در این حوزه وارد شده‌اند و تبحر دارند، اما تفاوت ایشان با سایر روحانیونی که اینجانب در دوره کاری خود با ایشان همکاری داشتم، در این بود که دکتر مظلومی هم اشراف به کلیات، مفاهیم، ساختارها و مبانی این رشته داشتند و هم در بعد فنی و کاربردی صاحب‌نظر بودند. این دو ویژگی موجب شده بود که تعامل با ایشان در این حوزه، نه تنها راحت‌تر بلکه آموزنده نیز باشد. در ادامه به ابعادی از شخصیت ایشان که مربوط به حوزه‌های مرتبط بود، پرداخته می‌شود.

### عضویت در شورای فناوری اطلاعات بعثه

شورای فناوری اطلاعات بعثه، قدمتی ۱۵ ساله دارد که بنده حدود ۱۳ سال از آن را دبیر شورا بوده‌ام. آقای دکتر مظلومی نیز از ابتدای حضورشان در بعثه یعنی از سال ۱۳۸۹ در جایگاه حقیقی و حقوقی، عضو این شورا بودند. با توجه به تخصص و اشرافی که در این حوزه داشتند به جرأت می‌توان گفت ایشان از ارکان این شورا که رأس تصمیم‌گیری‌های کلان فناوری اطلاعات بعثه است، به شمار می‌رفتند. به بیانی دیگر، در اواخر عمر گرانبه‌ای ایشان که توأم با بیماری بود و از حضور ایشان محروم بودیم، در جلساتی که برگزار شد، فقدان حضور ایشان کاملاً ملموس و مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها بود. یکی از ویژگی‌های حضور ایشان در جلسات، نگاه‌های متفاوت راهبردی به این حوزه

۱ - مدیر فناوری اطلاعات بعثه مقام معظم رهبری





بود. به خاطر دارم که در سال ۱۳۹۷ قرار بود یک شبکه اجتماعی رسمی در مورد حج به واسطه سازمان حج و بعثه برای اطلاع‌رسانی به حجاج انتخاب شود. به همین منظور کمیته‌ای تشکیل شد که ریاست آن را آقای دکتر مظلومی برعهده داشت و بنده نیز دبیر این کمیته بودم. اعضا نیز نمایندگان و کارشناسان فناوری اطلاعات مراکز مرتبط بودند. پس از چند جلسه بررسی، وقتی آن مرحوم در جلسه نهایی حضور یافت و از تصمیم ما مطلع شدند، تحلیل دیگری را ارائه نمودند و تصمیم‌گیری به جهت دیگری سوق داده شد که کارشناسان حاضر نیز ضمن پذیرش نگاه ایشان، تصمیم خود را تغییر دادند.

### تأثیر در فناوری اطلاعات حوزه کارگزاران فرهنگی

آقای دکتر مظلومی حدود ۱۰ سال معاون فرهنگی بعثه بودند. به همین دلیل بیشترین سامانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی بعثه در این معاونت تولید شده و توسعه یافته است و قطعاً یکی از دلایل این مسئله، حضور و اهتمام ایشان به سامانه‌سازی امور فرهنگی بود.

ایشان بر مسائل کلان فناوری اطلاعات اشراف داشتند؛ لذا این نگاه باعث شد که اکثر فرایندهای مربوط به کارگزاران فرهنگی از جمله آزمون جذب، سازماندهی، آموزش، اعزام، ارزشیابی، ارتقاء و ... در دوره ایشان به سامانه‌هایی تبدیل شوند که انجام کارها تسهیل شود و مراجعات به حداقل ممکن کاهش یابد.

عمق و وسعت نگاه ایشان به این مقوله در حدی بود که همیشه سرعت توسعه سامانه‌ها در حوزه فناوری اطلاعات عقب‌تر از درخواست‌های ایشان بود و همیشه صفی از درخواست‌های آن مرحوم در واحد فناوری اطلاعات وجود داشت.

### نگاه استراتژیک و تحولی در ساختار

چند سال پیش واحد فناوری اطلاعات بعثه، همزمان مسئولیت ساختار و وظایف سازمانی بعثه و تدوین دستورالعمل‌ها و مقررات را نیز بر عهده داشت. این مسئولیت به دلیل ویژگی‌های ماهوی خود نیاز به تعامل و مکاتبه و جلسات زیاد دارد. یکی از مسائلی که در این جلسات شاهد بودیم، درک بالا، عمق نگاه و تحول‌گرایی در مقولات سازمانی بود. البته در این موارد عمدتاً ایشان فقط در حد ضرورت و چارچوب وظایف سازمانی





اظهار نظر می نمودند.

به خاطر دارم که روزی با مسئول پروژه کارسنجی بعثه در رابطه با زمان سنجی فرایندهای معاونت فرهنگی خدمت ایشان رسیده بودیم. ایشان پس از مشاهده موارد انجام شده، بیش از ۳ ساعت به ارائه نظرات خود پرداختند و در طول آن بسیاری از مسائل و موارد را مطرح نمودند که کمتر از ایشان شنیده شده بود که نشان از دقت نظر ایشان داشت.







## فصل چهارم



### خدمات در حوزه حج و زیارت





## مدیر فاضل و تحول گرا



حجت الاسلام والمسلمین سید علی قاضی عسکر<sup>۱</sup>

درگذشت مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید جواد مظلومی، حقیقتاً برای روحانیت و برای حوزه حج و زیارت ثلمه‌ای بود.

ایشان انسان شایسته و مهذب بود، انسانی بود باتقوا، مخلص، پرکار، تلاشگر، محب اهل بیت، انقلابی و ولایی و همیشه تلاش می‌کرد که با کمترین حاشیه و هزینه بیشترین خدمت را در این حوزه انجام دهد.

خصلت‌ها و توانایی‌های ایشان هم گسترده و متنوع بود؛ اولین ویژگی ایشان فضل حوزوی و دانشگاهی ایشان بود. یکی از دوستان و همکلاسی‌های آن مرحوم شخصاً به من گفت یکی از اساتید مطرح حوزه علمیه قم که ایشان خدمت آن استاد تلمذ می‌کرده است، به حدی به آقای مظلومی علاقه‌مند شده بود که تا ایشان نمی‌آمد، درس را شروع نمی‌کرد. این نکته مهمی است که یک استاد و محقق حوزه نسبت به شاگردش اینقدر علاقه‌مند باشد و چون فهیم است، درس را عقب می‌اندازد که این شاگرد برسد و از درسش عقب نماند. در حوزه دانشگاه هم دکترای ایشان فلسفه تطبیقی بود. بحث فلسفه بحث دقیقی است، هر کسی از عهده آن بر نمی‌آید، ولی موفق شد و پیش رفت.

نکته دیگری که درباره جناب آقای مظلومی قابل توجه است، مربوط به دوره‌ای است که هنوز حوزه با فضای مجازی و رایانه و امثال این‌ها آشنا نشده بود.

۱ - نماینده سابق ولی فقیه در امور حج و زیارت





جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای شهرداری جمعی را انتخاب کرد و مرکز کامپیوتری علوم اسلامی در قم را راه اندازی کردند که در این مجموعه کارهای بسیار ارزشمندی انجام شد و دکتر مظلومی در آن نقش محوری داشت.

لذا ایشان کاملاً با بحث کامپیوتر و رایانه و امثال این‌ها و فضای مجازی آشنایی پیدا کرد و به همین دلیل نرم افزارهای بسیاری از کتب شیعه و حتی جهان اسلام تهیه و به صورت نرم افزار در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت که در آن زمان کار بسیار قابل توجهی بود؛ در حقیقت برای روحانیت یک امتیاز بزرگ بود که به رایانه مسلط باشد و خودش بتواند طراحی و حتی نرم افزار تولید کند. همین مسأله موجب شد که ایشان در یک برهه از طرف مقام معظم رهبری به عنوان عضو شورای فضای مجازی انتخاب شود و آنجا هم فعال بود؛ یعنی گاهی که پیش من می‌آمدند و راجع به کارهایی که در آن شورا صورت می‌گیرد، گزارشی را ارائه می‌دادند، می‌دیدم که ایشان خیلی با جدیت دنبال می‌کند. شناخت ایشان راجع به این حوزه، بسیار وسیع بود، یعنی فضای مجازی را به طور کامل می‌شناخت.

مقام معظم رهبری حفظه الله خیلی به موقع متوجه شدند و دریافت صحیحی داشتند و این تذکر را دادند تا عده‌ای راجع به فضای مجازی کار کنند که آقای مظلومی از جمله این افراد مسلط بود.

نکته دیگری که درباره آقای مظلومی قابل توجه است، آشنایی ایشان با چند زبان بود؛ ایشان به زبان عربی، انگلیسی و ترکی خیلی خوب صحبت می‌کرد. آشنایی کامل با این زبان‌ها سبب می‌شد به راحتی با مخاطبان غیرایرانی ارتباط برقرار کند.

در سفرهایی که ایشان به صورت مأموریتی برای کارهای تبلیغی اعزام می‌شد، حقیقتاً چه برای فارسی زبان‌ها و چه برای مخاطبان غیرایرانی موفق عمل کرد. یک روز از دفتر آمدند و به من گفتند که می‌خواهیم یک مأموریت تبلیغی برای استرالیا به ایشان بدهیم. هرچند در بعثه کار داشتیم، اما گفتند که شما موافقت کنید، من هم این کار را کردم و ایشان رفتند. بعد از مدتی از سمت آنها اصرار صورت می‌گرفت و گاهی هم تلفن می‌کردند که شما اجازه بدهید ایشان مدتی اینجا بمانند؛ چراکه





ارتباط خوبی با مردم آنجا برقرار کرده بود.

موفقیت در تبلیغ خارج از کشور کار هر کسی نیست. تا مدتی افراد کار کنند و خو بگیرند، زمان نیاز است، ولی آقای مظلومی در این زمینه عملکرد خوبی داشت. برای مثال به بنگلادش، تایلند و حتی در میانمار، مأموریت داشت که از نزدیک وضعیت مسلمانان را بررسی و امور را ساماندهی کند. گزارش‌هایی که ایشان از میانمار می‌داد که گاهی چطور این مسلمانان، خانه‌هایشان و مردم را آتش زدند، خیلی دلخراش بود. ایشان با حضور در آنجا، گزارش‌های خوبی از شرایط آن‌ها تهیه کرد.

یک بخش دیگری که مربوط به حوزه کاری ایشان در بعثه می‌شد، معاونت در بعثه بود. در این حوزه هم الحمدلله موفقیت‌های خوبی داشتند و به کمک همکارانشان موفق شده بودند که خیلی از کارها را برای روحانیون محترم کاروان‌ها و معین‌ها و معینه‌ها تسهیل کنند. ایشان حتی سیستمی را طراحی کردند که ارتباطات حضوری و غیرضروری روحانیان با اینجا کم شود؛ یعنی بتوانند از شهر خود ارتباط برقرار کنند و اطلاعاتشان را به صورت الکترونیک ثبت می‌کردند که کار مهم و مؤثری بود و پس از آن مشهود بود که افراد خیلی به ندرت به بعثه مراجعه می‌کردند.

آموزش مجازی ما فعال شد، توانستیم هم برای زائران و هم برای روحانیون، معین‌ها و معینه‌ها کارهای جدی انجام دهیم که امروز نقش مؤثری در اطلاع‌رسانی و آموزش زائران دارد و نقش آقای مظلومی در اینها بارز است.

در حوزه دیپلماسی حج هم که معمولاً با بعثه‌های کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کردیم، آقای مظلومی پا به پای ما می‌آمد و در جلسات شرکت داشت. گاهی من به ایشان مأموریت می‌دادم که به بعثه ترکیه برود و آنجا ارتباط برقرار کند؛ ایشان آنجا می‌رفتند و ارتباطات خوبی برقرار می‌شد.

رفتارش با زائران رفتار بسیار صمیمانه‌ای بود. ایشان گاهی با جانبازان عزیز که به حج مشرف می‌شدند دیدار می‌کرد به ایشان می‌گفتم که به استقبال بروند؛ چقدر با این‌ها خوب رفتار می‌کرد؛ آغوش خود را باز می‌کرد، می‌بوسید، احترام می‌گذاشت و از آنها دلجویی می‌کرد. رفتارشان با سایر حجاج در سرکشی به کاروان‌ها هم همینطور بود.





روحیه تواضع خوبی داشت؛ از نظر اخلاقی هم بسیار با دوستانش متواضعانه و پرمهر برخورد می کرد.

بر خوررداری از روحیه بکا هم از ویژگی های ایشان بود. در جلسات وقتی نام اهل بیت (علیهم السلام) برده می شد، یا ذکر مصیبتی می کردند یا حتی فضائل اهل بیت (علیهم السلام) بیان می شد، می دیدم که ایشان به شدت گریه می کند به گونه ای که شانه هایش تکان می خورد. گاهی روز عید غدیر بود، آن مداح یا سخنران شروع می کرد فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را بیان کردن و ایشان می گریست؛ من با ایشان مزاح می کردم و می گفتم که آقای مظلومی امروز عید است؛ در روز عید که دیگر نباید گریه کنید، ولی ایشان دست خودش نبود؛ چه در دعای عرفه، چه در دعای کمیل و چه در جاهای دیگر نشان می داد که عشقش نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت، عشق بسیار با عظمت و والایی است.

ایشان از نظر خانوادگی، چه خودش و چه همسر مکرم ایشان، ویژگی های برجسته ای داشتند؛ پدر و مادر ایشان از فرهنگیان بسیار خوب و شناخته شده و مورد احترام مردم در زنجان بودند؛ سال ها دبیر بودند و به فرهنگ مردم زنجان و فرهنگ کشور خدمت کردند.

از ناحیه همسر مکرم مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای آسید مجتبی موسوی زنجانی، انسان عالم و متقی و فاضلی بود که سال ها امام جمعه موقت زنجان بودند. بنابراین می خواهم بگویم که چه از ناحیه پدر و مادر، چه از ناحیه خانواده همسر، حوزه خانوادگی ایشان هم بسیار حوزه پاک و مطهری بود.

این ویژگی های بارز، ما را متأثر می کند که چرا از وجود ایشان محروم ماندیم. چه کنیم که کار دست خداست و خدا هم از ما خواسته است که در برابر بلاها و مصائب صبور باشیم که (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)<sup>۱</sup>







## بهشتی دوم

جناب آقای دکتر علیرضا رشیدیان<sup>۱</sup>

یاد و خاطره برادر عزیزمان، جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر مظلومی، خدمات و زحمات و آثار نیکی که در راستای خدمت‌گزاری حج، به ویژه در حوزه فعالیت‌های فرهنگی از ایشان باقی مانده، نکته‌ای است که به راحتی فراموش نخواهد شد.

بنده با این برادر عزیز از اواخر دهه هشتاد، در معاونت فرهنگی بعثه آشنا شدم. یکی از ویژگی‌هایی که از مرحوم مظلومی در ذهن‌ها باقی می‌ماند، حسن خلق و خوش اخلاقی ایشان در تعاملاتش با همه اطرافیان بود.

اولین باری که ایشان را دیدم به نوعی یاد و خاطره شهید مظلوم، شهید بهشتی برای من زنده شد، چرا که هم سیمای این سید به نوعی به سیمای دکتر شهید بهشتی شباهت داشت، هم از سوی دیگر تسلط و اشراف ایشان بر سخنرانی به زبان‌های مختلف، یاد و خاطره‌ای که ما از آقای شهید بهشتی در تعاملات داشتیم را زنده می‌کرد. یکی از خصوصیات دیگر شهید بهشتی، لبخند همیشگی‌شان بود که ما در این سید بزرگوار هم می‌دیدیم که همیشه لبخندی در تعاملاتشان با دیگران داشتند. ایشان با اینکه مسئولیت و جایگاه والایی داشتند، اما در تعاملاتشان بسیار خاکی و افتاده بودند. در کنار این خصوصیات، خلق و خوی بسیار بارزی که من بارها از ایشان دیدم صراحت و نپذیرفتن سفارش و توصیه از دیگران بود.

۱- رئیس سازمان حج و زیارت





در کاری که به او واگذار شده بود خیلی محکم و جدی عمل می‌کرد و بر اساس دستور العمل‌ها اقدام می‌نمود؛ افراد بسیاری بودند که برای آشنایان و دوستانشان سفارش می‌کردند، اما ایشان توصیه نمی‌پذیرفتند و شاید بعضی از آقایان از این روحیه ایشان مکدر می‌شدند، اما می‌دیدیم که ایشان در این مسیر که راه خدمت به حجاج بیت‌الله و زائران عتبات عالیات بود، در مقام خود، مسئولیت‌پذیر و حسابگر بودند.

در سفرها شاهد روحیه معنوی بسیار بالای ایشان بودیم، چه در زیارت حرم پیامبر و زیارت بیت‌الله، حضور ایشان در عرفات و دعای عرفه حال ایشان مثال‌زدنی بود و بسیار حال خوبی به ویژه با دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) داشتند.

پرکاری ایشان هم مثال‌زدنی بود؛ ایشان جزء روحانیونی بود که همیشه در فعالیت‌ها و کارها، پیش قدم، فعال و پرکار بود، خستگی‌ناپذیر بود. دوستانی که ساختمان دارالهادی و ستاد مکه را به خاطر دارند، می‌دانند که اتاق ایشان جزء اتاق‌هایی بود که زودتر از همه باز می‌شد و جزء مدیران فعال بود.

زمانی که به معاونت بین‌الملل منتقل شد، علی‌رغم اینکه پیشنهادات دیگری هم در سازمان‌های مختلف برای ایشان وجود داشت، اما از آنجا که ارادت خاصی برای خدمت به زائرین، چه حجاج و چه زائرین عتبات داشت، هیچ کدام از پیشنهادهای برای ایشان در اولویت نبودند.

با توجه به اینکه مرحوم، تخصص و تجربه کافی در حوزه فضای مجازی داشتند، توانستند از این ظرفیت و تخصص خود به خوبی برای عبور از این شرایط کرونایی و گسترش تعاملات بین‌المللی بهره ببرند.

یک نکته دیگری که باید درباره آقای مظلومی باید یادآور شوم، تعاملات ایشان با کاروان‌های ایرانیان خارج از کشور بود؛ آقای دکتر مظلومی بسیار صبور، با حوصله و مستدل و منطقی درباره شبهات اعضای کاروان ایرانیان برخورد می‌کرد، به طوری که این روحیه، ایشان را به یکی از چهره‌های بسیار دوست‌داشتنی در بین کاروان‌های ایرانیان خارج از کشور تبدیل کرده بود.

در تعاملات با بعثه‌ها و حجاج سایر کشورها، با توجه به اشراف و تسلطی که به





زبان‌های عربی، انگلیسی و حتی ترکی استانبولی داشتند، ظرفیت بسیار خوبی را برای بعثه مقام معظم رهبری و حج جمهوری اسلامی ایجاد کرده بودند. استدلال قوی، منطق خوب، تسلط و اشراف بر زبان، باعث شده بود که در تعاملات با حجاج و مسلمانان سایر کشورهای اسلامی در مسیر ترویج و تبلیغ نگاه توحیدی و وحدت امت اسلامی، موفق عمل کنند.

رحلت ایشان دقیقاً مصداق این مطلب است که «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ»؛ واقعاً صدمه‌ای که از فقدان حضور ایشان در حوزه کاری احساس می‌شود، جدی است. اما به قول این شعر معروف:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

ایشان برای کسانی که در مسیر تعالی فرهنگ حج و زیارت، خدمت می‌کنند الگو خواهند بود و امیدوارم که خداوند همه ما را در جهت خدمت‌رسانی بیشتر به حجاج و زائران و گسترش فرهنگ زیارت و بهره‌گیری هر چه بیشتر از فرهنگ زیارت برای ارتقای ارزش‌های دینی، معنوی و اخلاقی توفیق دهد و بتوانیم مسیر این برادر خوب خود را ادامه دهیم.







## نقش ارزشمند



جناب آقای دکتر محمد رضا باقری<sup>۱</sup>

من در اوایل سال ۱۳۸۹ در بعثه مقام معظم رهبری، با دکتر حاج سید جواد مظلومی آشنا شدم. آن مرحوم مسئولیت معاونت امور فرهنگی و بنده، مسئولیت معاونت امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری را به عهده داشتم.

این دو معاونت الزاماً کار مشترکی نداشتند، هر یک در حیطه تخصصی خودشان به کار مشغول بودند، لیکن شخصیت فردی و در عین حال فرهنگی- بین المللی جناب دکتر مظلومی همیشه مرا تشویق می کرد تا همکاری نزدیکی با او داشته باشم و از تجارب و توانمندی های آن عالم جلیل القدر استفاده کنم.

ایشان علاوه بر تحصیلات عالی خود، تخصص کافی و لازم را هم در مسائل بین المللی و هم در فضای مجازی داشتند؛ با زبان های انگلیسی، عربی، ترکی استانبولی آشنایی داشتند؛ به کشورهای مختلف سفر کرده بودند و با جهان اسلام و غیر آن آشنا بودند.

از این رو، وقتی من برای معاونت بین الملل برنامه ریزی می کردم و بنا را بر این گذاشتم که اجتماعاتی را با مسئولان بعثه ها در کشورهای مختلف، چه در ایران و چه در کشورهای آن ها داشته باشیم، صمیمانه از آقای مظلومی درخواست و دعوت می کردم و ایشان هم صمیمانه می پذیرفتند.

چند باری هیئت های مختلف حج و زیارت از کشورهای مختلف را به تهران دعوت کردیم، از ایشان هم درخواست کردم تا در کنار من باشند، چه در مذاکرات و چه در برنامه های مختلفی که برای آن ها داشتیم؛ این هیئت ها از کشورهای مختلف بودند،

۳- معاون سابق امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری





هم از کشورهای عربی و اسلامی، هم از کشور واتیکان.

ما در قضایای حج و عمره، همکاری‌هایی داشتیم. بعثه پیشنهادی را مطرح کرده بود که اجلاس‌های اعتاب مقدس را در دو کشور ایران و عراق برقرار کنیم و از سوریه هم دعوت کنیم، تا بتوانیم جلسات مشترکی را برپا کنیم. این پیشنهاد نتیجه داد و تولیت آستان مقدس مشهد، قم، شیراز، ری، مشخصاً حرم حضرت عبدالعظیم حسنی، جلسات مشترکی را در داخل با محوریت بعثه برگزار کردیم. تولیت‌ها، شخصیت‌هایی مانند جناب آقای رئیسی، جناب آقای سعیدی در قم، جناب آقای دستغیب در شیراز و همینطور جناب آقای ری شهری، در کنار آقای قاضی عسکر حضور داشتند و این جلسات بسیار مؤثر بود. در این خصوص مرحوم آقای دکتر مظلومی همیشه در کنار ما بود، در هم‌فکری، هم‌افزایی، نقش‌آفرینی بسیار ارزشمندی داشتند.

ما در حج و عمره، قبل از برگزاری، در حین برگزاری و بعد از برگزاری، جلسات متعددی را هم در ایران و هم در کشورهای مختلف داشتیم؛ سمینارهای مختلفی را برگزار می‌کردیم. خاطرم هست که به اتفاق شادروان دکتر مظلومی به کشورهای مختلفی مانند چین و ترکیه سفر کردم؛ برای اعضای بعثه‌ها، هم در ایران و هم در آن کشورها کادرهای آموزشی تشکیل می‌دادیم. مدرس بخش آموزش، عمدتاً خود مرحوم آقای مظلومی بودند، البته دوستان دیگری هم از سازمان حج کمک می‌کردند، اما نقش مرحوم آقای مظلومی واقعاً ارزشمند بود.

همچنین بعد از قضیه کشتار منا و شهادت حجاج، مسئولان حج ما تصمیم گرفتند که هیئت‌هایی را به جاهای مختلف بفرستند تا برای مسئولان کشورها، مسئولان حج و زیارتشان توضیح بدهند و برای فرهیختگان و افکار عمومی موضوع را تفهیم کنند.

در کنار آقای مظلومی، سفر بسیار سازنده‌ای به ترکیه داشتیم؛ با رئیس سازمان دیانت، آقای دکتر محمد گورمز، دیدار کردیم. برای ما کنفرانس مطبوعاتی گذاشتند، با رسانه‌های مختلف ترک مصاحبه کردیم؛ به استانبول سفر کردیم. کنسولگری ما در آنجا برنامه بسیار مفصلی را در دیدار با ارباب جراید و رسانه‌ها ترتیب داد. استفاده از دیدگاه‌های مرحوم مظلومی در آن سفر بسیار کارساز بود. ایشان در کمال تواضع





و صمیمیتی که داشت، نقطه نظرات ارزشمندی برای سفر ارائه می دادند که بسیار کارساز بود.

در ایام حج و عمره هر کدام سمینارهایی برپا می کردیم. برای مثال سمینار فلسطین داشتیم، تقریب المذاهب، اهل بیت (علیهم السلام)، آثار تربیتی حج، حج و اقتصاد و بحث های مختلف بین المللی در حج مورد گفت و گوی ما در سمینارها قرار می گرفت. به خاطر سخت گیری های سعودی گاهاً سعی می کردیم از فضای مجازی استفاده کنیم و وینار ترتیب دهیم که در این وینارها شخصیت های مختلف جهان اسلام شرکت می کردند. مرحوم مظلومی با توجه به تخصصی که در این زمینه داشتند کمک می کردند و صدای مظلومیت جمهوری اسلامی را به سمع و نظر حجاج و فرهیختگان و صاحب نظران می رساندیم.

ما در معاونت بین الملل جلسات مختلفی داشتیم؛ یکی از نشست ها، جلسات بنده با معاونان بین الملل نهادهای فرهنگی بود، مانند مجمع تقریب المذاهب، مجمع اهل البیت (علیهم السلام)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه. هرگاه از مرحوم مظلومی دعوت می کردم با علاقه شرکت می کردند که بعدها درخواست کردم به طور رسمی عضو این جلسه باشند.

همینطور معاونت بین الملل، یک هیئت علمی داشت که متشکل از علما و اساتید صاحب نظر در امور حج و مسائل دینی بود؛ من جای خالی مرحوم مظلومی را در آنجا حس می کردم که چنین شخصیتی چرا نباید عضو هیئت علمی باشد و لذا با دعوت ما در جلسات شرکت می کرد.

بارها و بارها در ایام حج به ملاقات بعثه های مختلف می رفتیم؛ آن عزیز در جلساتی که رؤسای هیئت آنها معمولاً شخصیت های فرهنگی سیاسی یا وزیر یا مفتی اعظم بودند، در کنار ما و در کنار حضرت آقای قاضی عسکر، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت بودند. هر وقت هم آن ها به بعثه ما می آمدند، من حداقل ۲۴ ساعت قبل به جناب دکتر مظلومی اطلاع می دادم که در جلسه ملاقات شرکت کنند که ایشان با علاقه شرکت می کرد و نقش آفرینی هم داشت. ما افتخار می کردیم که آقای مظلومی را





به عنوان معاون فرهنگی به رئیس بعثه عراق، لبنان، مالزی یا اندونزی، معرفی کنیم. آقای مظلومی در کنار همه کارهایی که در بعثه داشتند، کارهای بیرونی خودشان زیاد بود؛ از جمله نمایندگی دفتر آقا را داشتند. خاطرم هست که برای سرکشی به برخی کشورها به بنگلادش، تایلند و بعضی از کشورهای کوچک اطراف این دو کشور، سفر می کردند.

گاهی که برای کار خودشان سفر داشتند، با من همفکری می کردند. اگر ما نقطه نظری داشتیم یا درخواست پیگیری موضوعی را داشتیم، ایشان عهده دار می شدند. در ملاقات رئیس بعثه حج، مواردی را که قبلاً صحبت کرده بودیم و قابل پیگیری بود، ایشان دنبال می کرد و با علاقه این کار را انجام می داد.

این عالم فرهیخته و این سید بزرگوار، علاوه بر اینکه در کار خودش متخصص بود، یک دیپلمات و یک مذاکره کننده ارزشمند بود که متأسفانه او را خیلی زود از دست دادیم و مشیت الهی بر این تعلق گرفت که بیماری این عزیز موجب شود که بعثه مقام معظم رهبری نتواند بیش از این، از وجود آن شخصیت استفاده کند.







## مدیرنواندیش، تحول‌گرا و قانونمند



حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید احمدی<sup>۱</sup>

تغییر ساختار بعثه به طور عام و معاونت فرهنگی به طور خاص در آغاز دوره فعالیت نماینده جدید ولی فقیه در امور حج و زیارت، بیانگر یک تغییر رویکرد و یک تصمیم راهبردی بود و در ساختار جدید بر اساس سیاست اتخاذ شده به عنوان مأموریت محوری و فعالیت کانونی بعثه قرار گرفت. این نگاه سبب شده بود که روحانی کاروان، صرفاً مسئول انجام صورت شرعی حج زائران نبوده و وظایفش محدود به چند سخنرانی و بیان احکام و مناسک و راهنمای اماکن زیارتی نباشد، در نگاه مقام معظم رهبری و امام(ره)، روحانی، هادی زائران و مدیر معنوی و فرهنگی کاروان است.

حج، یک عرصه تمرین زیست توحیدی و یک امر استراتژیک تلقی می‌شود که لازمه آن برخورداری از برنامه متناسب با این امر استراتژیک و هم داشتن نیروی انسانی مناسب این مسئولیت مهم بود. این رویکرد جدید نیازمند راهبرد، برنامه و سازماندهی مناسب و استفاده بهینه و هدفمند از سرمایه انسانی موجود و افزایش آن بود. در حقیقت این نگاه آغازین، برای تحول مهم در بعثه بود که با نگرانی‌ها و تردیدها و مخالفت‌هایی همراه بود. مخالفان دو دسته بودند؛ کسانی که با نظم سابق خو کرده بودند و با هر نوع تحولی سخت مخالفت می‌کردند و کسانی که با نگاه سنتی اساساً وظیفه و رسالتی برای حج‌گزاری، جز انجام صورت شرعی حج نمی‌دیدند و حج را صرفاً یک عبادت تک‌ساحتی فرض می‌کردند. از طرفی فقدان نیروی انسانی کارآمد و آماده برای این تحول درون بعثه و سازمان، مشهود بود. در چنین شرایطی زمام امور فرهنگی بعثه در

۱- از همکاران سابق مرحوم دکتر مظلومی و رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین حسینی





اختیار جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جواد مظلومی قرار گرفت. در ابتدا به دلیل گمنامی و فقدان شناخت کافی از ایشان، در برخی از نیروها تردیدها افزایش یافت و عده کمی که او را می‌شناختند نیز از او یک روحانی جدی و بدون ملاحظه و مصمم و دقیق در ذهن داشتند که این امر هم موجب نگرانی می‌شد، اما ایشان با توجه به شخصیت جامع و دانش بالا و تجربه مدیریتی و شناختی که از حج و مسائل بین‌المللی داشتند، در کنار حزم و دور اندیشی و ژرف‌نگری به مسائل، امیدهای زیاد ایجاد کرده بود که آینده و فرجام این تحول نیکو خواهد بود.

من او را از سال‌هایی می‌شناختم که در مدرسه علمیه امام صادق (علیه‌السلام) در قم به تحصیل و تدریس و مدیریت اشتغال داشت. تربیت، تحصیل و مدیریت در کنار شخصیت وارسته آیت الله حیدرعلی ایوبی، متانت و وقار و چهره انقلابی از یک سو، شهرت او به طلبه‌کوشا و خوش‌ذوق و با استعداد و درس‌خوان بودن از سوی دیگر برای همه ما طلبه‌های جوان و دوستانی که در قم او را می‌شناختیم، محرز بود و برای او احترام خاصی قائل بودیم و از او به نیکی یاد می‌کردیم. بعدها از سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ در سفرهای حج ایشان در جایگاه روحانی یا با کاروان‌های ایرانیان خارج یا داخل کشور تقریباً هر سال اعزام می‌شد، بنابراین این آشنایی بیشتر سبب شد تواضع در مقابل او افزون گردد.

او یک روحانی سخت‌کوش، فهیم و آشنای به مسائل بین‌المللی و دلسوز بود. دارای ارتباطات وثیق با جوانان به ویژه جوانان مسلمان در کشورهای مختلف بود و با تسلط به زبان‌های متعدد و آشنایی با فرهنگ زائران مقیم خارج، سبب شده بود به یک روحانی موفق تبدیل شود.

انتخاب او به عنوان معاون فرهنگی بعثه، آغاز یک تحول بزرگ بود و این نوید را می‌داد که شاهد دگرگونی بنیادین در مأموریت‌ها و تغییر نگاه‌ها باشیم. بعد از این، همکاری‌ام با ایشان از سال ۱۳۸۹ در مسئولیت مدیریت آموزش بعثه آغاز شد و حسب الامر نماینده محترم ولی فقیه، حضرت حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر، در کنار مدیریت آموزش، بسیاری از امور جاری و برنامه‌های فرهنگی نیز به بنده محول





شده بود تا از ظرفیت فکری و مدیریتی جناب دکتر مظلومی در سطح کلان بیشتر استفاده شود. بعد از عهده‌دار شدن مدیریت فرهنگی و آموزش اربعین از سال ۱۳۹۲ با نظر نماینده محترم ولی فقیه، در حوزه فرهنگی و آموزشی و برنامه‌ریزی حج و زیارت و اربعین، به مدت ده سال در کنار هم توفیق خدمت به زائران آل الله و ضیوف الرحمن را داشتیم.

این آغاز، به یک دوره همکاری صمیمانه و مثال‌زدنی ده ساله انجامید که بهترین دوره‌های خدمتم در بیش از ۳۰ سال در حوزه آموزش و فرهنگ در مراکز و نهادها و سازمان‌های مختلف بوده است. آنچه این دوره ده ساله در بعثه را متمایز و مدیریت ایشان را برجسته می‌کند، در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

۱. شخصیت ویژه و ممتاز: جناب مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مظلومی، از دانش نقلی و عقلی حوزوی در فقه، اصول و فلسفه و کلام برخوردار بود. فردی موفق در تحصیل و تدریس بود و از شاگردان موفق و برجسته حضرت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و اساتید بزرگ حوزه بود. او از توانایی بالایی در فقه و اصول و فلسفه بهره‌مند بودند.

در تحصیلات آکادمیک در دانشگاه نیز، در بالاترین سطح در رشته فلسفه تطبیقی محضر اساتید بزرگی را درک کرده بودند. بدون تردید او در بین همه کسانی که در این سال‌ها در بعثه مسئولیتی داشته‌اند، از نظر فضل و دانش و تخصص، فردی شاخص و ممتاز محسوب می‌شود. اگرچه فروتنی و بی‌ادعایی ایشان سبب شده که این بعد از شخصیت و ویژگی‌های ممتازشان برای عموم ناشناخته بماند.

۲. مهارت‌های فراوانی که از آن برخوردار بود همانند تسلط به چند زبان در حد بالا و دانش و مهارتی که از حوزه آی.تی داشت ایشان را به یک شخصیت ممتاز و کم‌نظیر در بین روحانیون بدل ساخته بود.

۳. مهارت و توانایی فوق‌العاده در طراحی و برنامه‌ریزی: این ویژگی به گواهی همه کسانی که با او از جوانی آشنا بودند در او برجسته بود. در برخورد با یک پدیده و مسأله هم تأمل‌ورزی عمیق داشت و هم همه جوانب و سطوح و لایه‌ها و احتمالات را به خوبی





و دقت تمام ترسیم می کرد تا بتواند تصمیم درست بگیرد و پیامدهای احتمالی و موانع و ظرفیت های تحقق را به درستی می سنجید. این امر باعث شده بود که میزان خطا در تصمیم ها و اجرای برنامه های فرهنگی در این سال ها بسیار کاسته شود.

۴. فهم او از حج در اندیشه امام (ره) و رهبری، یکتا و بی بدیل بود. در این سال ها بارها در خصوص این مسأله گفت وگو و صحبت کردیم. تحلیلی که او از آرا و مبانی و اندیشه حضرت امام (ره) و رهبری داشتند را در هیچ یک از بزرگان و مسئولان و متولیان با همه ارادات خاصی که به ایشان دارم، نیافتم. این امر متأثر از دانش و تخصص بالا در معارف اسلامی و مسائل بین المللی، هوشمندی و ژرف اندیشی و تأمل ورزی خاص ایشان بود.

همیشه خاطره انگیزترین و شیرین ترین اوقات بعد از دیدارهای سالانه با رهبر معظم انقلاب، گفت وگوهای دو یا چند نفره ای بود که حضوری یا تلفنی ساعت ها به طول می انجامید.

همیشه می گفت رهبری، فردی هوشمند و دقیق و مطلع از همه قضایا و رخداد های حج هستند. انتخاب کلمات و حتی هندسه آنها و نوع ارائه و بیان آنها، حساب شده است. به همین جهت اکثراً از نحوه گزارش های ارائه شده و طرح مباحث خدمت معظم له از سوی مسئولان و متولیان گله مند بود.

۵. شناخت خوب و درستی که از صحنه عملیات حج و زیارت و مسئولان سعودی داشت، در تصمیم سازی ها و اتخاذ روش ها بسیار به او کمک می کرد. به آداب دیپلماتیک و تشریفات دیپلماسی هم کاملاً وقوف داشت. لذا همیشه بیان می کرد که نباید بین عرصه آداب و تشریفات دیپلماسی و مقاصد پنهان و واقعی در ملاقات ها خلط و ساده انگاری شود. اما اصل و اساس ارتباطات را ضروری، ولی نیازمند کار کارشناسی و مطالعات برنامه ریزی شده می دانست و این ضعف را در بعثه همیشه خاطرنشان می کرد.

۶. دوری از سطحی نگری و برخورد های احساسی و شتابزدگی از ویژگی های ممتاز دیگر ایشان بود. هیچگاه در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها عجولانه، احساسی و





روزمره به مسائل نگاه نمی‌کرد. به همین دلیل، خیلی‌ها که همیشه دیر می‌آیند و زود می‌روند، گله‌مند می‌شدند و از تأنی ایشان در تصمیم‌گیری که استراتژی مدیریتی ایشان بود، اظهار نارضایتی می‌کردند.

۷. در برنامه‌ریزی و پیشبرد امور معتقد و متعهد به تصمیم‌گروهی و خرد جمعی بود. به جرأت می‌توانم ادعا کنم که به مدت ده سال در معاونت فرهنگی، هیچ تصمیمی در معاونت فرهنگی در خصوص برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی، آموزشی و اعزام گرفته نشد، الا اینکه در شورای معاونت که متشکل از معاون فرهنگی و مدیران این معاونت است یا امور مربوط به اهل سنت در شورای مربوطه طرح و تصمیم‌گیری شده است.

این ویژگی در بعثه یک امر استثنایی و فوق‌العاده بود. میزان تعهد و عمل او به این شیوه و روش مدیریتی ایشان واقعاً بی‌نظیر و مثال‌زدنی بود. در اوج فشارها که مثلاً به دو روحانی در یک استان نیاز بود، در انتخاب اولویت و تعیین افراد خودشان را ملزم می‌دانستند که نظر مدیران را یا با تشکیل جلسه فوری یا به صورت تلفنی و گفت‌وگوهای چندجانبه بپرسند، بعد اقدام کند. در برنامه‌ریزی و طراحی‌های کلان، ساعت‌ها با تشکیل جلسه، مشورت می‌کرد و با همه مدیران احتمالات مختلف را به دقت مطرح و ارزیابی می‌کرد. این رویه از ویژگی‌های مدیریتی ایشان بود. از این طریق، مفاهیم و درک مشترک بین همه عناصر تصمیم‌ساز و مؤثر ایجاد می‌کرد. حتی با کارشناسان ساعت‌ها به بحث و تبادل نظر و مشورت می‌نشست تا با درک مشترک و با هم‌افزایی فکری، تصمیم و اجرای درست صورت گیرد.

۸. قانون‌مداری و ضابطه‌مندی: از لوازم سنجش عملکرد درست و جلوگیری از اعمال سلیقه‌ها و اجرای عدالت و ثبات تصمیم‌گیری، قانون‌مداری و عمل بر طبق قانون است. متأسفانه این رویه در بعثه خیلی مبتنی بر قوانین و مقررات نوشته نشده بود، اما در دوره مسئولیت مرحوم دکتر مظلومی، هر تصمیم و اقدامی، الزاماً می‌بایست مبتنی بر یک آیین‌نامه یا دستورالعمل و قانون مدونی عملی بود. به همین دلیل همه فرایندها و تصمیمات بر این امر مهم مبتنی گردید. ایشان به صراحت می‌گفت: اگر قانون و مقرراتی وضع نشود تصمیم‌گیری سلیقه‌ای و متعارض و سبب تضییع حقوق





خواهد شد. لذا اگر هر پدیده جدیدی حادث می‌شد، اولین مسأله بعد از جمع‌آوری سوابق و اطلاعات لازم، تدوین چارچوب‌ها و ضوابط آن بود. این ویژگی سبب شد که ما مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بنیادی و جاری و ضوابط مدون را در اختیار داشته باشیم که از میراث ارزشمند دوره مسئولیت ایشان می‌باشد. همانند:

- آیین نامه جذب و گزینش کارگزاران فرهنگی
- آیین نامه جذب و پذیرش و آموزش مسئولان فرهنگی عمره و حج تمتع
- برنامه فرهنگی عمره؛ این برنامه‌ها شامل سیاست‌ها، اهداف، برنامه‌ها، اقدامات، دستورالعمل‌ها و وظایف است.
- برنامه جامع فرهنگی عتبات عالیات
- آیین نامه تخلفات اداری
- دستورالعمل ارزیابی روحانیون، معین‌ها و معینه‌ها
- آیین نامه تشویق کارگزاران فرهنگی
- آیین نامه ارتقای کارگزاران فرهنگی
- آیین نامه و دستورالعمل‌های برگزاری آزمون‌های ورودی
- آیین نامه ثبت نام و پذیرش داوطلبان
- دستورالعمل برگزاری جلسات آموزش متمرکز
- دستورالعمل جلسات آموزش متمرکز بانوان حج‌گزار و عمره‌گزار
- دستورالعمل پرداخت هزینه سفر کارگزاران
- دستورالعمل انتخاب و اعزام همسران روحانیون
- دستورالعمل آموزش اعضای گروه‌های یاوران حجاج
- آیین نامه و دستورالعمل آموزش اعضای طرح مودت
- دستورالعمل آموزش زائران فرهیخته
- دستورالعمل ضوابط اعزام روحانیون، معین‌ها و معینه‌های حج
- دستورالعمل و آیین نامه مصاحبه کارگزاران فرهنگی
- دستورالعمل برگزاری کارگاه‌های مهارت افزایی





■ آیین‌نامه و دستورالعمل توزیع بسته‌های فرهنگی زائران حج تمتع

■ آیین‌نامه‌های متعدد در حوزه اهل سنت

این خصیصه سبب شده بود که از اقدام‌ها و اعزام‌های سلیقه‌ای و تصمیم‌گیری فردی و ترجیح یافتن نیروها بدون سبب در اعزام جلوگیری شود. این امر ناشی از آن بود که ایشان اساساً معنای پارتی‌بازی و رفیق‌بازی را نمی‌فهمید و نمی‌شناخت و شاید این ویژگی او سبب شده بود برخی که از امتیازات ویژه در اعزام به عناوین مختلف برخوردار بودند، از او رنجیده شوند و گاه زبان به شکوه و گله بگشایند. اما ایشان حتی تقاضای نزدیک‌ترین دوستانش مبنی بر جابه‌جایی شهر یا زمان اعزام یا اعزام بدون نوبت را رد و هر کس درخواست کمک در پذیرش بدون کسب نصاب لازم را می‌نمود با قاطعیت رد می‌کردند.

حتی در یک مورد که به دلیل خطای پیش آمده در یک نرم‌افزار، اشک ریخت و با حالی آشفته طلب مغفرت و عفو از خداوند کرد و به سرعت دنبال جبران آن برآمد، می‌گفت این ضایع کردن حق روحانیون و زائران است؛ حدود ۲۰ نفر از روحانیون به دلیل این خطا زودتر از موعد اعلام شده ثبت‌نام، موفق به ثبت‌نام شدند. برخی ندانسته یا نخواستند او را متهم می‌کردند که خشک و سخت‌گیر است. سخت‌گیری ایشان فقط نسبت به اجرای مقررات بود و بدون تسامح و کوچکترین اغماض در اجرای عدالت و پاسداری از حقوق زائران و کارگزاران متعهد و ساعی بود.

۹. استفاده درست از تجارب گذشته: بعثه در زمان آغاز کار مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر مظلومی دارای تجارب ارزشمندی بود که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه دوره مسئولیت آیت‌الله محمدی ری‌شهری، حوزه روحانیون با درایت و تدابیر ارزشمند جناب حجج اسلام و المسلمین محمدصادق عرب‌نیا و فضل‌الله ذاکری و جناب حجت الاسلام و المسلمین نواب (دامت تأییداته) به یادگار مانده بود. این دوره را باید دوره پایه‌گذاری و تثبیت نام‌گذاری کرد. آقای دکتر مظلومی به جای نفی و انکار تلاش‌ها و تجارب دو دهه، با انصاف و درایت خاص و با تکریم مسئولان سابق به نحو شایسته از آن تجارب ارزنده بهره گرفت.





۱۰. نوآوری و ابتکارات در مدیریت فرهنگی و آموزشی از دیگر خصایص این عالم فرزانه بود. ده‌ها طرح و برنامه ابتکاری به حمایت ایشان در این ده سال در عرصه فرهنگی حج و زیارت تدوین شد و به اجرا در آمد و به ثمر نشست؛ البته چون روند کار تدریجی بود و هم شیوه ایشان از تبلیغ و راه انداختن سروصدا به دور بود، کمتر دیده شد یا برخی آقایان نخواستند که دیده شود.

کارهای بزرگی که در زمان مدیریت او اتفاق افتاد در طول سال‌های حج‌گزاری در جمهوری اسلامی بی‌نظیر بوده است. مروری به اهم این ابتکارات که در ذیل اشاره می‌شود دلیل روشنی بر این ادعاست:

تدوین و طراحی آیین‌نامه جامع جذب و گزینش کارگزاران همراه با طراحی فرایندها.

■ طراحی و اجرای طرح مودت با استفاده از زائران زبان‌دان و فرهیخته. این طرح چهار سال در معاونت فرهنگی با موفقیتی چشمگیر با کمترین امکانات و نیرو به اجرا درآمد و هر ساله بیش از دو هزار نیروی داوطلب آموزش‌دیده در آن شرکت داشتند و منجر به صرفه‌جویی در اعزام تعداد زیادی نیروی ستادی به حج شد.

■ طراحی و تدوین نظام جامع آموزش بعثه

■ طراحی و تدوین نظام جامع آموزش الکترونیکی بعثه

■ طرح آموزش‌های متمرکز بانوان حج‌گزار

■ طرح آموزش‌های متمرکز بانوان عمره‌گزار

در این طرح‌ها پزشکان متخصص زنان و اساتید حوزه معارف و مناسک حج و عمره حضور می‌یافتند و این دو طرح با استقبال کم‌نظیر بانوان زائر مواجه گردید.

■ آموزش زائران غیر ایرانی و ایرانیان مقیم خارج با تولید بسته‌های آموزش به

زبان‌های انگلیسی، عربی و آذری و طراحی و تولید نرم افزارهای آموزشی

مناسب

■ توجه و اهتمام به آموزش زائران شبه قاره و افغانستان با اعزام مربی و دایر کردن

جلسات آموزشی در این کشورها با آموزش و تجهیز روحانیون این کشورها.

■ ساماندهی بسته‌های فرهنگی زائران حج تمتع با سطح‌بندی زائران از نظر





- تحصیلات و جنسیت و انتخاب و ارائه بسته‌های مناسب با سازوکارهای جدید.
- دیجیتالی کردن ارزیابی کارگزاران فرهنگی که به افزایش بهره‌وری و دقت و واقع‌نمایی بیشتر عملکرد و کاهش در نیروی انسانی منجر شد؛ به طوری که در حج ۱۳۸۸، ۲۲ رابط برای ارزیابی اعزام شدند و در حج سال ۹۸ به سیزده رابط کاهش یافت.
- استفاده از فناوری نو در ارائه آموزش، خدمات فرهنگی و برگزاری آزمون‌ها که یک تحول بزرگ در بعثه بوده و افزایش بهره‌وری و رضایت کارگزاران و زائران را به همراه داشته است.
- برگزاری ویژه برنامه‌ها برای فرهیختگان و خانواده شهدا در موسم حج تمتع
- طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی ویژه زائران فرهیخته در کاروان‌های حج تمتع با تولید منابع و طراحی و شیوه‌های نو و جدید آموزشی
- طراحی و اجرای طرح معینه‌های ثابت و مستقر در مجموعه‌ها در حج تمتع که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به اجرا درآمد.
- طراحی و اعزام مبلغه‌ها به عتبات عالیات که ۳ سال به اجرا درآمد و به خاطر مشکلات مالی به تعلیق درآمد.
- طراحی و راه‌اندازی راویان به عتبات عالیات که الحمدلله بسیار مورد استقبال زائران قرار گرفت و از برنامه‌های موفق در عرصه فرهنگی بوده است. همچنین اجرای برنامه‌های روایت‌گری به مناسبت‌های مذهبی در داخل کشور همانند اجرای برنامه‌های روایت‌گری در عیدغدیر سال ۱۳۹۷ در پارک‌های تهران و روایت‌گری در فرودگاه‌ها.
- اجرای ویژه برنامه‌های کودک و نوجوان در سفرهای عمره و عتبات عالیات در ماه‌هایی که حضور کودکان و نوجوانان افزایش می‌یافت.
- طراحی و تولید نرم‌افزار مسافر قبله ۳ که اقدامی بی‌نظیر در کشور برای آموزش محسوب می‌شود.
- طراحی و تولید نرم‌افزارهای گزارش‌ها و مسابقات که صرفه‌جویی زیادی در





وقت و هزینه شد.

- طراحی و اجرای انتخاب مسئولان فرهنگی در مجموعه‌های زائران ایرانی در حج تمتع که چهار سال این طرح با موفقیت به اجرا درآمد.
- طرح پالایش مداحان کاروان‌های عتبات عالیات که با کنار گذاشتن صدها مداح که توفیقات کمتری داشتند منجر به ارتقای کیفی برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی کاروان‌های عتبات شد.
- طرح بهسازی معینه‌های حج تمتع که با توجه به افزایش فارغ التحصیلان خواهر حوزه‌ها، به افزایش کیفی مبلغه‌های حج و عمره انجامید.
- طرح دگرگونی در شیوه مصاحبه کارگزاران فرهنگی عمره و عتبات عالیات و توجه به مسائل شخصیتی و روانشناسی داوطلبان و انتخاب بسترهای مناسب برای سنجش توانایی‌های علمی، فردی و تبلیغی.
- تحول در ارتقای روحانیون عمره به حج
- طراح افزایش روحانیون عمره با اجرای برنامه‌های متنوع جذب و پذیرش دانش‌آموختگان مراکز تخصصی و برگزاری آزمون‌های منظم سالانه
- طرح جذب اساتید سطوح عالی حوزه‌های علمیه برای عمره و حج که باعث شد صدها اساتید توانمند و جوان و مستعد و با انگیزه با انتخاب سازوکار مناسب به سرمایه انسانی حج و زیارت افزوده شوند.
- اجرای رشته‌های تخصصی تبلیغ و ارتباطات گرایش حج و زیارت در دانشگاه قرآن و حدیث و مرکز آموزش عالی معصومیه و مدرسه عالی نواب مشهد
- طراحی و اجرای دوره کارشناسی ارشد ارتباطات گرایش حج به صورت الکترونیکی برای کارکنان و کارگزاران حج و بعثه در دانشگاه بین‌المللی امام رضا (علیه‌السلام)
- طراحی و تدوین برنامه جامع فرهنگی عتبات عالیات
- تهیه بسته‌های فرهنگی ویژه زائران خارج کشور در موسم حج تمتع. طراحی نرم افزار کتابخانه جامع حج که به همت مرکز کامپیوتر نور به اجرا درآمد.
- طراحی و اجرای ویژه برنامه‌های معارفی برای فرهیختگان در سفر حج تمتع به





صورت مجموعه‌ای.

- طراحی و تدوین سرفصل‌های آموزشی برای زائران حج و عمره به صورت جداگانه و استانداردسازی آن‌ها.
  - طراحی و تولید راهنمای آموزشی زائران از سوی کارگزاران
  - طراحی و تعیین سرانه فرهنگی زائر و تخصیص و پرداخت آن در موسم و قبل آن که نقش روحانیون را در راهبری و ساماندهی این حوزه و استفاده بهینه از سرانه زائر به نحو چشمگیری افزایش داد و حقوق زائران نیز تأمین گردید.
  - طراحی و اجرای کارگاه‌های مهارت‌افزایی برای کارگزاران فرهنگی (روحانیون، مداحان، مسئولان فرهنگی حج و زیارت). ده‌ها کارگاه در هر سال در حوزه مخاطب شناسی، ارتباطات مؤثر، مدیریت فرهنگی و نرم‌افزارهای کاربردی، کنترل خشم و مدیریت رفتار برگزار می‌گردید.
  - طراحی و اجرای طرح فصل مهمانی ویژه حفظ سور منتخب قرآن کریم در موسم حج تمتع؛ این طرح ۵ سال در حج تمتع به اجرا در آمد.
  - طراحی و برگزاری سوگواره فرهنگی و هنری دیدار با همکاری وزارت علوم و تحقیقات.
  - تولید محتوا و فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی در فضای مجازی.
  - اگر به این مجموعه طرح‌ها و برنامه‌های نو و مبتکرانه، برنامه‌های تحول در حوزه‌های دیگر هم اضافه شود طوماری بلند و طولانی خواهد شد. همانند تحول در شیوه و نحوه اعزام روحانیون حج و عمره، نحوه و شرایط انتخاب و اعزام رابطین به حج و عمره و عتبات عالیات، تحول در شیوه آموزشی زائران، تحول در نحوه رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی کارگزاران حج و زیارت، تحول در نحوه اعزام کارکنان ستادی حوزه فرهنگی به حج و عمره و عتبات، تحول در برنامه‌های قرآنی و تحول در برنامه و مراسم فرهنگی تبلیغی موسم حج که هر یک داستان خود را دارد و شرح آنها از حوصله این نوشتار خارج است.
۱۱. ولایتمداری و باور عمیق به آرمان‌های امام (ره) و رهبری از خصوصیات بارز





مرحوم دکتر مظلومی بود. پایبندی و نهادینه شدن باورهای مذهبی و اعتقادی در عمق جان او و تعهد بالایی او به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در همه زوایا و لحظات زندگی پر خیر و برکت او متجلی بود. این ویژگی از او فردی شیفته و محب اهل بیت (علیهم السلام) ساخته بود. علاقه او به اهل بیت (علیهم السلام) حدی بود که ذکر نام و یاد آن اولیای بزرگ الهی او را منقلب می ساخت. حضور او در کنار مرقدهای نورانی و ساحت قدسی اهل بیت (علیهم السلام) و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) با حال و هوای خاصی همراه بود. همه دوستان همراه، از حال خوش او در حضور این حریم های نورانی احساس شغف و نشاط می کردند. در کنار این تعهد و دلدادگی، باور عمیق به آرمان ها و اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) و رهبر فرزانه انقلاب داشت و اگر دستور و توصیه ای از ایشان در دست داشت سخت بدان وفادار بود و هیچ گاه از آن کوتاه نمی آمد.

همه همکاران ارجمند ما در این مدت خدمت، به خوبی واقفند که همین تعهد سبب شده بود که وفاداری و التزام شدیدی به دستورات و اوامر و احکام نمایندگان ایشان در حج و زیارت داشته باشند و قبل از صدور دستور و ابلاغ برنامه، اگر نظری داشت طرح می کرد و در میان می گذاشت و بعد از آن کاملاً وفادار و متعهد به اجرای کامل آن بود و حتی اگر برایش محرز می شد که نماینده معزز ولی فقیه چه در دوره قبل و چه در این دوره رضایت به انجام و اجرای امری دارد خود را ملتزم به انجام آنها می دانست.

۱۲. آینده نگری از عوامل موفقیت در تصمیم گیری ها و مدیریت او بود. به شدت از روزمرگی و اکتفا به رویه های جاری اجتناب می کرد. از این رو در ساماندهی و جذب تدابیر فرهنگی همواره نگاهی به جلو و آینده داشت. افزایش تعداد روحانیون عمره و عتبات و اجرای طرح های متعدد با همین نگاه و رویکرد بوده است و معتقد بود باید آمادگی کامل برای برگزاری حج در سخت ترین شرایط و با جمعیت زیاد باشیم و تحولات آینده را در برنامه ریزی دراز مدت لحاظ کنیم.

۱۳. ثبات قدم و ایستادگی در امور: مردان مؤمن و متعهد در عرصه های بحران و





تحت فشارهای محیطی و اجتماعی، شخصیت و درایت و قدرت مدیریت‌شان ظهور و بروز می‌یابد. افراد بسیاری حرف‌های نیکو و سخنان زیبا و کلماتی بی‌نظیر می‌زنند، اما در عمل و اقدام به ویژه در مواجهه با بحران‌ها و سختی‌ها به شدت متزلزل و ناپایدار هستند. حضرت امیر (علیه‌السلام) در وصف پارسایان می‌فرماید: «فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٌ»<sup>۱</sup> او مصداق کامل این وقار و طمأنینه در بحران‌ها بود.

در حج سال ۱۳۹۴ حادثه‌ای دلخراش و فاجعه‌ای فراموش نشدنی با بی‌تدبیری مسئولان آل سعود رقم خورد. بسیاری از مدیران، مضطرب و خائف و سردرگم بودند. او استوار ایستاد و به ساماندهی نیروها برای کمک و اداره کاروان‌ها و جایگزینی روحانیونی که از دست رفته بودند یا حادثه دیده بودند بر آمد. در حادثه مخالفت و ممانعت از برگزاری دعای کمیل در حج سال ۱۳۹۴ نیز شاید بتوان ادعا کرد از جمله مدیرانی بود که با درایت بی‌نظیر برای خنثی کردن تصمیم و فشار سعودی‌ها و فراهم کردن حضور زائران و کارگزاران، ایفای نقش مؤثر و شایسته‌ای داشت. و برخی تدابیری که او برای اطلاع‌رسانی به دور از رخنه‌های سعودی اندیشیده و طراحی کرده بود باعث شد تا در چشم همکارانش یک فرمانده اطلاعاتی نظامی باتجربه جلوه کند. در اهانت‌هایی که برخی از عوامل، از کارگزاران فرهنگی یا حتی در حادثه منا برخی خانواده‌ها بر او روا داشتند، هرگز به آنان تندی و جسارت نکرد، اما تنها چیزی که او را به شدت آزرده و تن او را به معنای واقعی کلمه به لرزه در می‌آورد و اشک می‌ریخت، خطا و لغزش برخی از کارگزاران فرهنگی بود؛ هیچ وقت بغض و اشک او را در حج سال ۱۳۹۸ در مقابل لغزش یک روحانی فراموش نمی‌کنم که از شدت ناراحتی، بغضی که کرده بود، حتی قدرت تکلم نداشت.

۱۴. زهد و تقوا از دیگر عوامل مهم موفقیت‌های او بود. با داشتن مهارت‌های زیاد و سال‌ها مدیریت در مراکز مختلف و به عنوان مبلغ در عرصه بین‌الملل که همیشه حضور موفقی در این عرصه داشت، برای خود و خانواده‌اش به کمترین‌ها اکتفا می‌کرد. با مناعت طبع بالایی که داشت، هیچگاه از متاع دنیا چیزی از کسی طلب نکرد. شاید





خیلی‌ها نپذیرند که بعد از انتقال به تهران، همه این سال‌ها مستأجر بودند. به‌رغم آن که میلیاردها تومان کمک‌های مردمی برای امور خیریه در اختیارش بود، هیچگاه برای خود از آن استفاده نکرد و حتی هدایایی که در دیدار با هیئت‌های خارجی و در سفرها به او داده بودند را استفاده نکردند. هیچ‌گاه زبان به ملامت و بدی از کسانی که در جاهای مختلف در دوران مدیریتی با آنها آشنا بود و روش و کارشان را نمی‌پسندید، نگشود.

۱۵. ادب و متانت او را می‌توان تندیس ادب و تواضع دانست، نسبت به همه فروتن و به رعایت آداب و ادب انسانی و اسلامی حساس بود. با آنکه در بسیاری از زمینه‌ها و حوزه‌ها از مهارت بالایی برخوردار بود، هیچگاه در منظر و جمع کسانی که ادعایی داشتند به بیان فضل و سوابق و توان خود نمی‌پرداخت و این امر سبب می‌شد بسیار خویشتندار باشد و چیزی نگوید تا طرف مقابل احساس شرمساری و خجالت نکند. حتی نسبت به زبردستان و همکاران ادب را رعایت می‌کرد. فقط در جمع محدود دو یا سه نفره عمامه از سر بر می‌داشت و هر وقت مراجعه‌کننده‌ای می‌آمد فوری عمامه را بر سر می‌گذاشت.

در سال اولی که به عنوان معاون فرهنگی به حج مشرف شده بود برای تقسیم اتاق‌ها و رعایت سخنیت اقامت جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای نواب و او را در یک اتاق قرار دادیم. وقتی فهمید قرار است حاج آقای نواب هم اتاقش باشد، نپذیرفت. هرچه اصرار کردم و از سجایا و ویژگی‌های اخلاقی و ادب و تواضع حاج آقای نواب گفتم، نپذیرفت. گفت من نمی‌توانم در حضور حاج آقای نواب پاهایم را دراز کنم تا چه برسد بخوابم. در سال دوم حاج آقای ذاکری را با ایشان هم اتاق کردم باز همین رویه را داشتند. نیمه شب حاج آقای ذاکری وارد شده بودند، ایشان یک شب را به زحمت تحمل کردند، صبح آمد و با ناراحتی گفت حاج آقای ذاکری قبلاً مسئول همه ما بوده و حق بر گردن ما دارد و من خدمت ایشان راحت نیستم. نمی‌توانم پاهایم را دراز کنم به ایشان جسارت می‌شود.

هنگامی که از مدیریت آموزش استعفا دادم و استعفا نامه را خطاب به ایشان نوشتم،





نپذیرفت با تأکید زیاد گفت، چون حکم شما را حاج آقای قاضی صادر کردند، خلاف ادب است که من استعفای شما را بپذیرم باید خطاب به ایشان باشد و من به ایشان تقدیم کنم.

او به حق یک مدیر لایق، بصیر و کارآمد فرهنگی در تراز بین‌المللی برای انقلاب اسلامی و حج و زیارت بود. که متأسفانه قدر او به کفایت و شایسته دانسته نشد، اما سربلند و عزیز و سبک‌بال پر کشید. ان شاء الله در جوار آل الله از رضوان و رحمت واسعه الهی متنعم خواهد بود.

درود خداوند بر او باد که پاک زیست و سبک‌بال به دیار معبود شتافت. او برای من یک برادر و دوست صمیمی، رفیقی شفیق، مشاوری امین، پشتیبان و تکیه‌گاهی مطمئن و روحانی اسوه بود که فراقش جانکاه و فقدانش اندوه دائمی است. همی گفتم که خاقانی دریغا گوی من باشد

دریغا من شدم آخر دریغا گوی خاقانی







## اخلاق مدار و متشرع



حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی<sup>۱</sup>

حقیر جناب آقای دکتر سید جواد مظلومی را از حج می‌شناسم. فردی متدین، مؤمن، مقید به ظواهر شرع، مقید به ظواهر عرف و فردی مقید به ادب در برخوردها بود. غالب دوستان، ایشان را به حسن خلق و مبادی آداب بودن می‌شناسند.

بنده در سفر حج، مسیری را با ایشان از هتل به چادرهای منا همراه شدم؛ فاصله نسبتاً طولانی بود، شاید دو سه ساعتی طول کشید. با هم کنار جمرات آمدم، با هم رمی کردیم و در مسیر با هم به سمت چادرهای منا رفتیم. آنچه که در مسیر از ایشان مشاهده کردم، پاسخ به سلام‌ها و سلام کردن به بزرگترها بود. ایشان در مواجهه با افراد، نکات اخلاقی را مدنظر داشتند.

ویژگی قابل توجه دیگر در ایشان تعهد کاری بود، خیلی نسبت به کار خودشان متعهد بودند، اهل اغماض نبودند، اهل رانت نبودند؛ در عین حال که تلطیف‌پذیر بودند، طبق مقررات عمل می‌کردند. اگر جایی راه داشت که بتوان بر اساس قوانین شرعی و قوانین حج و زیارت، حرکت مثبتی انجام داد، اقدام می‌کردند.

در کارشان نو آور بودند، از پیشنهادات و انتقادات استقبال می‌کردند؛ چنین نبود که تحکم داشته باشند. به هر حال فقدان این عالم فرزانه ثلمه و خسارت سنگینی برای مجموعه حج و زیارت، حوزه علمیه و دوستان فرهیخته بود.







## روحانی متبحر

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین عسکری علویه<sup>۱</sup>

حاج آقای مظلومی از روحانیون اندیشمند و متبحر بود. در امر تبلیغ دین، بسیار کوشا و مشتاق بود. فعالیت‌های تبلیغی ایشان در سفرهای خارجی که با حضور در محافل و اجتماعات مختلف صورت می‌پذیرفت، تأثیرگذار و جریان‌ساز بود. فردی صاحب نظر در حوزه‌های فرهنگی و تبلیغی و از دسته روحانیونی بود که با سواد روز و رسانه‌آشنایی کامل داشت که از ویژگی‌های شایسته و امتیاز آن مرحوم بود.

با توجه به اینکه من در مکه مکرمه مسئول مراسمات بودم و گاهی در امور مسائل فرهنگی هتل‌ها انجام وظیفه می‌کردم و از احوالات کاروان‌های خارجی خبر داشتم، هر زمان که خبر ورود کاروان‌های خارج از کشور را از من می‌شنید سر از پا نمی‌شناخت و سرکشی به آن کاروان را در اولویت کاری خود قرار می‌داد و ساعت‌ها برای افرادی که عرب‌زبان یا انگلیسی‌زبان بودند، وقت می‌گذاشت. حتی زیارت دوره آن کاروان را نیز خود بر عهده می‌گرفت. شوق عجیبی برای سخنرانی با زبان انگلیسی یا ترکی استانبولی برای زائران خارجی داشت.

یک روز خیلی پریشان احوال بودند. من گفتم: جناب آقای مظلومی، چاره درد شما را می‌دانم. خندید و گفت: چه هست؟ گفتم: اگر هر روز یک سخنرانی در جمع زائران داشته باشید، شاداب خواهید شد. ایشان پیشنهاد بنده را پذیرفت. روزانه یک سخنرانی در هتل‌ها، مخصوصاً در جمع آذری‌زبان‌ها برای ایشان در نظر گرفتم. خیلی علاقه به مجالس اهل بیت (علیهم السلام) داشت. بعد از هر جلسه از شادی در پوست خود

۱ - مسئول دفتر نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در منطقه قم





نمی گنجید. می گفت: خدا به شما خیر بدهد که چنین برنامه هایی تدارک می بینید و ما استفاده می کنیم و فیض می بریم.

می گفت: آقای عسکری! من برای تبلیغ ساخته شده ام. آنقدر که از تبلیغ دین لذت می برم، از کارهای اجرائی لذت نمی برم. از هیچ مجلس روضه ای به راحتی نمی گذشت، ولو لحظاتی سعی می کرد حضور یابد و بنشیند و برای مصیبت های جدش امام حسین (علیه السلام) اشک بریزد. سعی می کرد در مجالس، جایی بنشیند که کسی او را نبیند و در تصویر یا قاب تلویزیون نیاید. گاهی چنان می گریست که شانه هایش تکان می خورد، مانند مادر فرزندی که دست داده؛ مخصوصاً در مصیبت عمه اش حضرت زینب (س) بسیار منقلب می شد.

یک روز در منطقه غزوه احد، همراه روحانیون کاروان ها که برای توجیه جبل احد و منطقه عملیاتی مشرف شده بودیم، بعد از مصیبت حضرت حمزه به کربلا و بدن پاره پاره امام حسین (علیه السلام) اشاره کردیم و به یاد مصائب حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) ذکر مصیب خواندیم. ایشان چنان از خود بیخود شد که تا آخر برنامه آثار تأثر و اشک از چهره اش نمایان بود.

روزی به همراه هم به مکان ورود اسرای پیروز کربلا در خیابان عمر بن خطاب رفتیم و به ذکر مصیبت ورود اسرا به مدینه پرداختیم. در آن زمان اشاره کردم به عبدالله بن جعفر که مقابل خیمه مخدرات آمد و زینب کبری (سلام الله علیها) که به استقبال ایشان رفتند، ولی عبدالله زینب را شناخت. حضرت فرمودند: عبدالله حق داری زینب را شناسی! ایشان آنقدر ضجه زدند که از خود بیخود شدند. علاقه ایشان به حضرات اهل بیت (علیهم السلام) زبانزد همه بود.

گاهی روبروی رکن یمانی می نشست و ساعت ها با زائران غیرایرانی و از مظلومیت جد غریبش حضرت امام علی (علیه السلام) می گفت و گریه می کرد. هیچ چیز برای ایشان عنوان ذاکر الحسین یا ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) نمی شد.

ایشان عاشق انقلاب، امام (ره) و رهبری بود و هر چه در توان داشت برای تبلیغ و تقویت جمهوری اسلامی صرف کرد.







## حامی حقوق زائر



حجت الاسلام والمسلمین شیخ رجبعلی زمانی<sup>۱</sup>

من بیش از چهار سال در حوزه معاونت فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری در سمت مدیر جذب و سازماندهی امور روحانیون و مداحان در معیت حجت الاسلام والمسلمین دکتر مظلومی بودم و مدتی هم در جایگاه مسئول هماهنگی نمایندگی‌های بعثه در استان‌ها بیشترین همکاری و مراوده را با ایشان داشتم.

معمولاً اینجانب در سفرهای مختلف به سرزمین وحی از سوی ایشان مأمور می‌شدم تا هماهنگی با نماینده محترم ولی فقیه و مسئولیت امور روحانیون در مدینه و مکه را به عهده بگیرم. دقت و پیگیری ایشان در جلسات متعدد رابطین و روحانیون کاروان‌ها و بازخورد آن برای زائران بیت الله الحرام و مدینه النبی اثر بسزا و فوق‌العاده‌ای داشت که همین امر در کاروان‌های عتبات مشرفه عراق به نحوی دیگر انجام می‌شد.

چندین سفر کاری به استان‌ها و شهرستان‌ها به همراهی مرحوم حجت الاسلام دکتر مظلومی انجام شد. این سفرها مربوط به نشست‌های کاری و آموزشی روحانیون و مداحان و نیز زائران حج واجب یا عمره یا عتبات مشرفه عراق بود که خستگی ناپذیری و پیگیری‌های کارساز و مفید حجت الاسلام مظلومی در آنها غیر قابل انکار بود.

از دیگر تلاش‌های قابل تمجید ایشان، شرکت در جلساتی بود که به بررسی عملکرد برخی از کارگزاران مجموعه معاونت فرهنگی مربوط می‌شد. این گونه جلسات با دقت نظر آقای مظلومی با تصمیمات دقیقی خاتمه می‌یافت. مرحوم دکتر سید جواد

۱ - مسئول سابق امور استان‌های بعثه مقام معظم رهبری





مظلومی با دقت نظر، همیشه تأکید می‌کردند که مراعات حقوق زائران و جایگاه بعثه مقام معظم رهبری حائز اهمیت است و لکن آبروی مؤمن همانند آبروی کعبه مشرفه است. از این رو پرسش‌های دقیقی در مورد برخی ابهامات می‌کرد و برایش هیچ‌گونه تفاوتی نداشت که متهم چه کسی است و به هیچ‌گونه توصیه‌ای هم توجه نمی‌نمود، بلکه سعی می‌کرد زمینه حکم واقعی به وجود آید و نتیجه‌اش رضایت خداوند و حضرت ولی عصر (عج) باشد. حفظ اسرار افراد برایش یک اصل بود و من هرگز از ایشان غیبت کسی را نشنیدم. هر چه را می‌خواست به افراد بگوید با صراحت در حضور آنها مطرح می‌کرد. برخورد قانونی از ویژگی‌های دیگر او بود و برایش آشنا و غیر آشنا مفهوم نداشت.







## مدیر بسیجی

حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی گرجی<sup>۱</sup>

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

برای اولین بار بود که برای به دست آوردن عنوان افتخارآمیز خادمی زائران خانه خدا به سازمان حج و زیارت تهران و دفتر بعثه آمده بودم. ساختمان خیلی برایم چشم‌نواز نبود و عنوان بعثه هم تعجب‌آور بود. چون ساختمان خیلی پیچیده بود و نام بعثه هم ناآمنوس می‌نمود.

در طبقه مربوط به روحانیون، ملاقات با طلبه مسئول وقت انجام شد و برخورد خوب او برایم شیرین بود و از آن بهتر دیدار سیدی نورانی و در عین حال جدی و فکور و با درایت در قلبم خاطره انگیز شد. قبلاً او را در مباحث مطالعات نرم‌افزاری دیده بودم، چرا که برای تهیه یک یا چند سی دی فاخر روایی خیلی جستجو کرده بودم و به ایشان رسیده بودم و می‌دانستم که عنوان خادم‌القرآنی بدین سبب برازنده او شده است. بعداً از دوستان شنیدم دکترای فلسفه تطبیقی دارد و کاملاً آگاه و به روز در مباحث رسانه است.

او سید جواد مظلومی بود که در نگاه اول روحیه یک مدیر بسیجی و آشنا به لوازم گفت‌وگو با مخاطب در او دیده می‌شد.

کمی لهجه آذری داشت که فهمیدم اهل زنجان و از دیار پاکان ترک این سرزمین است. در مصاحبه‌ای در قاب رسانه خاطراتش در جبهه‌های دفاع ۸ ساله را شنیدم که

۱ - مسئول نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در اصفهان





برایم جالب بود؛ او دکترای فلسفه داشت، آن هم تطبیقی و اهل جهاد بود. آنچه بعدها بر شگفتی‌ام افزود و احترامش را دل و جانم بیشتر نمود، حلاوت شنیدن خبر عضویت او در دوره اول شورای عالی مجازی کشور به امر رهبر و ولی بود. او در تدوین روح الجنان و جامع الاحادیث که دو میوه فاخر میدان علوم نرم‌افزاری معنوی و روایی بودند، پرنده روحش به پرواز درآمده بود، پس لایق چنین افتخاری هم بود و البته منصب خادم القرآن هم گوارایش.

اینگونه خاطرش در ذهنم نشست تا به لطف ایزد منان به بعثه اصفهان مشرف شدم و قبل از آن در جلسات عمومی طلبه‌های کاروان‌ها سخن گرم و دلپذیرش را شنیدم و در بعثه به نظرم حکمت مدیریت و تسلط او بر چند زبان خارجه مزید بر امتنان و عزت او در خاطرمد شد.

اینگونه است که روح بی‌ریا و بی غل و غش این سید جوان ما و تأثیر خوبش در حج و زیارت و عتبه آل الله، مایه شرافت این زنجان عزیز و دانشمند ما گردید و صد البته وقتی ستاره آسمان فرهنگ و آشنای به سواد رسانه‌ای با همه پیچ و خم‌ها و جذابیت‌ها و فتنه‌های گوناگونش همراه شد، طبیعتاً قادر به پاسخگویی به نیازهای جوانان خواهد بود. برای همین بود که برخی بزرگان ژرف‌اندیش ما به آینده درخشان او امیدوار بودند و چرا که نباشند، کسی با این خصوصیات و به ویژه موفقیت در عرصه تبلیغ بین‌الملل، حقیقتاً می‌تواند بازویی توانمند برای تبیین معارف شیعی باشد.

در سفر و سیرمان به بیت الله بارها در جمع عاشقان طواف دوست، سخن برخاسته از جانش، طراوتی دیگر داشت و چشمان پر اشکش در میهمان‌خانه عرفات و منی، دل هر بیننده‌ای را می‌ربود. خوشا دل پاک و ضمیر بیدارش که اینچنین مطلع العشق مهاجران بیدار دل بود. به گمانم از عدم تعلقش به منصب و عنوان و رتبه‌ها بود که دانه‌های اشکش به دامن می‌ریخت.

حال خامه برمی‌چینم و به سوگنامه دلم رجوع می‌کنم که چگونه لایق شد زیر سایه کریمه اهل بیت (علیهم السلام) بنشیند و تحت قبه علمای ربانی آرمیده و در آن ارض مقدس جاودانه شود.







## سخنرانی کاربردی



حجۃ الاسلام والمسلمین حسین احمدی<sup>۱</sup>

هر چند بنده با مرحوم آقای دکتر مظلومی از شهر مقدس مشهد و از راه دور همکاری داشتم، اما در عین حال در ارتباطات کاری و برخوردهای اجتماعی، فضائل زیادی را در ایشان دیدم:

۱. از نظر علمی توانایی ویژه‌ای در مسائل علمی داشت؛ علاوه بر کسب درجات علمی در حوزه علمیه، در IT و زبان‌های انگلیسی و عربی تسلط تخصصی پیدا کرده بود و به راحتی به زبان‌های انگلیسی، عربی و... سخنرانی می‌کرد.
۲. بعثه خراسان رضوی هر سال، قبل از برگزاری حج، برنامه گسترده و باشکوهی با عنوان اسرار حج در میدان بزرگ شهدای مشهد برگزار می‌کند و هر سال یکی از سخنرانان مشهور کشوری مثل آقای ماندگاری و آقای حسینی قمی و... را برای سخنرانی دعوت می‌کند؛ در حج ۱۳۹۸ برای سخنرانی ویژه مراسم از مرحوم دکتر مظلومی دعوت کردیم، ایشان پنجشنبه در جمع هزاران زائر به گونه‌ای سخنرانی کرد که از همه سخنرانان سال‌های گذشته کاربردی‌تر و جذاب‌تر بود.
۳. با آن که شخصیت برجسته‌ای داشت و معاون فرهنگی بعثه بود، هرگز اجازه نداد که هنگام آمدن به مشهد به استقبالش برویم؛ با اینکه مهمان بعثه بود و ما از ایشان دعوت کرده بودیم، اما هرگز اجازه نداد هتل برای اسکان ایشان در نظر بگیریم. او به سوئیت ساده بعثه اکتفا می‌کرد و هزینه‌های پذیرایی را پرداخت می‌نمود. چندین مرتبه به دعوت آستان قدس رضوی در حرم مطهر

۱ - مسئول نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در خراسان رضوی





- سخنرانی داشت و مسئولین مربوطه برای پرداخت حق الزحمه شماره حساب طلب می کردند، اما او اظهار می داشت که حق الزحمه نمی خواهم.
۴. وارد مجالس که می شد از نشستن در صدر مجلس خودداری می کرد؛ در پایین مجلس می نشست و نهایت تواضع را داشت.
۵. نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) ارادت خاصی داشت و در مجالس روضه بی اختیار اشک می ریخت و شانه هایش تکان می خورد.
- درگذشت آن مرحوم واقعاً برای بعثه و برای جامعه روحانیت ثلمه بود.







## مدیر شایسته

حجت الاسلام والمسلمین محمد شریفانی<sup>۱</sup>

«يَا مَنْ بِدُنْيَاهُ اشْتَغَلَ      قَدْ غَرَّهُ طُولُ الْأَمَلِ  
الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً      وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ»<sup>۲</sup>

درگذشت ناباورانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج سید جواد مظلومی از جمله مرگ‌های عبرت‌آموز و پندآموز است. بنده طی ۱۰ سال آشنایی و مراوده با ایشان، صفحات زرین و ارزشمندی در زندگی ایشان مشاهده کردم که مختصراً به آنها اشاره می‌نمایم.

۱. شفافیت و صداقت: ایشان در مقام یک مسئول، آنچه را که مصلحت و منفعت سازمانی بود به طور شفاف و در نهایت صداقت و با صراحت هرچه تمام‌تر بیان می‌کرد، با وجود اینکه می‌دانست هزینه‌های خاص خود را دارد.

۲. قانون‌مداری: مرحوم دکتر مظلومی انسانی کاملاً قانون‌مند و قانون‌مدار بودند و برای جزء جزء مسائل حج و زیارت قانونی مستدل تعریف کرده بود و تا حد اعلا از آن دفاع می‌کرد و لوازم آن را می‌پذیرفت.

۳. منطقی و مستدل: قانون‌مندی، نیازمند منطق و استدلال است که ایشان برای قوانین مرتبط، منطق لازم و استدلال بایسته را ارائه می‌کرد.

۴. عدالت محوری: نتیجه قانون‌مند بودن، طبیعتاً عدالت محوری است که به همین خاطر ایشان انسانی عادل در برخورد با اشخاص گوناگون بودند و برای هیچ کس امتیازی فراتر از قانون قائل نمی‌شدند.

۱ - مسئول نمایندگی بعثه مقام معظم رهبری در استان فارس

۲ - منهاج البراعة، ج ۴، ص ۴۰۶





۵. نظم و برنامه‌ریزی: به دفعات مکرر با ایشان جلساتی داشتیم که حتی برای یک دفعه هم شاهد بی‌نظمی در این جلسات از طرف ایشان، از حیث حضور و سایر موارد نبودیم.







## تدبیر هوشمندانه



جناب آقای سید محسن باقری<sup>۱</sup>

به خاطر دارم که در یکی از سفرهای حج در مدینه منوره به اتفاق پرسنل گروه با آقای دکتر مظلومی برای استقبال از زائران ایرانی مقیم خارج که با پرواز از آمریکا می آمدند به فرودگاه رفتیم، تابلوهای مخصوص پرواز نور در دستمان بود؛ زائران هم می دانستند که وقتی از سالن بیرون می آیند باید نزدیک تابلوی پرواز نور تجمع کنند. همین که زائران زیر تابلو می آمدند به آقای مظلومی عرض کردم با این وضعیتی که این خانمها آمده اند انگار آمده اند لب ساحل. ایشان فرمودند که در این سه چهار روز در مدینه، همه اینها درست می شود؛ نگران بودم که وهابی های متعصب برای ما مشکل ایجاد کنند.

خیر مقدم گفتیم و مسافران را در لابی جمع کردیم. آقای مظلومی بیست دقیقه ای برای زائران صحبت کردند و به مسافران گفتند که من خودم وقتی بخوام به سفر توریستی بروم، نوع لباسم را تغییر می دهم و اسپورت می پوشم، سفر زیارتی که می روم نوع دیگری می پوشم که احترام و شأن آن محیط های مقدس حفظ شود؛ همینطور که ایشان در مورد پوشش از خودشان می گفتند، کم کم می دیدم شال هایی که روی سر خانمها بود آرام آرام جلوتر می آمد؛ تا اینکه سخنرانی ایشان تمام شد و اعلام کردند که اکنون به زیارت می رویم. سؤال کردند که همگی آمادگی دارید؟ در آن لحظه چند نفر از خانمها گفتند که آقای مظلومی اجازه بدهید برویم و مانتوهای خود را عوض کنیم و لباسمان را تغییر بدهیم. نحوه صحبت مرحوم مظلومی بسیار اثرگذار بود. به همین دلیل همه جذب ایشان شده بودند و بعضاً شبها می نشستند و راجع به مطالب مختلف

۱ - مدیر عامل آژانس پرواز نور (مدیر کاروان ایرانیان مقیم خارج از کشور)





با حاج آقای مظلومی صحبت می کردند.

مورد دیگری که حائز اهمیت بود، اینکه آقای مظلومی، سعی می کردند همه تلفن ها و واتساپ و تلگرام مسافرها را داشته باشند و واقعاً در طول سال با آن ها ارتباط داشتند، خصوصیات اخلاقی بسیار خوب و جاذبه بسیار عالی داشتند که مسافران را جذب می کرد و این ارتباط تا قبل از فوتشان وجود داشت. حتی کسانی که از مریضی ایشان مطلع بودند، برای ایشان پیام های متعدد می دادند و احوالشان را می پرسیدند.

تا سال ها ارتباط خود را با ایرانیان خارج از کشور حفظ کرده بود، حتی بعد از چهار، پنج سال و زمانی که ایشان در بعثه مقام معظم رهبری مسئولیت بر عهده داشتند، به هر طریقی شده بود در سرزمین عرفات برای یک ساعت هم که بود، خودشان را به چادر ما می رساندند و با ایرانیان خارج از کشور ارتباط برقرار می کردند، از حال دوستان سال های قبل جويا می شدند؛ دوستان جدیدی پیدا می کردند و با آنها بحث و تبادل نظر می کردند.

طی مدت اقامت در مدینه منوره و مکه مکرمه با حضور ایشان، کلاس های درس مناسب برای گروه های مختلف به زبان انگلیسی، عربی و ترکی برگزار می شد. خیلی جالب بود که برای مسافرها وقت می گذاشتند و حتی برای ترک زبان ها جداگانه کلاس می گذاشتند و نظرشان هم این بود که حجاج باید مناسب را خوب آموزش ببینند، چون این به گردن ماست و ما مسئولیت داریم. ایشان اطلاعات بسیار زیادی داشت و به مسائل مذهبی و به ویژه مسأله حج مسلط بود. کتاب «حج ای تو زد» ایشان به زبان انگلیسی معروف بود و ایرانیان خارج از کشور از آن استفاده می کردند. دریغ که ایشان را از دست دادیم.







## مدیر آینده نگر



جناب آقای علی جعفری<sup>۱</sup>

هنوز یکسال از حضور مرحوم دکتر حاج سید جواد مظلومی در معاونت بین الملل بعثه نگذشته بود که این مجموعه از خدمات و تجربیات ایشان بی بهره شد. دکتر مظلومی را از زمان حضور در معاونت فرهنگی بعثه می شناختم. از او به عنوان یک مدیر جدی، قانونمند، فنی و سیستمی یاد می کردند. طی مدت حضور در معاونت بین الملل سبک مدیریت او را در جهت نظام مند کردن امور، بکارگیری روش های مطلوب و روزآمد و پرورش نیروها یافتیم. در ادامه تجربیات خود را از مدیریت ایشان در حول سه موضوع زیر بیان می کنم.

زمانی که دکتر مظلومی به معاونت بین الملل بعثه پیوستند فصل تدوین برنامه و بودجه سال ۱۳۹۹ در بعثه فرارسیده بود. بر اساس سنت، جلسه اولیه ای داشتیم و ملاحظات ایشان را اخذ نمودیم. اگرچه در سال های اخیر بسترهای لازم برای ایجاد تحول و نوگرایی در معاونت ایجاد شده بود، اما با نظر آن مرحوم برنامه های خود را به صورت حداکثری معطوف به نوگرایی و بهره گیری از ابزارها و روش های نوین قرار دادیم. آنچه جالب بود اینکه ایشان به اطمینان مدیران از اجرای برنامه ها و شفافیت بودجه ای تاکید بسیاری داشتند. بارها برنامه های پیشنهادی را برای انجام اصلاحات و واقعی تر کردن گام های اجرایی عودت داده و نهایتاً با اطمینان از همخوانی پیشنهادهای با امکانات و ظرفیت ها، با برنامه های پیشنهادی موافقت کردند. بر اساس تجربه، آنچه

۱ - از همکاران امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری





می‌توانست دکتر مظلومی را در تایید نهایی برنامه‌ها متقاعد کند، همخوانی نیازها با امکانات و بودجه بود که می‌بایست با شفافیت گام‌های اجرایی همراه باشد.

محور دیگر، اعتقاد ایشان به کادرپروری در مجموعه بود. به اعتقاد آن مرحوم نیروها باید برای انجام کارهای بزرگ پرورش می‌یافتند. زمانی که صحبت از تهیه و گردآوری محتوای مناسب برای استفاده در بخش بین‌الملل به میان آمد، ایشان گام اول را در آشنایی همکاران با نحوه نمایه‌زنی و تقسیم‌بندی موضوعی محتوا دیدند. به همین دلیل، در کسوت یک استاد، کارگاه نمایه‌زنی تشکیل و برای محک زدن توان همکاران به همه تکالیفی واگذار کردند. نمایه‌زنی یکی از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و ارزیابی محتوایی ۵ کلیپ توسط هر یک از همکاران، از تکالیفی بود که ایشان محول نمودند. این رویداد نشان می‌داد که مرحوم مظلومی فراتر از توان همکاران توقعی نداشت و اگر اجرای برنامه‌ای را ضروری می‌دید زمینه تحقق آن یعنی آماده‌سازی نیروها را از نظر فکری و عملیاتی مدنظر قرار می‌داد و به کادر پروری عنایت ویژه داشت.

نکته دیگر، تلاش ایشان برای برگزاری وبینارهای بین‌المللی موسم حج ۱۳۹۹ بود که به دلیل تعطیلی حج مقرر شد به صورت مجازی برنامه‌ریزی شود. در این راستا، با هماهنگی نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت برنامه‌ریزی برای اجرای چند وبینار بین‌المللی انجام گردید. ایشان معتقد بود اجرای وبینارها باید به صورت زنده و با ترجمه همزمان انجام شود که البته امکانات و توان زیادی را می‌طلبد. دکتر مظلومی در گام نخست تمام همکاران معاونت را بسیج و به هر کدام از افراد، یک بخش از کار را محول کردند و مسئولیت هماهنگی بخش‌های مختلف را به بنده سپردند. اگرچه تقسیم کار صورت گرفته از نظر برخی متناسب با تخصص، جایگاه و توان افراد نبود، اما سبک مدیریت ایشان در بکارگیری و درگیر کردن همه نیروها قابل توجه بود. ایشان بر خلاف بسیاری از مدیران، تمامی برنامه‌های مجازی موسم را که اجرای آن در سالن وحدت بعثه انجام می‌شد، با تلاش بسیار و به صورت میدانی، شخصاً مدیریت کرد و گذشته از میزان تحقق اهداف، توقعات را در اجرای برنامه‌های مجازی بالا برد.

بعد از اتمام سومین وبینار بین‌المللی بود که ایشان با خستگی تمام، اظهار کسالت





کردند و فردای آن روز متوجه شدیم به دلیل عارضه ریوی تحت درمان قرار گرفته‌اند. اگرچه پس از یک طی دوره درمان که عاقبت آن برای هیچکس مشخص نبود، چند روزی به محل کار آمدند، اما با تداوم کسالت، پرونده آخرین تجربه مستقیم کاری ما با دکتر مظلومی در معاونت بین‌الملل با وینارهای مجازی موسم ۱۳۹۹ بسته شد و پس از حدود یک‌سال از حضور در معاونت، در منزلگاه عند ربهم ماوا گرفت.









## فصل پنجم



### فعالیت های تبلیغی و بین المللی







## حامی مسلمانان میانمار



آیت الله محمد حسن اختری<sup>۱</sup>

آشنایی بنده با جناب حجت الاسلام مظلومی به ده سال اخیر مربوط می‌شود. در جلسات مختلفی که با هم حضور داشتیم، ایشان را در میان روحانیون و علمایی که با آن‌ها در ارتباط بودم، انسانی بسیار وارسته، عالم، دانشمند، متفکر، اندیشمند، منطقی، توانمند، مدیر و مدبر یافتم.

ایشان بعد از گذراندن دوران تحصیلاتشان در قم و در دانشگاه‌های دیگر و رسیدن به مراتب خوب از نظر علمی، خدمات زیادی را در زمینه‌های مختلف انجام داده‌اند؛ از جمله خدماتشان در مرکز کامپیوتری نور بود که با همکاری و همیاری دوستانشان توانستند آثار خوبی را به ویژه در خدمت به مسلمانان و در خدمت به قرآن از خود بر جای بگذارند.

یکی از افتخارات ایشان این است که به خاطر خدمات خوبی که در مرکز کامپیوتری برای ترویج فرهنگ قرآنی داشتند لوح تقدیر به عنوان خادم القرآن به ایشان تعلق گرفت، که به عقیده بنده این بهترین و بزرگترین سرمایه‌ای است که ایشان توانسته است در عمر پر برکت خودش ذخیره کند. در عین حال در تحکیم و تبیین معارف اهل بیت (علیهم السلام)، در فقه، حدیث، رجال و در زمینه فلسفه و حقوق هم خدمات ارزنده و خوبی را انجام داده‌اند.

لوح فشرده نورالجنان یکی از خدماتی است که در زمینه ادعیه و اعمال و در ارتباط با خداوند متعال و زنده نگه داشتن روح معنویت در انسان از ایشان به یادگار مانده

۱ - رئیس شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)





است. به ویژه اینکه به چند زبان ترجمه و حتی برای غیرفارسی زبانان ارائه شده است. همچنین ایشان در تحصیل و تدریس در حوزه، در حضور علما، مراجع و بزرگان و همچنین تدریس در دانشگاه ها و فعالیت در برنامه های آموزشی، سوابق برجسته ای دارند. به ویژه طی مدت مسئولیتشان در معاونت فرهنگی بعثه، در حوزه حج و زیارت، در تبیین و تعریف و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) نقش مهمی را ایفا کردند و با توجه به تسلط بر زبان انگلیسی و عربی موفقیت های بزرگی به دست آوردند.

ایشان در حوزه حج و زیارت حدود ده سال در معاونت فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری مسئولیت داشتند که بسیار فرد شایسته و اثرگذاری بودند. هم در بحث لوح های فشرده و هم در بخش برنامه های فضای مجازی و منشورات، کتاب ها، مقالات و مجله های مختلف، نقش بسیار خوبی را ایفا کردند.

همچنین در یکی دو سال اخیر که مسئولیت معاونت بین الملل بعثه مقام معظم رهبری را به عهده داشتند، بسیار فعال بودند و بنده هم به عنوان عضو کوچکی در بعثه مقام معظم رهبری و در هیئت علمی از اطلاعات و پیشنهادات و برنامه ها و گزارش هایشان استفاده می کردم.

در برنامه های شرق آسیا و فعالیت های بین المللی که بخش بسیار چشمگیری در کارنامه ایشان بود، به صورت مرتب به تایلند، بنگلادش و... مسافرت و مسائل را در آنجا پیگیری می کردند. یکی از مسائلی که با همدیگر همکاری کردیم، در مورد جنایاتی بود که در کشور میانمار علیه مسلمانان صورت گرفت. یکی از کسانی که در این خصوص بسیار کمک می کرد، فعال بود و در منطقه حضور پیدا می کرد، مرحوم حضرت حجت الاسلام والمسلمین مظلومی بود که در کمک رسانی به میانمار مشارکت بسیار مؤثری داشت. امیدوارم در برابر این نوع خدمات دلسوزانه که آقای مظلومی نسبت به مردم محروم مسلمان، به ویژه مردم میانمار داشتند، خداوند پاداش خوبی به ایشان عنایت فرماید.

لازم می دانم به تواضع، اخلاص و ولایتمداری ایشان هم اشاره داشته باشم؛ ایشان شخصیتی علمی و دانشمند، اما بسیار متواضع و فروتن داشتند و اخلاق مدار بودند.





همه دوستانی که با ایشان آشنا بودند، از برخورد‌های پر مهر و دوستانه و تواضع ایشان همواره سخن می‌گفتند و این یکی از سرمایه‌های خوبی است که ایشان توانسته بود در دوران تحصیلات و زندگی خودش به ویژه از محضر اساتید بزرگ و علمای بزرگ در قم کسب کند؛ مراجعی همچون، حضرت آیت الله العظمی آملی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی و علمای دیگر؛ آنچنان که توانستند در سیره زندگی خود اخلاق اسلامی و سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را تجلی ببخشند.

خدایا تو را به عزت و جلالت قسم می‌دهم که این بزرگوار و عزیز ما را با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندانش محشور بفرما!







## سفرهای موفق تبلیغی



حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیم ظرافتی<sup>۱</sup>

آشنایی بنده با مرحوم دکتر مظلومی به سال های ابتدایی ورود ما به حوزه علمیه قم مربوط می شود؛ یعنی سال ۱۳۶۲ که ایشان یا همزمان با بنده یا یک سال جلوتر، به حوزه علمیه قم مشرف شده بودند و وقتی که من به مدرسه امام صادق (علیه السلام) برای تحصیل وارد شدم، با ایشان به عنوان یک طلبه با استعداد و نخبه مواجه شدم. به قول دوستان، طلبه زرننگ کلاس و باهوش مدرسه محسوب می شدند و به خاطر همین استعداد و این هوش سرشارشان بود که مورد توجه مدیریت مدرسه قرار گرفت و برای امور اداره مدرسه و همینطور کارهای فرهنگی مدرسه و تدریس، از وجود ایشان استفاده می شد.

سه چهار سالی که در مدرسه بودیم، آشنایی ما همین مقدار بود و شاهد فعالیت های ایشان بودیم، تا اینکه دوران سه چهار ساله مدرسه و سطح مقدمات به پایان رسید و هر کدام از ما برای ادامه تحصیل راه خودشان را در پیش گرفتند. من دیگر بعد از آن کمتر با این عزیز مواجهه داشتم و دورادور ذکر خیرشان را می شنیدم.

به تدریج پایمان به حوزه های فرهنگی و تبلیغی در خارج از کشور باز شد، ایشان در مرکز کامپیوتری در حوزه تهیه نرم افزار علوم اسلامی مشغول شدند. تا اینکه در هفت هشت سال گذشته در یکی دو همایش با ایشان روبرو شدیم، دیدم که الحمدلله شخصیت نرج گرفته ای شده اند و به یک شخصیت ارزشمند علمی بدل شده اند و

۱ - عضو معاونت بین الملل دفتر مقام معظم رهبری





همینطور با مسائل خارج از کشور به روز شده بودند.

همکاری نزدیک ما از زمانی شروع شد که سال ۹۳ و ۹۴، معاونت بین الملل دفتر مقام معظم رهبری تصمیم گرفتند که ایشان را برای تبلیغ به جنوب شرق آسیا اعزام کنند. این باعث شد که ما دوباره به هم نزدیک شویم و انس بیشتری با هم پیدا کنیم. الحمدلله ایشان نهایت استفاده و بهره‌مندی را از حوزه مقدسه علمیه قم برده بودند؛ از اساتید ارزشمند و فاضل دوره خودشان استفاده‌ها برده بودند. در کنار درس حوزه به دلیل ضرورتی که بود، به دانشگاه هم ورود کرده بودند و همینطور باز به سبب ضرورت تبلیغ، به زبان انگلیسی هم آشنا و مسلط شده بودند.

شخصیت آقای مظلومی شخصیتی یک وجهی و یک بعدی نبود؛ آقای مظلومی شخصیتی چند بعدی داشتند و در این دو سه دهه‌ای که در حوزه بودند به یک شخصیت ارزشمند و مؤثر علمی و فرهنگی تبدیل شدند که بسیار هم در حوزه‌های تولید نرم‌افزار علوم اسلامی تأثیرگذار بودند. در بحث حج و زیارت و عتبات عالیات و همینطور در حوزه تبلیغ خارج از کشور نیز بسیار مؤثر عمل کردند.

در واقع ایشان هم فضل حوزوی و هم فضل دانشگاهی داشتند، هم مسلط بر نرم‌افزار و رایانه بودند. حقیقتاً ایشان جزء پیشروان حوزه کامپیوتر و ورود کامپیوتر در حوزه علمیه قم بودند و یادگارهای ارزشمندی را در بحث تولید نرم‌افزارهای علوم اسلامی از خودشان به جای گذاشتند. نکته قابل توجه اینکه به حوزه رسانه هم مسلط بودند. ایشان شخصیتی متقی و بسیار منظم بودند؛ این ویژگی‌ها ما را در سپردن یک سری مسئولیت‌های سنگین خاطر جمع می‌کرد. انضباط و نظم در مسئولیتی که به عهده ایشان گذاشته می‌شد، به گونه‌ای الگوساز و نمونه بود. ایشان بسیار پرکار بود و اهتمام بسیار زیادی نسبت به کارهایی داشتند که به ایشان محول می‌شد.

واقعیت این است که از دست دادن و فقدان ایشان به معنای واقع مشمول آن حدیث و روایتی است که می‌فرماید «ثَلَمَةٌ لَا يَسْدُهَا شَيْءٌ»، هیچ چیزی نمی‌تواند فقدانیه که از بابت یک عالم فرزانه، یک عالم عامل به دین، عامل به اخلاق پیدا می‌شود را پر کند. متأسفانه افراد فاضلی مثل ایشان که هم فضل حوزوی و هم فضل دانشگاهی داشته





باشند؛ هم بر امور کامپیوتر مسلط باشند و هم به چند زبان (انگلیسی، عربی، ترکی آذری، ترکی استانبولی) تسلط داشته باشند، کم داریم.

ایشان در همایش هایی که در دانشگاه های خارج از کشور برگزار می شد، همایش های علمی با حضور اساتید درجه یک و پروفسورهای علمی آن کشور، به زبان انگلیسی سخنرانی می کردند و در پایان سخنرانی به زبان انگلیسی پرسش و پاسخ می گذاشتند که بسیار مورد استقبال اساتید دانشگاه ها و دانشجویان قرار می گرفت.

ایشان امید و همواره جزء انتخاب های درجه یک ما بودند. برای کارهای بزرگی که می توانستیم در حوزه خارج از کشور انجام دهیم و در حوزه مسئولیت های نهادهایی که در حوزه خارج از کشور کار می کردند، ایشان همیشه جزء گزینه های اول بودند.

با همه این توانمندی اصلاً خودشان را نشان نمی دادند؛ به هیچ وجه اهل نمایش دادن نبودند؛ ایشان مسئولیت مهمی هم در بعثه داشتند، از روحانیان قدیمی کاروان های حج و زیارت بودند؛ همینطور از روحانیون کار بلد کاروان های خارج از کشور بودند که به زبان انگلیسی و زبان های مختلف برای حجاج برنامه داشتند.

ایشان ده سال یکی از سیاست گذاران اصلی حج و زیارت بودند؛ از مدیران تراز اول حج و زیارت بودند، در کنار حاج آقای قاضی عسکر و همینطور در کنار حضرت حجت الاسلام والمسلمین نواب که در حوزه امور روحانیان و اخیراً در حوزه بین المللی انجام وظیفه می کردند؛ سیاست گذاری می کردند و هم فعالیت های ارزشمندی داشتند.

حتی بین عزیزانی که در سازمان های مختلف مسئولیت داشتند در اینکه آقای مظلومی را انتخاب کنند، اغلب رقابت بود. یکی از مدیران این سازمان ها بسیار تلاش کرد که آقای مظلومی را در کنار خودشان داشته باشند؛ حتی فکر می کنم همان ده سال قبل که حاج آقای قاضی عسکر، ایشان را به عنوان معاون امور فرهنگی منصوب کردند، همان زمان، مسئول وقت قوه قضائیه برای معاونت یکی از بخش ها از ایشان دعوت کرد، اما ایشان می گفت من به امور حج و زیارت مردم علاقه مندی بیشتری دارم تا در حوزه مسائل قضایی.

اما چیزی که برایشان مهم بود، این بود که بتوانند باری را از روی زمین بردارند، کاری





که روی زمین مانده است را انجام دهند، وقتی که یک کار به عهده ایشان گذاشته می‌شد، ساعت و وقت نمی‌شناختند. من خودم شاهد بودم، بسیار پرکار بودند، از صبح اول وقت تا دیر وقت مشغول می‌شدند، بعضی وقت‌ها می‌گفتم با این شدت و حدتی که شما جلو می‌روید، باید از خودتان مراقبت کنید که یک وقت خدای ناکرده مشکلی پیش نیاید.

با اینکه در فضای خارج از کشور از ایشان درخواست داشتیم که مسئولیت‌های سنگین‌تری را قبول کنند، اما طبق اولویت‌بندی خودش عمل می‌کرد و بر اساس وظیفه‌ای عمل می‌کردند که خودشان نسبت به آن احساس تعهد داشتند. ما در حوزه جنوب شرق آسیا در خدمت ایشان بودیم. سالی دو یا سه مرتبه به کشورهای جنوب شرق آسیا مانند تایلند، بنگلادش و میانمار سفر می‌کردند و امورات مربوطه را در این کشورها انجام می‌دادند.

نکته جالب بود این بود که ایشان فقط به سفری به تایلند و تبلیغ یک هفته‌ای بسنده نمی‌کردند، بلکه کارهای مربوط به مسائل شیعیان تایلند و بنگلادش، مسائل مربوط به علما، مسائل مربوط به طلبه‌ها و حوزه‌های علمیه، همه این‌ها را همزمان در ایران هم پیگیری می‌کردند؛ به طور همزمان و مستمر، با طلبه‌ها، علما و فضایی این مناطق ارتباط داشتند.

ایشان در ادامه همان ارتباطاتی که در حج با شیعیان داشتند، با شیعیان کشورهای مختلف در آمریکا، کانادا، آذربایجان، ترکیه، جنوب شرق آسیا، استرالیا ارتباطشان را حفظ می‌کردند و نسبت به اطلاع‌رسانی و تبلیغ معارف اهل بیت (علیهم السلام) از طریق شبکه‌های مجازی اهتمام داشتند. به همین دلیل، مورد علاقه علمای بنام این کشورها بودند.

یکی از وظایف سنگینی که از طرف دفتر به عهده ایشان گذاشته شد، رسیدگی به آوارگان مسلمان روہینگیایی بود؛ ایشان خیلی نسبت به این مسأله اهتمام داشتند و به کشور میانمار سفرهایی داشتند و با آن جمعیت مسلمانی که بعضاً از کشورشان رانده شده بودند و در کشورهای دیگر مانند بنگلادش مأوا گرفته بودند، ارتباط داشتند





و سعی می کردند به این ها کمک کنند.

یادم می آید سفری به اتفاق هم به بنگلادش و میانمار رفتیم و میان مسلمانان روهینگایی حضور پیدا کردیم، گفته بودند که محل اسکان آوارگان روهینگایی مسلمان، محل ممنوعه است و دولت اجازه ورود و حضور در بین آن ها را نمی دهد؛ اما مسافت قابل توجهی را با سختی طی کردیم و به این محل رسیدیم. ایشان چندین مرحله بنا به خلاقیت و ابتکار خودشان به این محل اسکان ورود کرده بودند و بسته های غذایی را به دستشان رساندند.

استرالیا نیز اهمیت ویژه ای برای ما داشت و هم اینکه جمعیت شیعیان ایرانی، افغانی، عراقی و لبنانی در استرالیا زندگی می کردند، با توجه به اینکه یکی از مبلغین موفق ما در استرالیا از این کشور اخراج شده بودند، ما با یک خلأ مواجه شده بودیم که بنده پیشنهاد دادم آقای مظلومی به آنجا بروند.

با تمهیداتی که ما پیش بینی کردیم، ایشان را در یک ماه رمضان به استرالیا فرستادیم که به شدت مورد استقبال واقع شد؛ مثل همیشه ایشان بسیار موفق بودند به طوری که نماینده سابق ما که مسئولیت مرکز را داشتند، به شدت به حضور ایشان علاقه مند شدند و تقاضا داشتند تا در مرکز اسلامی سیدنی مستقر شوند و حتی گفتند که ما ویزا، اقامت و همه مایحتاج ایشان را تهیه می کنیم، همه هزینه های ایشان را هم می دهیم، فقط ایشان اینجا بیایند و مستقر شوند، برای اینکه مورد استقبال مردم واقع شده اند، اما حاج آقای قاضی عسکر، به دلیل مسئولیتی که در بعثه داشتند، موافقت نمی کردند. بعد که با خود آقای مظلومی صحبت کردم، گفتم که ما موافقت آقای قاضی عسکر را می گیریم، شما بروید و مستقر شوید؛ ایشان گفتند که من نمی توانم دائم مستقر شوم؛ گفتم برای چه؟ گفتند چون پدر و مادرم اینجا هستند و بیشتر چشم امیدشان به من است، نمی توانم ایشان را تنها بگذارم؛ این نکته اخلاقی و تربیتی است که ایشان از این امکان خوب تبلیغی آن هم در استرالیا به راحتی می گذرند؛ دیگر نتوانستیم کسی را برای استرالیا معرفی کنیم. واقعیت این است که دستان در انتخاب اشخاصی مانند مرحوم مظلومی خیلی تنگ است.





ارتباطات ایشان با علمای متصوفه و حتی اهل سنت همراه با احترام بسیار بود؛ ما سفری با هم به بنگلادش رفتیم، شاید شیعیان ما در بنگلادش سی چهل هزار نفر بیشتر نباشند، دویست میلیون مسلمان در بنگلادش هست که تعداد قابل توجهی از آنها متصوفه هستند، ما با هم در روز تاسوعا و عاشورا برای دیدن مراسم عزاداری همین مسلمان‌های سنی در یکی از مناطق بنگلادش رفتیم. مراسم خیلی باشکوهی بود و عزاداری خیلی عجیبی بود؛ آنها ساعت‌ها و کیلومترها همراه با عزاداری راهپیمایی می‌کردند. آقای مظلومی در بین این جمعیت به عنوان شخصیت مهمان سخنرانی کردند.







## سخنران جاذب



جناب آقای دکتر منصور لقایی<sup>۱</sup>

بهترین خاطراتی که از مرحوم حاج آقای مظلومی به خاطر دارم مربوط به دو سال پیش است که ایشان را برای مناسبت ایام فاطمیه که احتمالاً فاطمیه دوم بود به استرالیا دعوت کرده بودیم تا در مرکز اسلامی امام حسین (علیه السلام) برنامه‌ای داشته باشند. بازتاب حضور ایشان این بود که بی اغراق باعث شده بود تا مردم فوق العاده جذب ایشان شوند. همه از سخنرانی‌ها و هم از اخلاق ایشان بسیار تعریف می‌کردند. متأسفانه وقت ایشان بسیار محدود بود و حتی زمان اقامت ایشان کوتاه‌تر هم شد، چون باید باز می‌گشتند، چرا که حج و زیارت به ایشان نیاز داشتند؛ منتهی درخواست داشتند در شهر ملبورن هم از حضور ایشان استفاده کنند؛ فقط شب شنبه بود که می‌توانستند در استرالیا حضور پیدا کنند و باید بلافاصله باز می‌گشتند. متأسفانه آن روزی که ایشان باید از سیدنی به ملبورن پرواز می‌کردند، با مسابقه ملبورن کاپ که همه ساله در ملبورن برگزار می‌شود مصادف شده بود؛ مردم زیادی برای دیدن این مسابقه به ملبورن سفر می‌کنند؛ از این رو هزینه بلیط در آن زمان خیلی گران شده بود؛ یک نفر از جوانانی که آنجا بود گفت من هزینه بلیط ایشان را پرداخت می‌کنم. بلیط خریداری شد و ایشان به ملبورن تشریف بردند و برنامه را برگزار کردند.

بعد از برنامه ایشان در ملبورن، چندین تلفن داشتیم که مردم به شدت از حضور و سخنرانی ایشان تشکر می‌کردند. بازتاب بسیار خوبی از سخنرانی ایشان شد؛ آنجا فکر

۱ - رئیس مرکز اسلامی امام حسین (علیه السلام) در سیدنی استرالیا





کردم که واقعاً حیف بود اگر ایشان به ملبورن سفر نمی کردند.

همچنین آقای مظلومی جلسه ای با اولیا و مربیان یک مدرسه شیعی داشتند؛ مردم از تجربه ایشان در کارهای فرهنگی، نحوه رفتار و سخنانشان در مورد تربیت فرزند، بسیار استقبال کرده بودند. در هر صورت حضور کوتاه ایشان بسیار مثمر ثمر بود. ناگفته نماند بسیار علاقه مند بودیم و تلاش کردیم که ایشان را قانع کنیم در استرالیا ساکن شوند، اما متأسفانه به خاطر مسئولیتی که در حج و زیارت داشتند قبول نمی کردند. خلاصه کلام اینکه در همین سفر کوتاهی که به استرالیا داشتند، خاطره بسیار خوبی در بین مردم از خودشان بر جای گذاشتند.







## دغدغه مند اسلام و تشیع

حجت الاسلام والمسلمین شیخ غلامعلی اباذری<sup>۱</sup>

یاد و خاطره حجت الاسلام مظلومی نزد شیعیان تایلند همیشه گرامی است، چرا که مردم، ایشان را نه تنها فقط به خاطر سید بودنشان، بلکه به خاطر رفتار صمیمانه و محبت آمیز ایشان دوست می داشتند و ایشان به عنوان یکی از مبلغین و سخنرانان عالم و فاضل نزد مردم شناخته شده بودند و تسلط ایشان به سخنرانی به زبان های انگلیسی و عربی و فارسی در مسجد الهدی بانکوک بسیار قابل توجه بود و البته موضوعاتی که برای سخنرانی انتخاب می کردند، برای عموم جذاب و آموزنده بود.

ایشان از روحانیون بسیار دلسوز و متعهدی بودند که در بسیاری از موارد با ایشان مشورت می کردم و نظرات مفید و سازنده ای ارائه می کردند و تا آنجایی که امکان داشت از برنامه ها و پیشنهادهای حمایت می نمودند. آن مرحوم در راستای ترویج اسلام و مذهب شیعه دغدغه مند بودند؛ برای مثال شبکه ای مذهبی و شیعی راه اندازی شد که مشاوره های بسیار خوبی را در این قالب ارائه می کردند و نتایج بسیار خوبی هم داشت؛ در حقیقت وجود مبارک ایشان بسیار سودمند و مفید بود.

به خاطر دارم سالی بین اهل سنت و اهل تشیع در ماه مبارک رمضان اختلاف نظری در بحث رؤیت هلال وجود داشت که ایشان با ورود به موضوع با ارائه نظری سازنده این مشکل را رفع کردند.

حال که ایشان در میان ما نیست، فقدان حضورشان بسیار محسوس است.

۱ - امام جمعه شیعیان بانکوک





## روحانی وحدت گرا



جناب آقای سید مبارک حسینی<sup>۱</sup>

آشنایی بنده با آقای مظلومی به هشت سال اخیر بر می گردد. اولین آشنایی ما با حضور ایشان در کشورهای جنوب غرب آسیا (بنگلادش، تایلند، میانمار و کامبوج) به عنوان نماینده مقام معظم رهبری رقم خورد. آقای مظلومی، اولین نماینده ای بود که بعد از رحلت مرحوم آیت الله شاهرخی به عنوان نماینده مقام معظم رهبری تعیین شدند.

در اولین سفری که به تایلند داشتند، ما با ایشان آشنایی پیدا کردیم و شیفته اخلاق، رفتار و کردار ایشان شدیم. از آن زمان تا کنون با هم ارتباط خوبی داشتیم. هر سفری که می آمدند چندین جلسه با ایشان داشتیم و حتی از چندین سال قبل در ایام اربعین در کربلا با حضور آن مرحوم، سمینارهای علمی برگزار می کردیم. ایشان در طول هر سال، دو یا سه سفر به ویژه در ماه مبارک رمضان و ماه محرم به تایلند می آمدند و در صورتی که مشکلات سیاسی وجود نداشت برای دیدار با شیعیان به بنگلادش و میانمار می رفتند و اگر مشکلی در سفر ایجاد می شد از دوستان دعوت می کردند که به تایلند بیایند.

با توجه به اینکه ما در ابتدا در حوزه رسانه فعالیت می کردیم، اولین نکته ای که نظر ما را به دکتر مظلومی جلب کرد اشراف ایشان به حوزه رسانه بود. هنگامی که او برای بازدید از انجمن ما به تایلند آمد پیشنهاداتی ارائه داد، نظیر اینکه باید چطور تولید

۱ - رئیس انجمن محبین ولی فقیه در تایلند





محتوا کنید، در کارهای بخش تولیدی این کارها را انجام دهید، این ابزارها را لازم دارید و...؛ که با خود گفتیم تاکنون چنین نماینده ای از طرف ایران در تایلند ندیده ایم که وارد کار رسانه ای شود و بر آن اشراف داشته باشد. بعدها فهمیدیم که ایشان در بخش های زیادی تجربه خوبی داشت که مورد توجه همکاران رسانه ای ما واقع شد.

جذابیت دیگر دکتر مظلومی تسلط بر زبان انگلیسی بود. برای مثال در یکی از ایام سفر، با ایشان به حسینه ای در تایلند رفتیم، مجلس که تمام شد جوانان و دانشجویان دور ایشان جمع شدند و آقای مظلومی با آن ها انگلیسی صحبت کرد. برای ما جالب بود که یک سید معمم، فهیم و خوش اخلاق می تواند به خوبی به زبان انگلیسی صحبت کند. بعد از چند سفر، هموطنان ما در تایلند، ایشان را به عنوان شهید بهشتی دوم می پنداشتند چرا که هم از نظر ظاهر و هم ویژگی های اخلاقی شبیه دکتر بهشتی بود. او در سفرهای تبلیغی هیچگاه ادعا نمی کرد که نماینده ولی فقیه است، ساده زیست، خوش اخلاق و خوش برخورد بود و ما طلبه ها به این خصوصیات غبطه می خوردیم که چنین سیدی با این استعداد اینگونه با مردم عادی راحت رفتار می کند و با توانایی های خود مردم تایلند را مجذوب می نماید.

در جلساتی که در سفر به مناطق مختلف تایلند داشتند، همواره به ما سفارش می کردند که در قبال مسلمانان و به ویژه تشیع باید دید کلان داشته باشید ولو با شما اختلاف داشته باشند، ایشان مانند برادران شما هستند؛ اگر شما این ها را به دید یک خانواده نگاه کنید، گذشت می کنید و می توانید همکاری داشته باشید؛ توصیه ایشان به بنده دید وسیعی داد.

همچنین خدا توفیق داد در یکی از سال ها در سفر مکه مکرمه با ایشان همسفر شدیم. ایشان ما را به بعثه مدینه منوره و مکه مکرمه دعوت می کرد و توصیه می کرد که طلاب تایلندی را جمع کنید تا با هم صحبت کنیم. ایشان همواره به طلبه های خارجی توصیه می کرد که خوب درس بخوانید و به کشورتان برگردید و خدمت کنید که برای ما، طلبه ها توصیه قابل توجهی بود.

به یاد دارم زمانی که در مجله ای در فرانسه به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) توهین





کرده بودند، ما در تایلند تظاهرات کردیم. بعد از شش هفت ماه ایشان خلاقیتی به خرج دادند و گفتند می‌خواهم متنی تهیه کنم به نام «پیامبر مهربان» که بعدها به ۳۰ زبان ترجمه شد، برای بنده هم فرستادند که به زبان تایی ترجمه کردم. گفتند شما این‌ها را چاپ کنید با یک کادو و با آب میوه یا کیک بسته‌بندی کرده و در مناطق مختلف تایلند پخش کنید. اینکار را در بانکوک و چند نقطه دیگر انجام دادیم، دوستان دیگر هم همکاری کردند و در همه تایلند پخش کردیم. این یک ابتکار بین‌المللی بود که ایشان در آن زمان انجام داد.

همچنین ایشان ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۹۸ تماس گرفتند که می‌خواهیم یک برنامه مجازی برای ماه رمضان تولید کنیم؛ برای ۳۰ جلسه برنامه‌ریزی کردیم و برنامه آخر از سلسله جلسات به سخنرانی ایشان به زبان انگلیسی اختصاص داشت. مرحوم مظلومی روی انتخاب سخنرانان حساسیت داشتند و می‌گفتند باید افراد باسواد و اهل فن را برای برنامه‌ها دعوت کنید. جالب اینکه موضوع را خودشان انتخاب می‌کردند و برای ما می‌فرستادند. برای مثال درباره ولادت امام حسن (علیه السلام)، ایشان احادیث اهل سنت را شخصاً بررسی می‌کرد و محتوای لازم را برای ما می‌فرستادند. حدوداً محتوای ۲۹ برنامه از ۳۰ برنامه را خودشان تهیه کردند. ایشان تأکید داشت که اینگونه فعالیت‌ها باید ادامه پیدا کند.

خاطره دیگر اینکه در اوائل کسالت ایشان، فتنه‌ای در تایلند به پا شد و شیعیان این کشور با اختلاف جدی مواجه شدند. ایشان زمانی که کسالت داشتند هم به یاد شیعیان آنجا بودند؛ با ایشان تماس گرفتم؛ به من گفتند تلاش کنید که شیعیان آشتی کنند، دشمنان سوء استفاده می‌کنند؛ این فتنه نباید بزرگتر شود، بروید با آن‌ها صحبت کنید. حتی در حال مریضی هم به فکر مردم شیعه در تایلند بودند.







## رسالت واقعی

جناب آقای جمال الدین<sup>۱</sup>

شخصیت مرحوم سید جواد مظلومی برای من مصداق این فرمایش پیامبر (ص) است که فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»<sup>۲</sup>؛ در تعامل با دکتر مظلومی احساس می کردیم، اخلاق پیامبر در او جاری و ساری است و او رسالت واقعی را بر عهده دارد. اخلاق ایشان قابل ستایش بود. اینکه تأکید می کردند با برادران مسلمان خود همراه باشید حتی با اهل سنت، در دیدارهایی که خود ایشان با اهل سنت داشتند رفتار او را پیامبرگونه دیدم. اگر همه علما و طلاب درباره روش تعامل با اهل سنت و حتی غیر مسلمان، بودایی و ... از ایشان الگو بگیرند، مشکل وحدت تا حدی رفع می شود.

مثلاً امروزه بحث وهابیت در تایلند خیلی رواج پیدا کرده است و از کلام پیامبر و خدا در قرآن علیه شیعیان استفاده می شود، اما اگر مثل آقای مظلومی فکر کنیم و سخن بگوییم شرایط تغییر خواهد کرد.

آقای مظلومی واقعاً پیگیر مشکلات مسلمانان در تایلند بودند؛ در ایامی که درباره هلال ماه رمضان در میان مسلمانان اختلاف ایجاد شده بود، ایشان آمدند میانجی گری کردند و مسأله را حل و فصل نمودند.

ایشان واقعاً عاشق قرآن بود. خدماتی که در مرکز نور انجام داده اند، بی نظیر است. چون رشته بنده حدیث است نرم افزار جامع الاحادیث را مورد استفاده قرار می دهم و می دانم که چه کار ارزشمندی انجام شده است.

۱ - محصل رشته علوم قرآنی در جامعه المصطفی از تایلند

۲ - بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ ج ۷۰، ص ۳۷۲





حرف‌ها و نصیحت‌های ایشان طی این سال‌ها برای ما الگو بوده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که آقای مظلومی واقعاً رسالت واقعی پیامبرگونه داشتند.







## روضه به زبان انگلیسی



جناب آقای سید رضا حسین حسینی<sup>۱</sup>

انتصاب فرد شایسته، لایق و پر استعدادی چون حجت الاسلام و المسلمین دکتر جواد مظلومی بعد از رحلت آیت الله شاهرخی خرم آبادی، نماینده سابق مقام معظم رهبری در منطقه، اقدام هوشمندانه ای بود که بنده نیز در این راستا توفیق خدمت به حاج آقا مظلومی را داشتم.

آقای مظلومی در مدت فعالیت خود در کشور بنگلادش خدمات بزرگی را ارائه کردند و زمینه گسترش رهروان اهل بیت (علیهم السلام) را ایجاد کردند و سعی و تلاش خود را برای ایجاد وحدت و همبستگی بین مسلمانان به کار گرفتند.

یک سال حاج آقا مظلومی شب عاشورا از ایران به بنگلادش رسیدند؛ بدون استراحت، ساعت یک شب در حسینیة دالان، مرکز شیعیان بنگلادش حضور یافتند و در جمع شیعیان و عزاداران سخنرانی کردند و به روضه خوانی به زبان انگلیسی پرداختند. برای من عجیب بود که دیدم حاج آقا در آن شب بدون استراحت در برنامه شرکت کردند. این عمل، نشان می دهد که او چقدر به سید الشهدا عشق و علاقه داشت.

آخرین بار سفری که حاج آقا به مدت سه روز به بنگلادش می آمدند، پنج ماه شهریه های طلاب عقب مانده بود. قبل از رسیدن به بنگلادش به بنده مدام تأکید می کردند، آقای حسینی کاری کنید تا یک روزه کارهای طلاب و روحانیون تمام شود و نهایتاً یک روزه همه حساب و کتاب های طلبه ها انجام شد.

۱ - مسئول دفتر شهریه طلاب - داکا، بنگلادش





ایشان در روز سوم سفر آخر به بنگلادش، در نماز جمعه شرکت کردند و در حسینیه دالان متعلق به شیعیان به زبان انگلیسی سخنرانی نمودند. همان روز ساعت پنج عصر پرواز داشتند؛ بعد از سخنرانی بلافاصله از حسینیه دالان روانه فرودگاه شدیم و در مسیر فرودگاه با بنده، همه حساب و کتاب‌ها را انجام دادند. لذا ایشان در همان فرصت کوتاهی که داشتند کارها را انجام دادند.

ایشان را در انجام وظیفه خیلی دقیق و پرتلاش می‌دیدم. برای حل مسائل طلاب، پیشقدم بودند. در مدت حضور خود در بنگلادش، با شخصیت‌های گوناگون علمی و دانشگاهی ملاقات و در تلویزیون به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند.

مرتب از ایران با بنده تماس می‌گرفتند و از مسائل مربوطه پرس و جو می‌کردند و نسبت به مسلمانان دغدغه داشتند.







## سربازان امام زمان (عج)



جناب آقای سید حسن حسینی<sup>۱</sup>

در طول سالیان گذشته با آقای مظلومی جلسات متعددی داشتیم. ایشان توصیه‌های زیادی به طلاب می‌کردند. می‌گفتند خوب درس بخوانید و علم را با تقوا همراه کنید. تزکیه، زیارت و ارتباط روحی‌تان را با حضرت حجت (عج) داشته باشید؛ همیشه تأکید می‌کردند که شما سرباز امام زمان (عج) هستید؛ باید خودتان را لایق این عنوان بدانید. هر فکر و هر راه و هر قدمی که می‌خواهیم در این مسیر انتخاب کنیم، باید در نظر داشته باشیم که می‌خواهیم به عنوان یک سرباز برای مولایمان انجام دهیم. او می‌گفت به تایلند برگردید و فعالیت شایسته‌ای انجام دهید. با برادران خود آشتی کنید، وحدت را حفظ کنید، تفرقه‌افکنی نکنید، نه فقط با شیعیان، بلکه با اهل سنت و دیگران هم ارتباط خوبی داشته باشید.

ایشان توصیه می‌کرد و می‌گفت اگر خوب درس بخوانیم، اما اخلاق نداشته باشیم، نمی‌توانیم یک نقش مؤثر در جامعه ایفا کنیم. بحث ولایی بودن و انقلابی بودن خیلی مورد تأکید ایشان بود. دکتر مظلومی تأکید داشت که اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) را ترویج دهید و به دوستانتان تفهیم کنید که نقش ایران، نقش رهبری و نقش انقلاب در پیشبرد و توسعه فرهنگ اسلام ناب محمدی نقشی اساسی و محوری است. می‌گفت اگر شما در این مسیر سستی کنید، مبلغ موفق نخواهید بود.

او خیلی به کار فرهنگی طلاب غیر ایرانی توجه داشت؛ در باب سخنرانی نصیحت





خوبی داشتند و تأکید می کردند زمانی که می خواهید سخنرانی کنید باید کل مسائل اعم سیاسی، دینی و تاریخی مدنظر قرار دهید و باید از احادیث قرآن استفاده کنید و از همه مهمتر افراط و تفریط نکنید و بر مدار وحدت سخن بگویید.

بنده خاطره خوبی از ایشان دارم. چند سال پیش قرار بود با طلاب تایلندی برای شرکت در پیاده روی اربعین و زیارت به عراق برویم. با مشکل کمبود اتوبوس مواجه شدیم و من که هماهنگ کننده بودم، هیچ راهکاری پیدا نکردم. بعد از چند روز با آقای مظلومی تماس گرفتم و گفتم مشکلی برای اعزام طلاب، ایجاد شده و نمی دانم با چه کسی مطرح کنم. پول داریم، اما وسیله نقلیه برای اعزام نداریم. ایشان از تماس من خوشحال شد و گفت پیگیری می کنم و به شما خبر می دهم؛ او واقعاً پیگیری کرد و بعد از دو سه روز با هماهنگی و کمک ایشان توانستیم طلاب را به اربعین ببریم و از ایشان خاطره خوبی در ذهن همه دوستانمان ایجاد شد.







## خادم محبوب

جناب آقای سید سلیمان حسینی<sup>۱</sup>

آقای دکتر مظلومی، این مرد بزرگ تمامی لحظات زندگی خود را در راه خدمت به اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با موفقیت سپری نمود. موفقیتی که با محبوبیتی خاص توأم شد.

در کشور تایلند نیز کمالات اخلاقی، علم، بصیرت و سعه صدر ایشان موجب محبوبیت شده بود. محبوبیتی که شیعه و سنی و حتی بودایی یا حوزوی و دانشگاهی نمی شناخت و هر که را همنشین این سید بزرگوار می شد، مبتلا می کرد.

یکی از مهمترین اقدامات ایشان که بسیار در کمرنگ کردن اختلاف نظرها مؤثر واقع شد، برگزاری دوره دانش افزایی پیرامون مسائل استهلال ماه قمری برای روحانیون شیعه بود. مسئله ای که چند وقتی موجب ایجاد برخی اختلاف نظرها شده بود، اما با درایت ایشان آن اختلافات تقریباً به پایان رسید.

در همه دیدارهایی که ایشان با مقامات و اشخاص مهم کشوری داشتند، اخلاق، علم و دیدگاه های سیاسی و اجتماعی ایشان که برگرفته از مبانی سیاسی اجتماعی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود، آنها را تحت تأثیر قرار می داد؛ به طوری که کاملاً متوجه می شدند دلیل انتخاب ایشان به عنوان نماینده دفتر رهبری ایران چیست و همین دانایی و کمالات جذاب ایشان باعث شده بود تا ما همه جا با افتخار این مرد بزرگ را معرفی کنیم که او نماینده دفتر رهبری ایران در منطقه است و

۱ - از مبارشان مرحوم دکتر مظلومی در تایلند





حقا که پیام‌آور و سفیر شایسته‌ای برای انقلاب اسلامی ایران بودند. علم، مهربانی و اخلاق نبوی ایشان در دل جوانان ارادتمند به اهل بیت (علیهم السلام) جای بخصوصی را برای این سید فقید باز کرده بود تا حدی که عده‌ای از آنها اظهار می‌داشتند که سید مظلومی، ما را به یاد شهید دکتر بهشتی می‌اندازد و او برای ما شهید بهشتی زمان است. در هر مکانی که قرار بود به دیدار شیعیان بروند، همه در انتظار آمدن ایشان می‌ماندند. از خداوند متعال خواستاریم که ما را در امتحان از دست دادن چنین شخصیت کلیدی در منطقه سربلند بدارد.

